



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



اهداف، بایسته‌ها و ضرورت‌ها («حوایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی»)

مجلس شورای اسلامی
کتابخانه مجلس شورای اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهداف، بایسته ها و ضرورت ها «حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی»

نویسنده:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	اهداف، بایسته ها و ضرورت ها («حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی»)
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۲۱	چکیده
۲۲	دیباچه
۲۴	مقدمه
۲۶	فصل اول: حمایت از کار و سرمایه ایرانی در نگاه مقام معظم رهبری
۲۶	اشاره
۲۶	متن پیام مقام معظم رهبری در آستانه تحویل سال ۱۳۹۱
۳۱	محوریابی سخنان مقام معظم رهبری
۳۱	اشاره
۳۱	۱. تبریک عید نوروز به مردم ایران و جهان
۳۲	۲. مروری بر رویدادها و موضوع های سال ۱۳۹۰
۳۳	۳. سال ۱۳۹۰، سال اقتدار ملت ایران
۳۳	۴. آمادگی ایران در همه عرصه ها با وجود تبلیغات بدخواهان
۳۴	۵. دست یابی به شرایط مطلوب اقتصادی
۳۴	۶. تدابیر هوشمندانه مردم و مسئولان در مقابله با تحریمها
۳۴	۷. سال ۱۳۹۰؛ سال فعالیت های بزرگ علمی
۳۴	۸. سال ۱۳۹۰؛ سالی پرنشاط و پرچالش
۳۵	۹. سال ۱۳۹۱؛ عرصه چالش در میدان اقتصادی
۳۵	محورهای برنامه ای در سال ۱۳۹۱
۳۵	اشاره
۳۵	۱. تأکید بر ضرورت حضور جهادگونه در عرصه اقتصادی

۳۵	۲. توجه به تقسیم‌بندی مسائل مربوط به جهاد اقتصادی
۳۶	۳. تأکید بر همت و عزم ملی در میدان تولید ملی
۳۷	۴. تأکید بر اهمیت و جایگاه مسئله تولید ملی و رونق آن
۳۷	۵. توجه و تأکید بر ضرورت حمایت از کار و سرمایه ایرانی
۳۷	۶. توجه به کالای ملی و تولید داخلی به عنوان یک فریضه
۳۹	فصل دوم: دلایل نام‌گذاری سال ۱۳۹۱ به نام حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی
۳۹	اشاره
۴۰	۱. شرایط اقتصادی کشور، علت نام‌گذاری های سالانه
۴۴	۲. اهمیت تولید داخلی در پیشرفت کشور
۴۶	۳. تأکید بر تولید، ضرورتی روزافزون
۴۸	۴. جهش و تغییر موقعیت اقتصادی
۴۹	۵. شکوفایی اقتصادی کشور
۴۹	۶. تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی به منظور اشتغال زایی بیشتر
۵۰	۷. حمایت از تولید ملی، لازمه قدرت نمایی نظام دینی
۵۱	۸. تولید ملی، حسنه اجتماعی
۵۲	۹. سه دهه تحول اقتصادی
۵۴	فصل سوم: اهداف و فایده های نام‌گذاری سال ۱۳۹۱ به نام تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی
۵۴	اشاره
۵۴	۱. حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی به منظور شکوفایی استعداد های جوان
۵۶	۲. افزایش بهره وری در کارها، منابع انسانی و منابع مالی و فیزیکی
۵۶	۳. حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی، به منظور رهایی از وابستگی به محصولات خارجی
۵۷	۴. حفظ استقلال همه جانبه ایران اسلامی در سایه تولید ملی
۵۹	۵. حفظ پایه اصلی استقلال کشور
۶۰	۶. حمایت از نمانام (برند) و تولید ملی، به منظور کاهش وابستگی به نفت
۶۳	۷. تشویق به مصرف کالای ایرانی
۶۳	اشاره

- الف) تلاش تولیدکنندگان برای تشویق مصرف کننده ۶۴
- ب) فرهنگ سازی برای خرید کالای تولید داخلی ۶۴
- ج) حمایت از فرصت‌های شغلی ۶۵
- د) بهبود اقتصاد ملی ۶۵
- ه) انجام دادن اقدامات پیش گیرانه ۶۶
- اشاره ۶۶
- یک _ سیاست بازدارندگی در کنار پاسداری از حقوق مصرف کنندگان ۶۶
- دو _ حمایت از کالای ایرانی، پاسداری از اقتصاد ملی ۶۶
- سه _ مصرف کالای خارجی، عامل بی کاری جوانان ایرانی ۶۷
- چهار _ تحقق رسالت دستگاه‌های فرهنگی و رسانه‌ها ۶۸
- و) سیاست‌های حمایتی جهت ترویج مصرف کالاهای داخلی ۶۸
- اشاره ۶۸
- یک _ اصلاح قوانین مالیاتی و گمرکی ۶۸
- دو _ رسالت شخصی مسئولان ۶۹
۸. اهداف حمایت از تولید ملی ۶۹
- اشاره ۶۹
- الف) تقویت روحیه خودباوری در ملت و جوانان ۶۹
- ب) کاهش صادرات نفت و مواد خام ۶۹
- ج) حمایت از کالای باکیفیت داخلی و اشتغال زا ۷۱
۹. «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، نقطه عطف توسعه اقتصادی کشور ۷۱
۱۰. حمایت از سرمایه ایرانی، سرعت بخش چرخه تولید در کشور ۷۳
۱۱. تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، نقطه مقابل تورم ۷۴
۱۲. تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، پلی در مقابل تحریم ها ۷۵
۱۳. تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، نقطه مقابل ترندها و توطئه‌های دشمنان ۷۵
۱۴. حمایت از سرمایه و نیروی کار ایرانی، محور خودکفایی ۷۶
۱۵. حمایت از کار و سرمایه ایرانی، استمرار جهاد اقتصادی ۷۷

۷۸	۱۶. تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، به منظور رهایی از وابستگی به کشورهای غربی
۷۹	۱۷. تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، جنبشی برای پاسداری از «تولید ملی»
۷۹	اشاره
۸۰	الف) صنعت نفت ایران پیش از ملی شدن
۸۲	ب) چگونگی ملی شدن صنعت نفت ایران
۸۷	۱۸. خودکفایی اقتصادی
۸۹	فصل چهارم: تحقق حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی
۸۹	اشاره
۹۰	۱. ایجاد زمینه برای رشد و شکوفایی اقتصادی
۹۰	۲. حمایت از تولید ملی، نیازمند دغدغه عمومی
۹۲	۳. توجه به موضوع بهره‌وری در کار و تولید
۹۷	۴. مدیریت نرخ ارز برای حمایت از تولید ملی
۱۰۱	۵. توجه به عدالت توزیعی
۱۰۵	۶. توجه کردن به سیاست‌های مکمل کنترل واردات
۱۰۷	۷. ایجاد احساس امنیت و باور در تولیدکننده و سرمایه‌گذار ایرانی از حمایت مردم و دولت
۱۰۸	۸. توجه کردن به برنامه‌ریزی میان مدت و بلندمدت
۱۱۱	فصل پنجم: راهکارها و اقدامات تحقق بخشیدن به شعار سال حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی
۱۱۱	اشاره
۱۱۲	۱. عجين کردن کار و سرمایه ایرانی برای رونق اقتصادی کشور
۱۱۳	۲. حمایت از کار و سرمایه ایرانی نیازمند عزم جهادی
۱۱۴	۳. تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها
۱۱۵	۴. تشویق مصرف‌کنندگان به استفاده از کالای داخلی
۱۱۶	۵. تحریم کالای خارجی
۱۱۶	اشاره
۱۱۸	الف) رسمی (وضع قوانین)
۱۱۸	اشاره

- یک _ ممنوع کردن ۱۱۸
- دو_ افزایش تعرفه ۱۱۸
- سه _ مجوز واردات مشروط ۱۱۸
- (ب) غیر رسمی (عرصه سازی) ۱۱۹
- اشاره ۱۱۹
- یک _ عرصه سازی رسانه‌ها ۱۱۹
- دو _ حکم تحریم به دستور مراجع ۱۱۹
۶. توزیع عادلانه درآمد ۱۲۰
۷. ایجاد و ارتقای روح خودباوری در مردم ۱۲۱
- اشاره ۱۲۱
- یک _ تجدید نظر در قوانین مرتبط با تولید و سرمایه گذاری ۱۲۱
- دو _ حمایت دولت از بخش صنعت و کشاورزی ۱۲۲
- سه _ ایجاد محدودیت در تعرفه‌های گمرکی ۱۲۲
- چهار _ جلوگیری از تولید اقلام نامطلوب ۱۲۲
- پنج _ اعمال سیاست‌های اقتصادی در بخش صادرات ۱۲۲
- شش _ تشکیل صندوق ملی سرمایه‌گذاری با امکان هرگونه برداشت توسط دولت با مصوبه مجلس ۱۲۲
- هفت _ تشکیل کمیته ملی بهره وری ۱۲۳
- هشت _ تشکیل کمیته ملی ابداعات و اختراعات ۱۲۳
- نه _ تشکیل کمیته‌های بررسی مشکلات صنایع در استان ها ۱۲۴
- ده _ اجرای درست اصل ۴۴ ۱۲۴
- یازده _ به کارگیری شیوه های نوین در بخش‌های صنعتی و کشاورزی ۱۲۴
- دوازده _ اجرای دوره‌های آموزشی ۱۲۴
- سیزده _ هدفمند کردن پرداخت تسهیلات اشتغال ۱۲۵
۸. مدیریت واردات برای حمایت از تولیدات داخلی ۱۲۵
۹. تأکید بر تولید داخلی، وظیفه ملی ۱۲۶
- اشاره ۱۲۶

- سیاست‌های پولی متناسب و هماهنگ با بخش تولید ۱۳۰
۱۰. در پیش گرفتن سیاست های مناسب بازار کار در جهت تولید پایدار ۱۳۱
۱۱. حمایت از پرداخت مطالبات بانک ها و تسهیلات اعطایی ۱۳۱
- اشاره ۱۳۱
- به کارگیری ابزارهای تنظیم بازار ۱۳۴
- اشاره ۱۳۴
۱. سیاست‌های کنترل عرضه ۱۳۶
۲. سیاست قیمتی ۱۳۶
۳. پرداخت یارانه ۱۳۷
۴. سیاست صندوق تثبیت قیمت ۱۳۷
۵. یارانه مصرف کننده ۱۳۸
۶. یارانه تولید ۱۳۸
۷. بیمه محصولات ۱۳۹
۸. سیاست ضد کارتل ۱۳۹
۹. انتقال تولید از نواحی مازاد به نواحی دارای کمبود ۱۳۹
- اشاره ۱۳۹
- یک _ یارانه صادرات ۱۳۹
- دو _ تعرفه ۱۴۱
- سه _ محدودیت‌های غیر تعرفه‌ای ۱۴۱
- چهار _ سیاست ضد دامپینگ ۱۴۱
۱۲. سهم سرمایه انسانی در تولید ملی ۱۴۲
۱۳. حمایت خاص از تولید با حمایت تعرفه ای ۱۴۸
۱۴. وظایف دولت و تشکل های صنفی ۱۴۹
۱۵. افزایش قدرت رقابتی تولید داخلی ۱۵۲
۱۶. حمایت های خاص و تعرفه ای ۱۵۴
۱۷. بسته بندی تولیدات و بازاریابی مناسب ۱۵۵

- ۱۵۶----- ۱۸. انضباط مالی دولت و کاهش وابستگی به دلار نفتی
- ۱۵۷----- ۱. نهادسازی قانونی و مدنی
- ۱۶۱----- فصل ششم: آسیب های تولید ملی
- ۱۶۱----- اشاره
- ۱۶۲----- ۱. رقابت پذیری تولید ملی
- ۱۶۳----- ۲. ارزش پول ملی در اقتصاد متکی به ثروت ملی
- ۱۶۵----- ۳. شرایط اقتصاد ملی و مشکلات تولید داخلی
- ۱۶۶----- نتیجه گیری
- ۱۷۱----- درباره مرکز

اهداف، بایسته ها و ضرورت ها («حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی»)

مشخصات کتاب

تهیه کننده و ناشر: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۱

اشاره

رهبر معظم انقلاب در پیام نوروزی خویش سال ۱۳۹۱ را با نام «حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی» نام گذاری نموده اند. از آنجا که این نام گذاری با عنایت به اولویت های اساسی اقتصادی جامعه و ملاحظات خاص به ویژه تهدیدها، فرصت ها، نیازها، ضرورت ها و توان مندی های داخلی است قابل تأمل می باشد. لذا تحقق این امر مهم در سطح سازمان نیازمند رعایت ظرافت های مدیریتی و حساسیت های خاص در حوزه پرداخت موضوع است. تبیین این حساسیت ها و ضرورت ها و استراتژی آن، نوعی مهندسی و حرکت هماهنگ را می طلبد.

در مورد نام خاص سال ۱۳۹۱ یعنی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی هم دلایل و ضرورت های فهم پذیر متعددی می توان برشمرد که به مرور در این اثر به آنها خواهیم پرداخت. به طور کلی، در علم اقتصاد، تولید ملی یا محصول ملی، به ارزش پولی همه کالاها و خدماتی گفته می شود که در دوره معینی، معمولاً یک سال، در کشوری تولید شود. به این اعتبار، تولید ملی، یک جریان در واحد زمان است و معمولاً بر حسب دلار یا پوند در سال و مانند اینها بیان می شود. درآمد ملی نیز به ارزش پولی همه درآمدهایی گفته می شود که یک کشور در دوره معینی، در جریان تولید به دست آورده است. هزینه ملی، ارزش پولی همه هزینه هایی است که یک کشور در دوره معینی می پردازد.

انواع تولید ملی را با توجه به اینکه آیا هزینه های تولید از آن کم شده یا نه، به دو زیرشاخه می توان تقسیم کرد: تولید خالص ملی و تولید ناخالص ملی.

با توجه به اهمیت موضوع و چگونگی بیان آن در این مقاله سعی شده است مباحث در سه بخش کلی اهداف، بایسته ها و ضرورت های تحقق بخشیدن به شعار «حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی» بیان شود. همچنین در تمامی بخش ها سعی شده مطالب ارائه شده با رویکرد به اقتصاد ایران باشد. امید است بتواند گامی در جهت تفهیم این مفهوم مقدس در جامعه اسلامی بردارد.

دیباچه

دیباچه

چند سالی است مقام معظم رهبری در پیام تبریک نوروزی خود، ضمن برشمردن نکات مهم سال گذشته، متناسب با شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، سال جدید را نام‌گذاری می‌کند. این نام‌گذاری، تنها یک انتخاب نمادین نیست و از این رو، نباید فقط به یک حرکت نمادین در جامعه منجر شود، بلکه این نام‌گذاری، تعیین راهبردی اساسی برای جامعه و همچنین عامل جلب توجه جامعه به این موضوع است. مسلم است که مقام معظم رهبری، توجه به ارزش‌های اسلامی و انسانی را بیش از تمرکز به عملکردها و وظایف در نظر دارد. این ارزش‌ها باید بر چگونگی‌گزینه‌های فعالیت‌ها و اهداف اثر داشته و بر آن مقدم باشد. امسال نیز که با درایت مقام معظم رهبری، سال «حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی» نام نهاده شده، بر همه ما رهروان این پیشوای فرزانه مفروض است که تمامی همت خویش را صرف تحقق این امر ولایی کنیم.

مهم‌ترین دلیل نام‌گذاری و تعیین شعار در هر سال خورشیدی، ضرورت‌های شکل‌گرفته یا در حال شکل‌گیری در کشور است. بدین

ترتیب، باید با سوق دادن افکار عمومی و هدایت دل‌ها و ذهن‌ها به سوی نقطه مورد نیاز، مسائل و مشکلات اساسی را حل کرد. هدایت و جلب توجه جامعه به مسائل اساسی، فعال ساختن ذهن‌ها برای ارائه دیدگاه‌ها و آراء، هم‌دل و هم‌فکر کردن مردم و مسئولان، وحدت و انسجام بخشیدن به مسیر حرکت عمومی کشور، پیش‌گیری از خطرهای و خنثی کردن توطئه‌ها، برجسته‌سازی ارزش‌ها و موضوع‌های اصلی مورد نیاز کشور، تعیین اولویت‌ها و دغدغه‌های نظام اسلامی، زمینه‌سازی برای تولید فکر و علم و شناخت سیاست‌ها و راهکارهای حل یک معضل و حکمت‌های عمومی متعددی مانند آنچه گفته شد، همگی دلالت‌های روشنی برای تعیین یک نام و شعار برای هر سال است.

این مجموعه که به همت مرکز پژوهش‌های اسلامی تهیه گردیده است دیدگاه کارشناسان و خبرگان حوزه اقتصاد کشور است که در زمینه «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» در بخش‌های مختلف بیان شده است.

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش‌های صدا و سیما

رهبر معظم انقلاب در پیام نوروزی خویش سال ۱۳۹۱ را با نام «حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی» نام گذاری نموده اند. از آنجا که این نام گذاری با عنایت به اولویت های اساسی اقتصادی جامعه و ملاحظات خاص به ویژه تهدیدها، فرصت ها، نیازها، ضرورت ها و توان مندی های داخلی است قابل تأمل می باشد. لذا تحقق این امر مهم در سطح سازمان نیازمند رعایت ظرافت های مدیریتی و حساسیت های خاص در حوزه پرداخت موضوع است. تبیین این حساسیت ها و ضرورت ها و استراتژی آن، نوعی مهندسی و حرکت هماهنگ را می طلبد.

در مورد نام خاص سال ۱۳۹۱ یعنی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی هم دلایل و ضرورت های فهم پذیر متعددی می توان برشمرد که به مرور در این اثر به آنها خواهیم پرداخت. به طور کلی، در علم اقتصاد، تولید ملی (۱) یا محصول ملی، به ارزش پولی همه کالاها و خدماتی گفته می شود که در دوره معینی، معمولاً یک سال، در کشوری تولید شود. به این اعتبار، تولید

ملی، یک جریان در واحد زمان است و معمولاً بر حسب دلار یا پوند در سال و مانند اینها بیان می شود. درآمد ملی نیز به ارزش پولی همه درآمدهایی گفته می شود که یک کشور در دوره معینی، در جریان تولید به دست آورده است. هزینه ملی، ارزش پولی همه هزینه هایی است که یک کشور در دوره معینی می پردازد.

انواع تولید ملی را با توجه به اینکه آیا هزینه های تولید از آن کم شده یا نه، به دو زیرشاخه می توان تقسیم کرد: تولید خالص ملی و تولید ناخالص ملی.

با توجه به اهمیت موضوع و چگونگی بیان آن در این مقاله سعی شده است مباحث در سه بخش کلی اهداف، بایسته ها و ضرورت های تحقق بخشیدن به شعار «حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی» بیان شود. همچنین در تمامی بخش ها سعی شده مطالب ارائه شده با رویکرد به اقتصاد ایران باشد. امید است بتواند گامی در جهت تفهیم این مفهوم مقدس در جامعه اسلامی بردارد.

فصل اول: حمایت از کار و سرمایه ایرانی در نگاه مقام معظم رهبری

اشاره

فصل اول: حمایت از کار و سرمایه ایرانی در نگاه مقام معظم رهبری

زیر فصل ها

متن پیام مقام معظم رهبری در آستانه تحویل سال ۱۳۹۱

مخوریابی سخنان مقام معظم رهبری

مخورهای برنامه ای در سال ۱۳۹۱

متن پیام مقام معظم رهبری در آستانه تحویل سال ۱۳۹۱

متن پیام مقام معظم رهبری در آستانه تحویل سال ۱۳۹۱

حضرت آیت الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام خود به مناسبت حلول سال ۱۳۹۱، مجاهدت اقتصادی و حضور جهادگونه ملت ایران در عرصه های اقتصادی را یک ضرورت دانست و خاطر نشان کرد:

بخش مهمی از جهاد اقتصادی، مسئله تولید ملی است که اگر ملت با صرف همت، عزم و آگاهی و با برنامه ریزی درست مسئولان، مشکلات تولید داخلی را حل کند، بدون تردید بر نگرانی هایی که دشمن ایجاد می کند، غلبه خواهد کرد.

ایشان با دعوت از همه دست‌اندرکاران اقتصادی و آحاد ملت، برای حرکت به سوی رونق تولید داخلی در سال جدید، تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی را به عنوان شعار سال ۱۳۹۱ معرفی کرد که متن پیام به شرح زیر است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يا مقلب القلوب و الأبصار / يا مدبر الليل و النهار / يا محوّل الحول و الأحوال / حوّل حالنا الى احسن الحال.

اللّهُمَّ كن لوليك الحجة بن الحسن صلواتك عليه و على ءابائه في هذه السّاعة و في كلّ ساعة وليّاً و حافظاً و قائداً و ناصراً و دليلاً و عينا حتّى تسكنه ارضك طوعاً و تمتّعه فيها طويلاً.

اللّهُمَّ اعطه في نفسه و ذريّته و شيّعه و رعيتّه و خاصّته و عامّته و عدوّه و جميع اهل الدّنيا ما تقرّ به عينه و تسرّ به نفسه.

تبریک عرض می کنم عید نوروز و فرا رسیدن سال نو را به همه هم میهنان عزیز در سراسر کشور، و به همه ایرانیانی که در هر نقطه ای از دنیا سکونت دارند، و به همه ملت‌هایی که عید نوروز را گرامی می‌دارند؛ به خصوص تبریک عرض می‌کنم به خانواده‌های عزیز شهیدان، به جانبازان، به خانواده هاشان، به همه ایثارگران، به همه فعالان عرصه‌های مختلف. آرزو می‌کنم و دعا می‌کنم که خداوند متعال برای ملت ایران بهروزی، شادی، نشاط و دل‌خوش در این سال جدید مقدر بفرماید و بدخواهان این ملت را در اهدافشان، در تلاش هاشان ان شاءالله ناکام کند.

سالی که گذشت _ سال ۹۰ _ یکی از سال‌های پرحادثه در سطح جهان و در منطقه و در کشور ما بود. آنچه که در مجموع انسان مشاهده می‌کند، این است که این حوادث بر روی هم، به سود ملت ایران و در راه کمک به هدف‌های آن، تمام شده است. آن کسانی که اهداف بدخواهانه‌ای درباره ملت ایران و ایران و ایرانی در سر می‌پروراندند، در کشورهای غربی دچار مشکلات گوناگون هستند. در سطح منطقه، ملت‌هایی که جمهوری اسلامی

از آنها همواره حمایت کرده است، به هدف‌های بزرگی دست پیدا کرده اند؛ دیکتاتورهایی به زیر کشیده شدند؛ قانون‌های اساسی مبتنی بر اسلام در کشورهایی تصویب شد [و] دشمن درجه یک امت اسلامی و ملت ایران _ یعنی رژیم صهیونیستی _ در محاصره قرار گرفت. در داخل کشور، به معنای حقیقی کلمه، سال ۹۰، سال بروز اقتدار ملت ایران بود. در جنبه سیاسی، ملت ایران در این سال، چه در راه پیمایی ۲۲ بهمن و چه در انتخابات دوازدهم اسفند، آنچنان حضوری از خود نشان داد و آنچنان شاخصی را برای اقتدار ملی در تاریخ منطقه ثبت کرد که نظیر آن را در گذشته کمتر داشتیم.

با وجود این همه دشمنی، این همه تبلیغات، این همه تهاجم‌های خصمانه و بدخواهانه، ملت ایران در طول این سال، با همه وجود توانست حضور خود را در صحنه، نشاط خود را، آمادگی خود را در عرصه‌های گوناگون علمی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی نشان بدهد و اثبات کند. بحمدالله سالی بود که با همه سختی‌ها، دارای دستاوردهای بزرگی بود. همچنان که قبلاً عرض شده است، شرایط، شرایط بدر و خیر بود؛ یعنی شرایط قبول چالش‌ها و دشواری‌ها و غلبه بر آنها.

همان طوری که اول سال گذشته اعلام شد، سال ۹۰، سال جهاد اقتصادی بود. اگرچه هوشمندان و آگاهان می دانستند که این نام و این جهت گیری و شعار برای سال ۹۰ یک امر لازم است، اما بعد تلاش‌های دشمنان در این سال هم همین را اثبات کرد و نشان داد. دشمنان ما از اوایل سال، حرکت خصمانه خودشان را در عرصه اقتصادی نسبت به ملت ایران آغاز کردند؛ اما ملت ایران، مسئولین، آحاد مردم، دستگاه‌های مختلف، با تدبیرهای

هوشمندانه ای توانستند با این تحریم‌ها مقابله کنند و مواجهه آنها تا حدود زیادی توانست اثر این تحریم‌ها را خنثی کند و حربه دشمن را کُند کند. سال ۹۰، سال فعالیت‌های بزرگ علمی بود؛ که من ان شاءالله در فرصت سخنرانی [دیگری]، برخی از پیشرفت‌های علمی و اقتصادی و تلاش‌های گوناگون را برای ملت عزیزمان شرح خواهم داد. سال ۹۰ سالی بود پرچالش، و سالی بود پرنشاط، و سالی بود که ملت ایران به فضل الهی توانست بر چالش‌های موجود غلبه کند.

ما امسال، سال دیگری را در پیش داریم که به امید خدا و با توکل بر پروردگار، باز ملت ایران با فعالیت خود، با تلاش خود، با هوشمندی خود در این سال خواهد توانست پیشرفت‌های زیادی را برای خود به ارمغان بیاورد. به تشخیص من، بر طبق گزارش‌ها و مشاوره با افراد مطلع و آگاه، به این نتیجه می‌رسیم که عرصه چالش مهم در همین سال جاری _ که این سال، امروز و از این ساعت شروع می‌شود _ عرصه اقتصادی است. جهاد اقتصادی چیزی نیست که تمام شدنی باشد. مجاهدت اقتصادی، حضور جهاد گونه در عرصه های اقتصادی، برای ملت ایران یک ضرورت است.

من امسال تقسیم می‌کنم مسائل مربوط به جهاد اقتصادی را: یک بخش مهم از مسائل اقتصادی برمی‌گردد به مسئله تولید داخلی. اگر به توفیق الهی و با اراده و عزم راسخ ملت و با تلاش مسئولان، ما بتوانیم مسئله تولید داخلی را، آنچنان که شایسته آن است، رونق ببخشیم و پیش ببریم، بدون تردید، بخش عمده ای از تلاش‌های دشمن ناکام خواهد ماند. پس بخش مهمی از جهاد اقتصادی، مسئله تولید ملی است. اگر ملت ایران با همت خود، با عزم خود، با آگاهی و هوشمندی خود، با همراهی و کمک مسئولان،

با برنامه ریزی درست بتواند مشکل تولید داخلی را حل کند و در این میدان پیش برود، بدون تردید بر چالش‌هایی که دشمن آن را فراهم کرده است، غلبه کامل و جدی پیدا خواهد کرد. بنابراین، مسئله تولید ملی، مسئله مهمی است.

اگر ما توانستیم تولید داخلی را رونق ببخشیم، مسئله تورم حل خواهد شد؛ مسئله اشتغال حل خواهد شد؛ اقتصاد داخلی به معنای حقیقی کلمه استحکام پیدا خواهد کرد. اینجاست که دشمن با مشاهده این وضعیت، مأیوس و ناامید خواهد شد. وقتی دشمن مأیوس شد، تلاش دشمن، توطئه دشمن، کید دشمن هم تمام خواهد شد.

بنابراین، همه مسئولین کشور، همه دست اندرکاران عرصه اقتصادی و همه مردم عزیزمان را دعوت می‌کنم به اینکه امسال را سال رونق تولید داخلی قرار بدهند. بنابراین، شعار امسال «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» است. ما باید بتوانیم از کارِ کارگر ایرانی حمایت کنیم؛ از سرمایه سرمایه دار ایرانی حمایت کنیم؛ و این فقط با تقویت تولید ملی امکان پذیر خواهد شد. سهم دولت در این کار، پشتیبانی از تولیدات داخلی صنعتی و کشاورزی است. سهم سرمایه داران و کارگران، تقویت چرخه تولید و اتقان در کار تولید است. و سهم مردم _ که به نظر من از همه اینها مهم تر است _ مصرف تولیدات داخلی است.

ما باید عادت کنیم، برای خودمان فرهنگ کنیم، برای خودمان یک فریضه بدانیم که هر کالایی که مشابه داخلی آن وجود دارد و تولید داخلی متوجه به آن است، آن کالا را از تولید داخلی مصرف کنیم و از مصرف تولیدات خارجی به جلد پرهیز کنیم؛ در همه زمینه‌ها: زمینه‌های مصارف روزمره و

زمینه های عمده تر و مهم تر. بنابراین ما امیدوار هستیم که با این گرایش، با این جهت گیری و رویکرد، ملت ایران در سال ۹۱ هم بتواند بر توطئه دشمنان، بر کید و مکر بدخواهان در زمینه اقتصادی فایق بیاید.

از خداوند متعال درخواست می کنیم که ملت ایران را در این صحنه و در همه صحنه ها موفق و مؤید بدارد. روح امام بزرگوار را شاد و از ما راضی کند و ارواح طیبه شهیدان عزیز ما را با اولیایشان محشور فرماید.

والسّلام علیکم ورحمه الله و برکاته

محوریابی سخنان مقام معظم رهبری

اشاره

محوریابی سخنان مقام معظم رهبری

زیر فصل ها

۱. تبریک عید نوروز به مردم ایران و جهان

۲. مروری بر رویدادها و موضوع های سال ۱۳۹۰

۳. سال ۱۳۹۰، سال اقتدار ملت ایران

۴. آمادگی ایران در همه عرصه ها با وجود تبلیغات بدخواهان

۵. دست یابی به شرایط مطلوب اقتصادی

۶. تدابیر هوشمندانه مردم و مسئولان در مقابله با تحریم ها

۷. سال ۱۳۹۰؛ سال فعالیت های بزرگ علمی

۸. سال ۱۳۹۰؛ سالی پرنشاط و پرچالش

۹. سال ۱۳۹۱؛ عرصه چالش در میدان اقتصادی

۱. تبریک عید نوروز به مردم ایران و جهان

۱. تبریک عید نوروز به مردم ایران و جهان

«تبریک عرض می‌کنم عید نوروز و فرا رسیدن سال نو را به همه هم میهنان عزیز در سراسر کشور، و به همه ایرانیانی که در هر نقطه ای از دنیا سکونت دارند، و به همه ملت‌هایی که عید نوروز را گرامی می‌دارند؛ بالخصوص تبریک عرض می‌کنم به خانواده های عزیز شهیدان، به جانبازان، به خانواده هاشان، به همه ایثارگران، به همه فعالان عرصه های مختلف. آرزو می‌کنم و دعا می‌کنم که خداوند متعال برای ملت ایران بهروزی، شادی، نشاط و دلِ خوش در این سال جدید مقدر بفرماید و بدخواهان این ملت را در اهدافشان، در تلاش‌هایشان ان شاءالله ناکام کند.»

۲. مروری بر رویدادها و موضوع های سال ۱۳۹۰

۲. مروری بر رویدادها و موضوع های سال ۱۳۹۰

«سالی که گذشت _ سال ۹۰ _ یکی از سال‌های پرحادثه در سطح جهان و در منطقه و در کشور ما بود. آنچه که در مجموع انسان مشاهده می‌کند، این

است که این حوادث بر روی هم، به سود ملت ایران و در راه کمک به هدف‌های آن تمام شده است. آن کسانی که اهداف بدخواهانه ای درباره ملت ایران و ایران و ایرانی در سر می‌پرورانند، در کشورهای غربی دچار مشکلات گوناگون هستند. در سطح منطقه، ملت‌هایی که جمهوری اسلامی از آنها همواره حمایت کرده است، به هدف‌های بزرگی دست پیدا کرده اند؛ دیکتاتورهایی به زیر کشیده شدند؛ قانون‌های اساسی مبتنی بر اسلام در کشورهایی تصویب شد [و] دشمن درجه یک امت اسلامی و ملت ایران _ یعنی رژیم صهیونیستی _ در محاصره قرار گرفت».

۳. سال ۱۳۹۰، سال اقتدار ملت ایران

۳. سال ۱۳۹۰، سال اقتدار ملت ایران

«در داخل کشور، به معنای حقیقی کلمه، سال ۹۰، سال بروز اقتدار ملت ایران بود. در جنبه سیاسی، ملت ایران در این سال، چه در راه پیمایی ۲۲ بهمن، چه در انتخابات دوازدهم اسفند، آنچنان حضوری از خود نشان داد و آنچنان شاخصی را برای اقتدار ملی در تاریخ منطقه ثبت کرد که نظیر آن را در گذشته کمتر داشتیم».

۴. آمادگی ایران در همه عرصه ها با وجود تبلیغات بدخواهان

۴. آمادگی ایران در همه عرصه ها با وجود تبلیغات بدخواهان

«با وجود این همه دشمنی، این همه تبلیغات، این همه تهاجم‌های خصمانه و بدخواهانه، ملت ایران در طول این سال، با همه وجود توانست حضور خود را در صحنه، نشاط خود را، آمادگی خود را در عرصه های گوناگون علمی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی نشان بدهد و اثبات کند».

۵. دست یابی به شرایط مطلوب اقتصادی

۵. دست یابی به شرایط مطلوب اقتصادی

«بحمدالله سالی بود که با همه سختی ها، دارای دستاوردهای بزرگی بود. همچنان که قبلاً عرض شده است، شرایط، شرایط بدر و خیر بود؛ یعنی شرایط قبول چالش ها و دشواری ها و غلبه بر آنها.

همان طوری که اول سال گذشته اعلام شد، سال ۹۰، سال جهاد اقتصادی بود. اگرچه هوشمندان و آگاهان می دانستند که این نام و این جهت گیری و شعار برای سال ۹۰ یک امر لازم است، اما بعد تلاش های دشمنان در این سال هم همین را اثبات کرد و نشان داد. دشمنان ما از اوایل سال، حرکت خصمانه خودشان را در عرصه اقتصادی نسبت به ملت ایران آغاز کردند».

۶. تدابیر هوشمندانه مردم و مسئولان در مقابله با تحریم ها

۶. تدابیر هوشمندانه مردم و مسئولان در مقابله با تحریم ها

«اما ملت ایران، مسئولین، آحاد مردم، دستگاه های مختلف، با تدبیرهای هوشمندانه ای توانستند با این تحریم ها مقابله کنند و مواجهه آنها تا حدود زیادی توانست اثر این تحریم ها را خنثی کند و حربه دشمن را کُند کند».

۷. سال ۱۳۹۰؛ سال فعالیت های بزرگ علمی

۷. سال ۱۳۹۰؛ سال فعالیت های بزرگ علمی

«سال ۹۰، سال فعالیت های بزرگ علمی بود که من ان شاءالله در فرصت سخنرانی، برخی از پیشرفت های علمی و اقتصادی و تلاش های گوناگون را برای ملت عزیزمان شرح خواهم داد».

۸. سال ۱۳۹۰؛ سالی پرنشاط و پرچالش

۸. سال ۱۳۹۰؛ سالی پرنشاط و پرچالش

«سال ۹۰، سالی بود پرچالش، و سالی بود پرنشاط، و سالی بود که ملت ایران به فضل الهی توانست بر چالش های موجود غلبه کند».

۹. سال ۱۳۹۱؛ عرصه چالش در میدان اقتصادی

۹. سال ۱۳۹۱؛ عرصه چالش در میدان اقتصادی

«ما امسال، سال دیگری را در پیش داریم که به امید خدا و با توکل بر پروردگار، باز ملت ایران با فعالیت خود، با تلاش خود، با هوشمندی خود در این سال خواهد توانست پیشرفت‌های زیادی را برای خود به ارمغان بیاورد. به تشخیص من، بر طبق گزارش‌ها و مشاوره با افراد مطلع و آگاه، به این نتیجه می‌رسیم که عرصه چالش مهم در همین سال جاری _ که این سال، امروز و از این ساعت شروع می‌شود _ عرصه اقتصادی است».

محورهای برنامه ای در سال ۱۳۹۱

اشاره

محورهای برنامه ای در سال ۱۳۹۱

زیر فصل‌ها

۱. تأکید بر ضرورت حضور جهادگونه در عرصه اقتصادی
۲. توجه به تقسیم‌بندی مسائل مربوط به جهاد اقتصادی
۳. تأکید بر همت و عزم ملی در میدان تولید ملی
۴. تأکید بر اهمیت و جایگاه مسئله تولید ملی و رونق آن
۵. توجه و تأکید بر ضرورت حمایت از کار و سرمایه ایرانی
۶. توجه به کالای ملی و تولید داخلی به عنوان یک فریضه

۱. تأکید بر ضرورت حضور جهادگونه در عرصه اقتصادی

۱. تأکید بر ضرورت حضور جهادگونه در عرصه اقتصادی

«جهاد اقتصادی چیزی نیست که تمام شدنی باشد. مجاهدت اقتصادی، حضور جهادگونه در عرصه های اقتصادی، برای ملت ایران یک ضرورت است».

۲. توجه به تقسیم‌بندی مسائل مربوط به جهاد اقتصادی

۲. توجه به تقسیم‌بندی مسائل مربوط به جهاد اقتصادی

«من امسال تقسیم می‌کنم مسائل مربوط به جهاد اقتصادی را: یک بخش مهم از مسائل اقتصادی، برمی‌گردد به مسئله تولید داخلی. اگر به توفیق الهی و با اراده و عزم راسخ ملت و با تلاش مسئولان، ما بتوانیم مسئله تولید داخلی را، آنچنان که شایسته آن است، رونق ببخشیم و پیش ببریم، بدون تردید بخش عمده‌ای از تلاش‌های دشمن ناکام خواهد ماند. پس بخش مهمی از جهاد اقتصادی، مسئله تولید ملی است.»

۳. تأکید بر همت و عزم ملی در میدان تولید ملی

۳. تأکید بر همت و عزم ملی در میدان تولید ملی

«اگر ملت ایران با همت خود، با عزم خود، با آگاهی و هوشمندی خود، با همراهی و کمک مسئولان، با برنامه ریزی درست بتواند مشکل تولید داخلی را حل کند و در این میدان پیش برود، بدون تردید، بر چالش‌هایی که دشمن، آن را فراهم کرده است، غلبه کامل و جدی پیدا خواهد کرد».

۴. تأکید بر اهمیت و جایگاه مسئله تولید ملی و رونق آن

۴. تأکید بر اهمیت و جایگاه مسئله تولید ملی و رونق آن

«بنابراین، مسئله تولید ملی، مسئله مهمی است. اگر ما توانستیم تولید داخلی را رونق ببخشیم، مسئله تورم حل خواهد شد؛ مسئله اشتغال حل خواهد شد؛ اقتصاد داخلی به معنای حقیقی کلمه استحکام پیدا خواهد کرد. اینجاست که دشمن با مشاهده این وضعیت، مأیوس و ناامید خواهد شد. وقتی دشمن مأیوس شد، تلاش دشمن، توطئه دشمن، کید دشمن هم تمام خواهد شد».

۵. توجه و تأکید بر ضرورت حمایت از کار و سرمایه ایرانی

۵. توجه و تأکید بر ضرورت حمایت از کار و سرمایه ایرانی

«بنابراین، همه مسئولین کشور، همه دست اندرکاران عرصه اقتصادی و همه مردم عزیزمان را دعوت می‌کنم به اینکه امسال را سال رونق تولید داخلی قرار بدهند. بنابراین، شعار امسال، «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» است. ما باید بتوانیم از کارِ کارگر ایرانی حمایت کنیم از سرمایه سرمایه دار ایرانی حمایت کنیم؛ و این فقط با تقویت تولید ملی امکان پذیر خواهد شد. سهم دولت در این کار، پشتیبانی از تولیدات داخلی صنعتی و کشاورزی است. سهم سرمایه داران و کارگران، تقویت چرخه تولید و اتقان در کار تولید است و سهم مردم _ که به نظر من، از همه اینها مهم تر است _ مصرف تولیدات داخلی است».

۶. توجه به کالای ملی و تولید داخلی به عنوان یک فریضه

۶. توجه به کالای ملی و تولید داخلی به عنوان یک فریضه

«ما باید عادت کنیم، برای خودمان فرهنگ کنیم، برای خودمان یک فریضه بدانیم که هر کالایی که مشابه داخلی آن وجود دارد و تولید داخلی متوجه به آن است، آن کالا را از تولید داخلی مصرف کنیم و از مصرف تولیدات خارجی به جلد پرهیز کنیم؛ در همه زمینه ها: زمینه های مصارف روزمره و زمینه های عمده تر و مهم تر. بنابراین، ما امیدوار هستیم که با این گرایش، با این جهت گیری و رویکرد، ملت ایران در سال ۹۱ هم بتواند بر توطئه دشمنان، بر کید و مکر بدخواهان در زمینه اقتصادی فایق بیاید.»

فصل دوم: دلایل نام‌گذاری سال ۱۳۹۱ به نام حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی

اشاره

فصل دوم: دلایل نام‌گذاری سال ۱۳۹۱ به نام حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی

مهم‌ترین علت نام‌گذاری و تعیین شعار در هر سال خورشیدی، ضرورت‌های شکل گرفته یا در حال شکل‌گیری در کشور است. سال ۱۳۹۰ که به آخرین ساعت‌های خود رسید. همچون هر سال در آغازین لحظات سال جدید، چشمه سار هدایت کشورمان با بیان گرم، دل‌سوزانه، آینده‌بینانه و مبتنی بر شناخت عمیق و دقیق از واقعیت‌ها و نیازهای اساسی مردم کشور، با توجه به مسئولیت‌سنگین هدایت و راهبری دولت و ملت، شعار برگرفته از شعور ایمانی و ایرانی، سال ۱۳۹۱ را تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی قرار داد.

در شرایطی وارد سال ۱۳۹۱ شدیم که جمهوری اسلامی ایران در سی و چهارمین سال از عمر باشکوه خود، دهه نود را در عرصه‌های مختلف سیاسی، علمی، دفاعی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با قدرت آغاز کرد. سالی که گذشت، اگرچه دستاوردهای زیادی را در عرصه‌های گوناگون برای ایران اسلامی به ارمغان آورد، در برخی بخش‌ها مانند بخش اقتصادی که

شعار ویژه سال شد، با کاستی‌هایی روبه‌رو بود که نام گذاری سال جدید از سوی رهبر فرزانه انقلاب به خوبی روشن گر این امر و آینده ای است که ایشان برای کشور ترسیم کرد.

۱. شرایط اقتصادی کشور، علت نام‌گذاری های سالانه

۱. شرایط اقتصادی کشور، علت نام‌گذاری های سالانه

مروری بر نام‌گذاری های بیست سال اخیر (از سال ۱۳۷۲ آغاز شده و تاکنون ادامه یافته است) که در ادامه می آید، مؤید ظرافت‌ها، مهارت‌ها و نکته بینی های دقیق مدیریتی است که به آن اشاره می‌شود:

۱. عدالت اجتماعی (۱۳۷۲)؛

۲. وجدان کاری و انضباط اجتماعی؛

۳. انضباط اقتصادی و مالی؛

۴. کار سازنده؛

۵. صرفه جویی؛

۶. پرهیز از اسراف؛

۷. امام خمینی قدس سره ؛

۸. امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(ع)؛

۹. امیرالمؤمنین(ع)؛

۱۰. سال عزت و افتخار حسینی؛

۱۱. نهضت خدمت‌گزاری؛

۱۲. پاسخ‌گویی سه قوه به ملت ایران؛

۱۳. هم‌بستگی ملی و مشارکت عمومی؛

۱۴. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ؛

۱۵. اتحاد ملی و انسجام اسلامی؛

۱۶. سال نوآوری و شکوفایی؛

۱۷. اصلاح الگوی مصرف؛

۱۸. همت مضاعف و کار مضاعف؛

۱۹. جهاد اقتصادی؛

۲۰. تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی (۱۳۹۱).

در تجزیه و تحلیل فلسفه نام‌گذاری سالانه، با بررسی شرایط ملی و بین‌المللی و درک درست ضرورت‌ها و باید و نبایدهای تعیین‌کننده می‌توان این نکات را نتیجه گرفت:

الف) بسترآفرینی و فرهنگ‌سازی جدید ملی بر محور نیازهای بارز به رفتارهای بایسته و شایسته؛

ب) برنامه‌ریزی و جهت‌دهی افکار عمومی به وظایف فردی و تکالیف عمومی به عنوان یک شهروند؛

ج) آینده‌نگری، پیش‌بینی و سیاست‌خوانی از حریف و برنامه‌ریزی برای خنثی‌سازی تاکتیک‌های دشمن؛

د) سازمان‌دهی و به‌کارگیری توان، تکنیک‌ها و مهارت‌های ملی برای اجرای تاکتیک‌های تهاجمی و تحقق اهداف؛

ه) ایجاد هماهنگی و یک‌پارچه‌سازی فعالیت‌های پراکنده و پیش‌گیری از ادامه یافتن مدیریت جزیره‌ای و جدا از هم؛

و) پیش‌گیری از دوباره‌کاری‌ها، تداخل‌کاری‌ها، موازی‌کاری‌ها، ندانم‌کاری‌ها، نیمه‌کاری‌ها و تناقض‌کاری‌ها؛

ز) گسترش امکان کنترل و نظارت بر فعالیت‌ها و خدمات و افزایش دقت

در ارزش یابی‌های تخصصی تلاش‌ها؛

(ح) پیش‌گیری از هدر رفت انرژی‌ها، سرمایه‌ها، اوقات، مهارت‌ها، خلاقیت‌های منابع انسانی و فرصت‌های موجود؛

(ط) دریافت منظم بازخوردها و ایجاد شرایطی برای انجام دادن اقدامات اصلاحی و جبران کاستی‌ها.

بدین ترتیب، نگاه بلند و عمیق رهبری معظم انقلاب، موجب توسعه چشم‌انداز ملی مردم و مدیران جامعه شده است. اکنون با گذشت بیست سال از آغاز این سنت نیک، به تجربه درمی‌یابیم که در این نام‌گذاری‌ها، همواره شاهد طراحی پیشاپیش عملیاتی همه‌جانبه علیه ترفندها، شگردها، توطئه‌ها و دسیسه‌هایی هستیم که به طور یقین تا پایان همان سال، به عنوان استراتژی برخوردی نظام سلطه آشکار می‌شود و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را به نبردی بزرگ فرا می‌خواند و این نام‌گذاری در اصل، همان پیش‌آمادگی یک ملت برای دور بودن از غافل‌گیری سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در برابر آنهاست.

همچنین معلوم می‌شود رهبری معظم انقلاب بر اساس محتوای سند چشم‌انداز بیست ساله، در تکاپوی طراحی عملیاتی و اجرایی سالانه راهبردی شفاف و کارآمد برای رساندن کشور ایران به قله‌های پیشرفت مبتنی بر الگوی اسلامی - ایرانی است. این راهبرد نیز برخاسته از آینده‌نگری جهانی معظم له در ادامه قرن ۲۱ و قرن آینده، با توجه به چگونگی شکل‌گیری قدرت‌های جدید و سرانجام، معیارهای ابرقدرتی با گزینه‌های علمی و فن‌آوری است که گام‌های بلندی نیز برای تحقق آن برداشته شده است.

پس از این مقدمه طولانی می‌توان به عمق منظوره‌های رهبری معظم از

نام‌گذاری سال ۱۳۹۱ پی‌برد که ایشان چه اهدافی را در قبال این نام‌گذاری دنبال می‌کند و در پایان سال ما باید به چه دستاوردهای مهم و تازه‌ای برسیم که رضایت بخش و پذیرفتنی جلوه کنند.

بر اساس تحلیل و یادآوری رهبری معظم نباید تردید کرد که نام‌گذاری امسال به «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» ارتباط کامل با نام‌گذاری سال ۱۳۹۰ یعنی «جهاد اقتصادی» دارد و می‌توان این نام‌گذاری را مرحله بالاتری از دوره فعالیتی سال گذشته دانست که باید متوجه این رشد پلکانی باشیم.

ایران اسلامی، تنها به جرم استقلال‌طلبی و عدالت‌خواهی در همه عرصه‌ها، خشم و غضب نظام سلطه را با محوریت امریکای جهان‌خوار و صهیونیسم جنایتکار برانگیخته و به همین دلیل، فراتر از تبلیغات رسانه‌ای سال گذشته، متحمل تحریم ۳۳ ساله مستکبران جهانی شده است. از این رو، خودکفایی و خوداتکایی، تنها راه مقابله ماندگار با برگ برنده استکبار است که با استناد به تجربه سه دهه گذشته، مردم ایران با محوریت اندیشه‌های برتر نخبگان جوان ایرانی، این توفیق را بارها در عرصه‌های مختلف به دست آورده و یک باور بزرگ ملی نیز برگرفته از اندیشه‌های امام‌راحل و رهبری معظم مبنی بر شعار «ما می‌توانیم»، به ثبت رسانده است.

در اصل می‌توان گفت که ایران اسلامی در سایه نهضت نام‌گذاری سالانه، در مسیر تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها و پیش‌گیری از تبدیل آنها به آسیب‌های اساسی در حرکت است و امروز کشور ما با قرار گرفتن در سیاهه هفده کشور برتر جهانی در عرصه‌های علمی و فن‌آوری، بزرگ‌ترین بسترها را برای برداشتن خیزی بسیار بلندتر، فراهم کرده است تا جایی که مقابله‌های

دیپلماسی، آرایش ها، جابه جایی ها، تهدیدهای نظامی، تحریم های اقتصادی، تنگناهای رفاهی و خدماتی، جنگ های فرهنگی و نیز تهاجمات حقوقی بین المللی هم نتوانست مانع از اصرار بر ادامه یافتن این عزم پایدار شود.

«تولید ملی» که محور نام گذاری سال ۱۳۹۱ هجری شمسی است، بر دو رکن کار و سرمایه ایرانی استوار است که نظام و مردم باید از آنها حمایت کنند.

۲. اهمیت تولید داخلی در پیشرفت کشور

۲. اهمیت تولید داخلی در پیشرفت کشور

از همان آغاز شکل گیری انقلاب اسلامی، یکی از مؤلفه های بسیار تعیین کننده در بُعد اقتصادی و نیز از عوامل ایجاد کننده و پیش برنده انقلاب را می توان آسیب های اساسی وارده بر توان تولید داخل و بی توجهی به قابلیت های تولیدی کشور در زمینه های گوناگون علمی و فکری و اقتصادی همچون کشاورزی و صنعتی دانست.

نظام های مستبد و وابسته قاجار و پهلوی از طریق اجرای سیاست های استعماری، ضربه های ویرانگر به توان تولید ملی وارد کردند و عقب افتادگی های فراوانی را برای مردم و کشورمان به میراث گذاشتند. به همراه خیانت ها و ستم های بسیاری که به این ملت روا داشتند، تلاش آنها حاکم کردن روحیه وابستگی، القای این باور که ما نمی توانیم، کارشکنی، مقابله با استعدادها و توان مندی های ملی به ویژه در عرصه تولید و نیازمندتر کردن روزافزون ملت ایران بود.

دلیل مهم استقلال خواهی و استعمارستیزی در انقلاب اسلامی، جبران تحقیری بود که بر اثر ضربه زدن به تولید ملی در ملت ما به وجود آمده بود.

دشمنان خارجی و داخلی مردم نه تنها هویت دینی، بلکه همه احساس توانایی و روحیه خودباوری را هدف گرفته و ضربه‌های نابودکننده‌ای را در این عرصه به ملت ما وارد و هویتی وابسته، مصرفی، ناتوان، غیر خلاق و خادم غرب را به ملت ما تزریق کرده بودند. آثار این زخم‌ها و جراحات‌های فراوان، کم و بیش، مشهود و محسوس است و بخش مهمی از رنج‌های ملت ما ناشی از این زخم‌هاست.

از همین رو، در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ضمن برشمردن اعتراض در هم کوبنده امام خمینی رحمه الله به توطئه امریکایی انقلاب سفید که گامی در جهت تثبیت پایه‌های حکومت استبدادی و تحکیم وابستگی‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران به امپریالیسم جهانی بود، به عنوان طلوع نهضت اسلامی و به دنبال آن ارائه نظریه حکومت اسلامی که در آن اقتصاد، وسیله است نه هدف، چنین آمده است:

در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست، نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی، تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی؛ زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد، خود هدف است و بدین جهت، در مراحل رشد، اقتصاد، عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود، ولی در اسلام، اقتصاد، وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارآیی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت. با این دیدگاه، برنامه اقتصاد اسلامی، فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت، تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است.

اصل سوم قانون اساسی نیز دولت را در به کارگیری همه امکانات خود موظف می داند تا مواردی همچون بند ۱۲ مبنی بر پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیر بیمه و نیز بند ۱۳ مبنی بر تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و... محقق شود. در بندهای ۸ و ۹ اصل ۴۳ هم برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و نداری و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او به عنوان ضوابط حاکم بر اقتصاد ایران گفته شده است:

بند ۸: جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر کشور؛

بند ۹: تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

۳. تأکید بر تولید، ضرورتی روزافزون

۳. تأکید بر تولید، ضرورتی روزافزون

در مسیر حوادث پس از پیروزی انقلاب و در تمام رویارویی های نظام نوپای اسلامی با غرب و شرق، روز به روز ضرورت اتکا به خود و رهایی از وابستگی به دیگران، در همه عرصه ها آشکارتر شد. در دوره دفاع مقدس، این مهم، قداستی در خور و هم وزن با جنگ پیدا کرد و رزمندگان اسلام با روحیه جهادی خود و با داشتن احساس بی نیازی از هرگونه حمایت و کمک بیگانگان، خود، آستین همت بالا زدند و با تکیه بر توان مندی های داخلی و با نوآوری و حرکت جهادگونه، به تأمین نیازهای جنگ پرداختند. پیروزی های

پی در پی در این صحنه و تشویق‌های امام امت در تکیه به امکانات داخلی و تأکید ایشان بر تولیدات داخلی، یکی از رازهای ماندگاری نظام و عامل قدرت و مقاومت مردم در مقابل دشمنان بی رحم و پلید شد. توجه و یاری پروردگار نیز همراه با تجربه‌ها و دستاوردهای این خودباوری و بازگشت به خویشتن به ویژه در ابعاد اقتصادی و سازندگی، راه پیشرفت را برای ملت ما گشود. به گونه‌ای که با گذشت کمتر از سه دهه از عمر بابرکت نظام اسلامی، ضمن آنکه روحیه اتکا به خود و قطع وابستگی‌ها به منظور تأمین نیازهای اساسی در داخل کشور، شکل گرفت، در بسیاری از عرصه‌های علمی و اقتصادی نیز قله‌های مرتفعی فتح شد. سپس دست یابی به مقام اول علمی، فن‌آوری و اقتصادی در منطقه آسیای جنوب غربی، در سند چشم‌انداز ملی به عنوان یک هدف در دسترس، تعیین شد و هم‌اکنون شتاب همه‌جانبه‌ای در این راستا در کشور جریان دارد.

دشمنان با تشدید تحریم‌ها و ایجاد محرومیت‌ها و ممنوعیت‌ها همراه با تهدیدها و ارعاب‌ها نه تنها صحت این رویکرد را در کشورمان نشان دادند، بلکه ضرورت روزافزون آن را برای همگان روشن ساختند. چنان‌که ایرانیان و البته همه مسلمانان منطقه، اقتدار اقتصادی ایران را در کنار اقتدار سیاسی، فرهنگی و نظامی آن در روند به ثمر نشستن حرکت‌های بیداری اسلامی منطقه، یک پیش‌نیاز و ضرورت آن را در این مقطع حساس، مضاعف می‌دانند. دلیل این امر نیز آن است که جمهوری اسلامی ایران را پناهگاه، الهام‌بخش و الگوی خود، بلکه تصویر تمام نمای آینده خویش دیده و اتکا نکردن به خود در رفع نیازهای اقتصادی را در کنار وابستگی‌های سیاسی و فرهنگی خویش، عنصر بسیار مؤثری در وابستگی به غرب و امریکا یافته‌اند.

۴. جهش و تغییر موقعیت اقتصادی

۴. جهش و تغییر موقعیت اقتصادی

در حال حاضر فضای جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای است که پس از غلبه بر مشکلات سیاسی، نظامی و فرهنگی خود در سالیان گذشته، به چاره اندیشی در رفع وابستگی‌های اقتصادی خود پرداخته و با جدیت در مقام یک جهش و تغییر موقعیت اقتصادی از حالت انفعال و تدافع به وضعیت تهاجمی و جهادی قرار گرفته است. عنوان های اقتصادی سال‌های گذشته همچون کار سازنده؛ صرفه جویی؛ خدمت‌گذاری؛ نوآوری و شکوفایی؛ حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف؛ کار مضاعف، همت مضاعف و جهاد اقتصادی همگی بیانگر رویکرد یاد شده است. ضمن آنکه مجموعه برنامه‌های توسعه و بسته‌های سیاستی و عنوان و محتوای سیاست‌های کلی که مقام معظم رهبری در سالیان گذشته ابلاغ کرده است، از پی‌گیری رویکرد اقتصادی نظام حکایت دارد.

امسال در ادامه حرکت جهاد اقتصادی کشور به عنوان یکی از گلوگاه‌ها و مؤلفه‌های اساسی در حل مشکل اقتصادی و تضمین تحقق اهداف اقتصادی، موضوع تولید ملی و داخلی، متغیر مهم و تعیین‌کننده‌ای است که متأسفانه آسیب‌های متعددی آن را تهدید می‌کند.

از این رو، رهبر معظم انقلاب اسلامی، شعار امسال را با محوریت تولید داخلی و حمایت از آن مطرح کرد تا با همت بلند دولت و ملت ایران، آخرین امیدهای دشمنان این کشور به ناامیدی تبدیل شود و توهم آنان مبنی بر احتمال به شکست کشاندن انقلاب اسلامی از طریق فشارهای اقتصادی نیز همچون دیگر اوهام و خیال‌پردازی‌های باطل آنها با سیلی بیدارکننده ملت

انقلابی ما از سرشان بیرون رود.

۵. شکوفایی اقتصادی کشور

۵. شکوفایی اقتصادی کشور

مقام معظم رهبری همواره در برهه‌های مختلف، مسیر حرکت جامعه اسلامی را ترسیم می‌کند و امسال نیز با عنایت به اهداف مورد نظر در این سال، شاهد پیشرفت و شکوفایی اقتصاد ایران اسلامی در زمینه‌های تولید، کار و سرمایه ایرانی خواهیم بود.

با توجه به نام‌گذاری سال ۱۳۹۰ به عنوان سال جهاد اقتصادی به پیشنهاد رهبر فرزانه انقلاب، در این سال، بسترهای مناسب برای اجرای برنامه‌های اقتصادی فراهم شد و سال جدید، حرکت کاروان اقتصادی جامعه باید به سوی حمایت از کالاهای تولید داخل و سرمایه‌گذاری مردم کشورمان باشد.

در سال جدید، مردم و مسئولان باید با یاری و همراهی یکدیگر، در راستای عمل کردن به امر ولایت حرکت کنند تا از این طریق بتوانند زمینه شکوفایی و بالندگی جامعه را رقم بزنند و با تأکید بر ضرورت حمایت دولت از بخش‌های تولیدی داخلی و مدیریت واردات، به این مهم بپردازند. البته رسیدن به این چشم‌انداز محقق نخواهد شد، مگر اینکه تولیدکنندگان در جهت دست‌یابی به تولیدات با کیفیت و قیمت مناسب گام بردارند تا شاهد ورود هر چه بهتر کالاهای باکیفیت ایرانی به بازار عرضه کالا باشیم و دولت نیز باید کشور را از واردات بی‌رویه از دیگر کشورها بی‌نیاز کند.

۶. تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی به منظور اشتغال‌زایی بیشتر

۶. تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی به منظور اشتغال‌زایی بیشتر

نام گذاری امسال، ادامه دهنده سال گذشته است. رهبر معظم انقلاب از سال گذشته که آن را به سال جهاد اقتصادی نام گذاری کرده بود، بر تلاش بیشتر در بُعد اقتصادی تأکید می کرد. ملت شریف و مؤمن ایران اسلامی باید به داشتن رهبری حکیم و فرزانه بر خود ببالند؛ زیرا نام گذاری معظم له در هر سال، بسیار دقیق، کارشناسی و با نگاه «المؤمن ينظر في نورالله» است.

رهبر معظم انقلاب، خلأ اساسی را در بخش اقتصادی احساس کرد و از مسئولان امر برای برطرف ساختن این معضل که دغدغه بزرگی برای مردم به شمار می رود، خواسته است که همت بیشتری داشته باشند. اگر تولید ملی افزایش یابد، اشتغال نیز افزایش و تورم کاهش می یابد و توجه مردم به تولید داخلی بیشتر می شود. بنابراین، قوای مجریه، مقننه و قضاییه باید با همکاری و هم فکری بیشتر، تولید ملی را افزایش دهند.

هر چه بر تولیدات ما در کشور افزون شود، نقشه دشمنان برای تحریم کشورمان شکست می خورد و استفاده از نیروی کار و سرمایه ایرانی، فضای اشتغال را در کشور ایجاد می کند.

۷. حمایت از تولید ملی، لازمه قدرت نمایی نظام دینی

۷. حمایت از تولید ملی، لازمه قدرت نمایی نظام دینی

نگاهی کوتاه به پیام نوروزی رهبر بزرگوار انقلاب نشان می دهد ایشان سال گذشته را در بسیاری از زمینه ها سالی به نفع ملت ایران دانست و جمله مهم ایشان را مبنی بر اینکه سال ۱۳۹۰ سال بروز اقتدار ایران است، از جنبه های مختلف می توان بررسی کرد. نام گذاری امسال به نام سال «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» در ادامه ضرورتی است که رهبری در طول چهار سال گذشته برای تمرکز بر روی مسائل اقتصادی در نام گذاری سال ها

و تأکید به مسئولان و مردم برای حرکت به سوی اصلاح اقتصاد جامعه و در نتیجه، تأمین نشاط و رفاه عمومی تشخیص داده است. البته باید توجه داشت که نام‌گذاری سال‌ها تنها یک شعار برای پر کردن تابلوهای تبلیغی یا ثبت بر سربرگ نهادها نیست، بلکه این نام‌گذاری، تأکیدی است بر راهی که شخص اول کشور با درایت و هوشمندی برای حرکت ملت در طول آن سال در نظر گرفته، گرچه شاید در برخی سال‌ها در این زمینه کوتاهی شده است.

در همه این چهار سال پس از دهه چهارم انقلاب اسلامی، تأکید رهبری بزرگوار انقلاب بر افزایش توان اقتصادی در کشور، نشان دهنده این است که جمهوری اسلامی در مسیر رشد و توسعه، اکنون به جایگاهی رسیده است که برای قدرت‌نمایی یک نظام دینی در سرتاسر جهان در کنار حضور قوی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و علمی، به ساخت یک اقتصاد اسلامی بدون وابستگی نیاز دارد تا کشورهایی که ایران را الگوی خود قرار داده‌اند، ایران مستقل را یک ایران مقتدر اقتصادی هم ببینند. بررسی راهی که رهبری از سال ۱۳۸۸ و از اصلاح‌الگوی مصرف تا سال ۱۳۸۹ و همت مضاعف، کار مضاعف ترسیم کرد، تا سال گذشته که به جهاد اقتصادی و امسال به تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی رسید، این موضوع را به اثبات می‌رساند که در مسیر تبدیل ایران به یک قدرت اقتصادی، ایشان به ریشه‌ای‌ترین کارها همچون تغییر فرهنگ مصرف در کشور تا پیش نیازهای آن یعنی حمایت از کالای ایرانی و تولید داخلی، توجه لازم داشته و راه را نشان داده است.

۸. تولید ملی، حسنه اجتماعی

۸. تولید ملی، حسنه اجتماعی

نام گذاری سال تولید ملی، محمل بسیار خوبی برای تشویق تولید و کارآفرینی به عنوان یک حسنه اجتماعی و اخلاقی و همچنین یادآوری به مدیران اجرایی در مورد لزوم رفع موانع تولید است؛ موانعی که ناشناخته نیستند و امید می رود با عزم مسئولان کاهش یابند. به عنوان نمونه، دو مانع مورد اشاره در رهنمودهای پیشین رهبر معظم انقلاب، بی ثباتی برخی قوانین و نیز فساد اقتصادی است که موجب کاستن از انگیزه اهل تولید و افزایش هزینه های پنهان آن می شود.

تسهیل امر تولید، در شرایط کنونی از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا اول اینکه تولیدکنندگان در صف نخست جهاد اقتصادی در برابر تحریم های بین المللی، دشواری مبادلات بین المللی و نوسان های ارزی قرار دارند و مدیران باید نقش پشتیبانی خط مقدم را به شکل مطلوبی ایفا کنند. دوم اینکه اصلاحات اقتصادی داخلی به ویژه طرح هدفمند کردن یارانه ها نیز فشارهایی را متوجه تولیدکنندگان کرده که یاری رساندن به تولید را در اوضاع جاری کشور اولویت بخشیده است؛ توصیه ای که رهبر معظم انقلاب نیز در رمضان گذشته در مورد کمک به بخش تولید یادآوری کرد.

۹. سه دهه تحول اقتصادی

۹. سه دهه تحول اقتصادی

نام گذاری سال ۱۳۹۱ به نام «حمایت از تولید ملی» از دو جهت جلب توجه می کند: اول اینکه اقتصاد ایران دهه ای را پیش رو دارد که فارغ از هرگونه تحول سیاسی و سمت و سوی آن، با رشد درآمد نفت و گاز و ارتقای جایگاه ایران در جهان به خاطر منابع انرژی فراوان، روبه رو خواهد بود و ایران در منطقه ای قرار دارد که از قِبَل درآمد نفت و فعالیت های عمرانی

گسترده، سال‌ها با تحولات بزرگ و گردش مالی بسیار را شاهد و بازارهای مختلف در حال گسترش خواهد بود. کشورهایمانند عراق، ترکیه، هند و پاکستان، قطر و امارات و عربستان و... در سال‌های اخیر، هم‌با رشد درآمد نفت و گاز و هم‌با تحولات صنعتی و عمرانی و بازارهای مختلف همراه هستند و ایران نیز به‌عنوان یک کشور نفتی و با رشد سریع جمعیت، در حال توسعه صنایع و بازارهای مختلف است. از این رو، مردم ایران و اقتصاد جهان انتظار دارند که تحت تأثیر چنین تحولاتی، اقتصاد ایران با توجه به جایگاه ایران در جهان و در منطقه، از رشد و توسعه خوبی برخوردار باشد و دهه ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰، دهه تحول اقتصادی، توسعه و پیشرفت باشد.

نکته اساسی دیگر این است که اقتصاد ایران تحت تأثیر تحریم‌های بانکی و نفتی و... اعمال شده از سوی کشورهای غربی، برای گذر از این محدودیت‌ها، باید به‌توان خود تکیه و از مزیت‌های طبیعی و جغرافیایی استفاده کند. بنابراین، شعار خودکفایی، مصرف کالای تولید ملی، حمایت از تولید و اشتغال و سرمایه‌گذاری ملی، بار دیگر مورد توجه کارشناسان و مسئولان کشور قرار گرفته است.

فصل سوم: اهداف و فایده های نام گذاری سال ۱۳۹۱ به نام تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی

اشاره

فصل سوم: اهداف و فایده های نام گذاری سال ۱۳۹۱ به نام تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی

پیش از هر حرکت و فعالیتی باید هدف از آن را دانست و برای رسیدن به آن نیز برنامه ریزی داشت تا جهت و مسیر حرکت، بهتر مشخص شود. با مطالعه و بررسی اهداف می توان در پیمودن مسیر و یا اصلاح آن دست به اقدامات تکمیلی و اصلاحی زد. در این بخش به بررسی اهداف نام گذاری امسال از نظر رهبر انقلاب و اهداف دست یافتنی آن می پردازیم؛ نتایجی که بر اثر تلاش می توان به آنها دست یافت.

۱. حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی به منظور شکوفایی استعداد های جوان

۱. حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی به منظور شکوفایی استعداد های جوان

حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی، فرصتی طلایی برای شکوفایی استعداد های جوان کشور است و می تواند تحولات مهمی را در همه جنبه های اقتصادی رقم بزند؛ تحریم هایی که امریکا از دهه اول پیروزی

انقلاب اسلامی به ملت ایران تحمیل کرده است و همواره با تدابیر رهبری نظام به فرصت تبدیل شدند.

نام گذاری سال ۱۳۹۱ به حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی، اقدامی هوشمندانه است که می تواند به نقطه عطفی در تحولات اقتصادی کشور تبدیل شود. از این رو، مجلس و دولت در این سال باید با برنامه ریزی هماهنگ بتوانند این شعار مهم را در عرصه اقتصاد ملی به یک باور عمومی تبدیل و زمینه را برای شکوفایی هر چه بیشتر اقتصاد کشور مهیا کنند.

رسیدن به اهداف نام گذاری سال ۱۳۹۱ بدون توجه به علت های فرهنگی و روانی گرایش به مصرف کالاهای خارجی و مقابله فرهنگی با این معضل، ممکن نخواهد بود. باید استانداردهای ساخت داخل را به حد مطلوب برسانیم تا مردم بتوانند برای رفع نیازهای خود به ویژه اقلام مصرفی و روزانه، کالاهای ایرانی را انتخاب کنند. با توجه به اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها، تولیدات داخلی به ویژه در حوزه کشاورزی و صنعت، بیش از پیش نیازمند حمایت دولت هستند تا بتوانند تحولات مهمی را در عرصه تولید رقم بزنند. باید نظر رهبر معظم انقلاب مبنی بر حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی را یک فرمان دانست و بر اساس آن برنامه ریزی کرد.

بدون تردید، تحقق شعار امسال، بسیاری از طراحی های دشمنان علیه ملت ایران را خنثی خواهد کرد. با توجه به تلاش دشمنان برای اعمال تحریم های اقتصادی علیه ملت ایران باید دانست که این فشارها سبب می شود تا ملت ایران، در عرصه هایی که به دیگر کشورها متکی هستند، به خود کفایی برسند. همچنین با توجه به اینکه دهه چهارم انقلاب به دهه پیشرفت و عدالت نام گذاری شده است، حمایت از تولیدات ملی می تواند

موتور محرک این سیاست راهبردی باشد.

۲. افزایش بهره‌وری در کارها، منابع انسانی و منابع مالی و فیزیکی

۲. افزایش بهره‌وری در کارها، منابع انسانی و منابع مالی و فیزیکی

این مسئله برای همه ما ملموس است که سطح بهره‌وری در ایران بسیار پایین بوده و این امر بدون تردید به هنجارها و الگوهای رفتاری برخاسته از فرهنگ عمومی که در سالیان دراز در لایه‌های مختلف جامعه نهادینه شده است، مرتبط می‌شود. بنابراین، برای اینکه در کشور کار مضاعف انجام گیرد، شرط لازم این است که اراده تغییر در تک تک افراد ایجاد شود و مردم بیش از پیش در قبال کار خود حس تعهد داشته باشند، تا به مرور زمان فرهنگ بی‌مسئولیتی و کم‌کاری، از جامعه زدوده و «کار و تلاش» – چنان‌که در آموزه‌های دینی آمده است – در سطوح مختلف به صورت عملی و نه شعاری، به یک ارزش ملی تبدیل شود. توجه به فرهنگ‌سازی برای افزایش وجدان کاری و بهره‌وری صحیح از منابع انسانی در همه سطوح، از پیش نیازهای این امر است.

۳. حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی، به منظور رهایی از وابستگی به محصولات خارجی

۳. حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی، به منظور رهایی از وابستگی به محصولات خارجی

هر کشوری که به دیگر کشورهای دنیا وابسته باشد، همواره درمانده و نیازمند است و حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی، می‌تواند این وابستگی‌ها را از بین ببرد. تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، موجب افزایش انگیزه و شکوفایی استعدادها می‌شود و نیروهای کارآمد، توانا و

نیرومند را پرورش می‌دهد تا بتوانند نیازهای کشور را برآورده کند و با این شیوه، ایران اسلامی به هیچ کشوری وابسته و متکی نباشد.

یکی از معادلات سیاسی کشورهای غربی، وابسته و متکی کردن دیگر کشورهای دنیا به خود است تا بتوانند بر آنان حکومت کنند که جمهوری اسلامی ایران توانسته است با استفاده از توان مندی‌ها و ظرفیت‌های خود، از زیر سلطه آنها خارج شود. کشوری که همیشه در تحریم و فشار بوده، چاره‌ای ندارد که به منابع و سرمایه‌های خود متکی باشد و این امر موجب عملی شدن بزرگ‌ترین شعار انقلاب ایران یعنی استقلال و آزادی می‌شود.

تولید ملی به معنای تأمین نیازهای کشور به دست نیروهای ایرانی است و زمانی که بتوانیم به این هدف برسیم، از کار و سرمایه ایرانی هم حمایت کرده ایم. تجربه ۳۳ سال پس از انقلاب به ما نشان می‌دهد که هرگاه ایران با تحریم و فشار روبه‌رو شده، پویایی و شکوفایی در میان ملت رقم خورده و سبب شده است نیازمند نیروهای خارج از مملکت ایران نباشیم. اگر بتوان این فرهنگ را در مناطق مختلف کشور ایجاد کرد که به تولید بومی و داخلی متکی باشند، هم انگیزه برای تولید بیشتر فراهم می‌آید و هم عامل جمع‌آوری سرمایه‌های سرگردان می‌شود و در نتیجه افزایش اشتغال و حمایت از کار را به دنبال خواهد داشت. در این باره مدیران و مسئولان اجرایی کشور و استان‌ها باید بتوانند همچون سال‌های گذشته با سرلوحه قرار دادن سخنان مقام معظم رهبری در برنامه‌های خود، در تحقق شعار تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی گام‌های مؤثری بردارند.

۴. حفظ استقلال همه جانبه ایران اسلامی در سایه تولید ملی

۴. حفظ استقلال همه جانبه ایران اسلامی در سایه تولید ملی

اقدام رهبر معظم انقلاب در نام گذاری سال ها، نقشه راه را برای مسئولان و مردم مشخص می کند و پاسخ مناسبی هم به موضوع تحریم های اقتصادی ظالمانه مستکبران علیه ایران می دهد و موجب خودباوری و خودکفایی کشور می شود.

حمایت از کار و سرمایه ایرانی و تلاش برای رونق گرفتن تولیدات ملی، در واقع زمینه ساز رونق اقتصادی، صنعتی و کشاورزی در داخل کشور می شود. از این جهت به نظر می رسد که حفظ استقلال همه جانبه ایران اسلامی، در سایه تولید ملی و حمایت از سرمایه و کار ایرانی تحقق می یابد و به طور قطع، امسال شاهد تحول اقتصادی در عرصه ملی با ابتکار و خلاقیت جوانان متعهد بر اساس رهنمودهای رهبری خواهیم بود.

از آنجا که در سال ۱۳۹۰ افزون بر هجده فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دشمن علیه انقلاب اسلامی ایران، شاهد اعمال تحریم های اقتصادی شدید از سوی غرب بودیم، موضع گیری قاطع و انقلابی در برابر تهدیدهای اقتصادی دشمن، بسیار منطقی و مؤثر است. به طور کلی، در سالی که به عنوان جهاد اقتصادی نام گذاری شده بود، رشد و پیشرفت کشور شتاب مطلوبی داشت.

ملت بزرگ ایران به برکت انقلاب اسلامی و در سایه رهنمودهای حکیمانه مقام معظم رهبری، هر سال شاهد تحول و پیشرفت علمی، فن آوری، عمران و آبادانی بوده که بیانگر سرعت رو به جلو و حرکت شتابان انقلاب اسلامی است. ایشان، حضور مقتدرانه و دشمن شکن مردم بابسیرت در راه پیمایی یوم الله ۲۲ بهمن و انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی را سبب اقتدار بیشتر نظام اسلامی و ناامیدی همیشگی دشمنان اسلام و قرآن و موجب الگو شدن ملت ایران برای جهان و انقلاب های نوظهور کشورهای

منطقه با عنوان بیداری اسلامی دانست.

۵. حفظ پایه اصلی استقلال کشور

۵. حفظ پایه اصلی استقلال کشور

یکی از اصول بنیادین استقلال کشورها، مسئله تولید ملی است تا بتوانند با تولیدات بومی، روی پای خود بایستند و پاسخ گوی نیازهای کشور و ملت خود باشند. با حرکت به سوی تولید ملی، می توان سرمایه های ملی هر کشور را صرف اشتغال و ایجاد زمینه توسعه اقتصادی کرد.

با توجه به تهدیدهای دشمنان و تحریم های اعمال شده آنها بر جمهوری اسلامی ایران، باید برای مقابله با این تهدیدها، از تولیدی منسجم و محکم برخوردار باشیم و در شرایط کنونی کشور با توجه به طرح های خوب اجرا شده، بتوانیم سرمایه های مملکت را به سوی تولید ملی هدایت کنیم. این گام های بزرگ و پیشرفت های افتخار آمیز در کشور، کافی نیست و به همین دلیل، همه ملت و قشرهای مختلف مردم باید در این راه که معظم له آن را مشخص کرده است، حرکت کنند تا اراده ملی در مورد مسائل تولید و سرمایه گذاری در کشور به وجود آید.

امروز اقتصاد جهانی لحظه به لحظه با سرعت سرسام آوری در حال تغییر، عبور و پیشرفت است و ما نباید از کاروان اقتصاد جهانی عقب بمانیم و باید بتوانیم هم گام با آن حرکت کنیم. یکی از مسائل مورد نظر در همراهی با اقتصاد جهانی، سرمایه گذاری، تولید ملی و حمایت از تولید است. استقلال هر چه بیشتر کشور در برابر همه نیازها به ویژه در بخش تولید و اقتصاد کشور، موجب خنثی شدن کامل تحریم ها می شود. می دانیم که کشور ایران جزو جوان ترین کشورهای جهان است و برای توسعه اقتصادی خود نیاز به

اشتغال و ایجاد بسترهای جدید اشتغال برای جوانان دارد که این مسئله تنها با اراده عمومی مردم و مسئولان محقق می‌شود.

۶. حمایت از نمانام (برند) و تولید ملی، به منظور کاهش وابستگی به نفت

۶. حمایت از نمانام (برند) و تولید ملی، به منظور کاهش وابستگی به نفت

یکی از مهم‌ترین راهکارهای وابسته نبودن اقتصاد ایران، حمایت از تولید نمانام (برند) داخلی است. باید اذعان داشت که متأسفانه، نمانام (برند) ملی در کشور به گونه شایسته، فراگیر نشده و سیاست‌گذاری در زمینه توسعه تولید داخلی برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی، مناسب نبوده است.

تراز بازرگانی خارجی کشور ما بدون به شمار آوردن نفت، در سال‌های گذشته همواره منفی است، ولی تراز بازرگانی خارجی با در نظر گرفتن نفت، همیشه مثبت بوده است و به دلیل قیمت‌های بالای نفت در پنج سال گذشته، تراز حساب جاری کشور نیز مثبت بوده است. بنابراین، هرچند مثبت بودن تراز حساب جاری به خودی خود، نقطه قوت یک اقتصاد تلقی می‌شود، در شرایطی که تراز بازرگانی خارجی بدون در نظر گرفتن نفت منفی است، مثبت بودن تراز حساب جاری، موجب نرسیدن صدای خرد شدن استخوان‌های تولید ملی به گوش اقتصاد کشور شده است؛ یعنی در حالی که از توان تولید ملی همواره کاسته می‌شود، ارزش واقعی پول ملی، بی‌توجه به آن همیشه تقویت شده است.

درباره رابطه تولید داخلی و ارزش پول ملی باید گفت هر چقدر توان کشور در تولید و فروش کالا و خدمات، بالا-تراز تقاضای کشور برای کالا و خدمات وارداتی باشد، پول ملی تقویت می‌شود و نرخ ارز کاهش می‌یابد و

در صورتی که کشور وضعیت خوبی در تولید و صادرات نداشته باشد، پول ملی تضعیف و نرخ ارز افزایش می یابد و این افزایش موجب گران تر شدن واردات و به صرفه شدن تولید داخل می شود و در نتیجه، به رقابت پذیری تولید ملی کمک می کند و منجر به بازتوانی تولید تضعیف شده می شود.

در کشورهایی که دولت های متکی به ثروت ملی بر سر کارند، ورود ارز حاصل از فروش ثروت ملی به چرخه ارزی کشور، موجب مخدوش شدن ارتباط ارزش پول ملی با نسبت درآمدهای ارزی به دست آمده از تولید ملی به مخارج ارزی ناشی از مصرف ملی می شود. بنابراین، ضعف و قوت تولید ملی، اثر واقعی خود را بر ارزش پول ملی از دست می دهد.

به عبارت دیگر، هر چقدر درآمدهای ناشی از فروش نفت و گاز بالاتر باشد، اثر بیشتری بر تقویت پول ملی می گذارد و این اثر، مستقل از اثر درآمدهای ناشی از کار ملی است. بنابراین، در شرایطی مانند امروز کشور ما که تولید در مقابل واردات، به شدت ناتوان و آسیب پذیر شده است، می بینیم که ارزش واقعی ریال با تکیه به دلارهای نفتی همچنان در حال تقویت است.

اگر درآمدهای نفتی، وارد بودجه دولت نشود و از آنجا به بازار ارز کشور سر ریز نشود، تنظیم نرخ ارز در بازار، وابسته به تولید ملی می شود. نتیجه این وضعیت، آن خواهد شد که اگر تولید از واردات، ضعیف تر باشد، نرخ ارز افزایش و اگر تولید، توان مند تر از واردات گردد، نرخ ارز کاهش می یابد. این مهم در صورتی حاصل می شود که هم دولت مقید به انضباط مالی و بودجه ای بیشتری شود و هم اندازه دولت کاهش جدی پیدا کند؛ یعنی به اندازه ای کوچک شود که توان اداره کشور را با درآمدهای ناشی از کار ملی (مالیات و عوارض دریافتی از شهروندان و فعالیت های اقتصادی کشور)

بیابد.

مسئولان باید بپذیرند که هیچ راه دومی برای نجات اقتصاد کشور وجود ندارد. بنابراین، به جلد باید در پی تحقق دولت کوچک و متکی به کار ملی باشند. فعالان اقتصادی نیز با درک اهمیت این موضوع باید به جای اینکه تنها خواستار افزایش دستوری نرخ ارز باشند، تمام هم و غم خود را صرف اصلاح ریشه های این معضل کنند؛ زیرا بدون تردید، دولت بزرگ و پرخرج، نیازمند فروش دلارهای نفتی در بازار ارز خواهد بود.

درباره مصداق تولیدات داخلی و لزوم حمایت از صنعت لوازم خانگی باید افزود که صنعت لوازم خانگی ایران در کنار استانداردهای، امکانات بالقوه ای برای تولید و ارتقای کیفیت در همه زمینه ها را دارد. سرمایه گذاری های خوبی در این باره صورت گرفته و واحدهای بزرگ تولیدی مشغول به کار شده اند، به گونه ای که واحدهای کوچک تولیدی دیگر نمی توانند در این صنعت دوام بیاورند، اما با وجود همه این توان مندی ها، دولت و در رأس آن وزارت صنعت، معدن و تجارت، از این صنعت حمایت نمی کنند. دولت باید اعتبارهای دریافتی از محل اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها را به این صنعت و تولید اختصاص دهد و بانک ها نیز وام های با بهره کمتر را در اختیار تولیدکنندگان قرار دهند.

در این میان، بومی سازی تولیدات لوازم خانگی باید دربرگیرنده دو اولویت؛ یعنی همراهی با فن آوری روز جهان و هماهنگی مصنوعات با اقلیم منطقه باشد. تولیدکنندگان داخلی در این باره توانسته اند برای نمونه در تولید آب گرمکن گازی دیواری، بخاری گازی، اجاق گاز و چرخ خیاطی افزون بر پاسخ گویی به نیاز داخل، بهترین بازارهای صادراتی دنیا را نیز تصاحب کنند.

لوازم خانگی از رشته های شتاب دهنده توسعه صنعتی هر کشور از جمله ایران است. گردش مالی سالانه این صنعت در ایران به طور میانگین شش میلیارد دلار برآورد می شود که چهار میلیارد دلار آن به لوازم خانگی انرژی بر و بقیه به ظروف، سرویس غذاخوری و لوازم ریز آشپزخانه مربوط می شود.

با وجود این، در ایران یک نظام استاندارد کارآمد وجود ندارد و هر آنچه به نام استانداردهای مدون ملی از آنها یاد می شود، بسیار محدود هستند و طیف وسیعی از کالاهای مصرفی اعم از داخلی و وارداتی را تحت پوشش قرار نمی دهند یا این استانداردها به روز نشده اند. بنابراین، نبود پوشش کامل استاندارد و به روز نبودن آنها و حتی هماهنگ نبودن استانداردهای موجود با استانداردهای جهانی، یکی از مشکلات موجود در این زمینه است.

نمانام (برند) سازی ملی می تواند زمینه ساز توسعه تولید داخلی و موجب رونق صنعت ملی شود. این اقتصاد تک محصولی، یکی از عواملی است که اقتصاد یک کشور را به سرآشوب سقوط می کشاند. اگر می خواهیم اقتصاد ما به نفت وابسته نباشد، باید به صنعت نمانام (برند) و بازاریابی ملی بیش از پیش توجه کنیم؛ کاری که چندین سال است از آن غافل مانده ایم.

۷. تشویق به مصرف کالای ایرانی

اشاره

۷. تشویق به مصرف کالای ایرانی

خواه ناخواه، گرایش به سوی مصرف کالاهای خارجی در کشور ما وجود دارد و آثار و پی آمدهای منفی آن را در همه جنبه های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور می توان مشاهده کرد. برای اصلاح این عادت ناپسند، همه باید با کمک یکدیگر، از راه های درست وارد شویم تا تحقق کامل اهداف

جهاد اقتصادی را شاهد باشیم. شاید اصلی‌ترین گام‌های دست‌یابی به این هدف را بتوان به صورت زیر خلاصه کرد:

الف) تلاش تولیدکنندگان برای تشویق مصرف‌کننده

الف) تلاش تولیدکنندگان برای تشویق مصرف‌کننده

تأکید بر مصرف کالای ایرانی، فقط توصیه‌ای برای مصرف‌کنندگان نیست، بلکه تولیدکننده هم باید با ارائه کیفیت برتر و قیمت پایین‌تر، اجازه ندهد مشتریان به کالای خارجی روی آورند. تولیدکننده باید مصرف‌کننده را محترم بشمارد و کالای مرغوب را به آنان ارائه دهد و مصرف‌کننده هم باید جنس ایرانی را بر اجناس خارجی ترجیح دهد. البته این بدان معنا نیست که مردم، چشم بسته کالای نامرغوب و گران‌بخرند، بلکه منظور این است که مشتریان ضمن خرید کالای داخلی، عیب و ایراد آن را هم بگیرند، انتقاد کنند و به تولیدکنندگان داخلی برای بهبود کیفیت فشار بیاورند، ولی از خرید کالای ایرانی منصرف نشوند. از سوی دیگر، دستگاه‌های اجرایی ناظر و تصمیم‌گیر باید از تولید داخلی و تولیدکننده ایرانی حمایت جدی کنند.

ب) فرهنگ سازی برای خرید کالای تولید داخلی

ب) فرهنگ سازی برای خرید کالای تولید داخلی

برای مبارزه با خرید کالای خارجی باید از همه راهکارهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، جزایی و... بهره جست و به یاد داشت که این پدیده، یک پدیده چند بُعدی است و مبارزه باید همه ابعاد آن را فرا بگیرد. در این مبارزه باید از اقدامات فرهنگی، تبلیغات و آماده سازی فکر و رفتار نوجوان و حتی کودکان نیز بهره جست و از تأثیر رسانه‌های دیداری، شنیداری و مکتوب برای اصلاح رفتار اجتماعی استفاده کرد. در این میان، سازمان‌هایی همچون آموزش و پرورش، وزارت ارشاد، صدا و سیما، دستگاه‌های آموزش عالی،

مطبوعات و... می توانند نقش مهم و ارزنده خود را در این راه ایفا کنند تا ایرانی، با افتخار از کالای ایرانی استفاده کند.

ج) حمایت از فرصت‌های شغلی

ج) حمایت از فرصت‌های شغلی

در این زمینه نیز وزارت بازرگانی باید به همراه دیگر دستگاه‌های مسئول، با شناسایی کالاهای خارجی که در مقایسه با کالاهای داخلی کیفیت برتر ندارند، با به کارگیری سیاست‌های مناسب گمرکی جلوی فروش آن را در سطح بازارهای کشور بگیرد؛ چراکه خرید کالاهای خارجی، برابر است با نابودی فرصت‌های شغلی و اگر کالاهای خارجی به بازار عرضه نشود، خرید آن نیز کاهش می‌یابد.

د) بهبود اقتصاد ملی

د) بهبود اقتصاد ملی

کسی که می‌خواهد برای راه اندازی صنعت، کشاورزی یا دام پروری سرمایه گذاری کند، باید مطمئن باشد که با ورود افراد متقلب و متخلف به بازار و واردات بی‌رویه کالای خارجی، تولید او تحت فشار رقابت ناسالم، به تعطیلی خواهد کشید.

از این رو، بازرگانان و تاجران که سرمایه خود را به بازار می‌آورند، باید اطمینان یابند که با واردات کالای خارجی یا ورود اجناس تقلبی به بازار توسط سودجویان و قاچاقچیان، ورشکست نمی‌شوند. مصرف کننده‌ای هم که بازار می‌رود، مطمئن باشد که در کیفیت و قیمت، سرش کلاه نمی‌گذارند و البته لازمه همه اینها نظارت دقیق دولت است.

در کشورهایی که اقتصاد قوی دارند، حتی انجام دادن معاملات کوچک به دور از دید دولت، امری ناممکن است، اما در کشورهایی با اقتصاد ضعیف،

به راحتی می‌توان حتی با چمدان، انبوه پول نقد را جا به جا کرد و با آن معامله مخفی ترتیب داد.

ه (انجام دادن اقدامات پیش گیرانه

اشاره

ه (انجام دادن اقدامات پیش گیرانه

برای ریشه کن کردن عادت مصرف کالای خارجی در کشور، نمی‌توان همه چیز را به حال خود رها کرد و اجازه داد فساد فراگیر شود، آن وقت با توسل به زور و مجازات به برخورد با آن پرداخت. همه دستگاه‌های دولتی وظیفه دارند با اقدامات پیش گیرانه، اجازه شکل گیری تخلف را ندهند و دامنه ورود قانونی و غیر قانونی (قاچاق) کالای خارجی را محدود کنند. در این صورت نیز نمی‌توان برخورد قضایی و انتظامی را تعطیل کرد؛ زیرا طبیعی است که تنها این برخوردها چاره ساز نخواهد بود.

یک _ سیاست بازدارندگی در کنار پاسداری از حقوق مصرف کنندگان

یک _ سیاست بازدارندگی در کنار پاسداری از حقوق مصرف کنندگان

سیاست‌های بازدارنده در زمینه ورود کالای خارجی غیر ضروری به کشور، نه تنها باید قاطعانه اجرا شود، بلکه باید بازدارنده باشد تا متخلفان بزرگ و مفسدان اقتصادی دانه درشت که با واردات بی‌رویه و سودجویانه، ضربه‌های کاری به اقتصاد کشور و روند جهاد اقتصادی وارد می‌کنند، در امان نباشند و نتوانند با هزار ترفند، این قوانین را دور بزنند و به مقاصد خود برسند. بدون تردید، بازدارندگی، نوعی حمایت و پاسداری از حقوق مصرف کنندگان است.

دو _ حمایت از کالای ایرانی، پاسداری از اقتصاد ملی

دو _ حمایت از کالای ایرانی، پاسداری از اقتصاد ملی

اگر می‌خواهیم مردم به خرید کالای خارجی عادت نکنند، باید از کالای ایرانی به دور از غرض ورزی حمایت کنیم؛ چراکه حمایت از تولیدات

داخلی، پاسداری از اقتصاد ملی است. بنابراین، ابتدا دولت باید دامن خویش را از آلودگی به معضل خرید کالای خارجی و ترجیح آن بر تولیدات داخلی پاک نگه دارد و با نهایت پاکی، سلامت و درست کاری عمل کنند. دستگاه های مسئول باید با رسیدگی به موضوع مشکلات تولیدکنندگان و معیشت کارگران، زمینه های لازم برای تولید کالای ایرانی با کیفیت را فراهم کنند.

سه _ مصرف کالای خارجی، عامل بی کاری جوانان ایرانی

سه _ مصرف کالای خارجی، عامل بی کاری جوانان ایرانی

کنترل مرزها به عنوان مبدأ ورود کالای خارجی و قاچاق، همیشه رکن مهمی در راه تحقق این موضوع شمرده می شود. رسیدگی به وضع زندگی مردم مرزی بسیار مهم است. پس نباید اجازه داد مرزنیسان ما از امکانات اولیه رفاهی محروم بمانند و به ابزار دست قاچاقچیان تبدیل شوند که این امر، خود موجب محروم تر شدن آنان می شود. همچنین نباید با مصرف کالاهای خارجی که منجر به بی کار شدن جوانان ایرانی می شود، به محروم تر شدن جوانان مرزنشین دامن زد، بلکه با ایجاد مشاغل متعدد در روستاهای مرزی باید جلوی روی آوردن مردم به قاچاق را بگیریم. در مرزهای دریایی هم تردد وسایل باید سامان دهی و مثل رفت و آمدهای هوایی و جادهای منظم شود تا بی انضباطی ها و تخلفات را بتوان پی گیری کرد.

همه دستگاهها باید هماهنگ حرکت کنند و اجازه ندهند متخلفان از شکافهای میان آنان استفاده کنند. همه دستگاهها باید سلیقه های شخصی را کنار بگذارند و بر اساس یک دستورالعمل رفتار کنند. حتی اگر تصمیمی از نظر آنها اشتباه است یا با سلیقه آنان موافق نیست، وقتی همه یک پارچه عمل

کنند، غلط یا درستی آن تصمیم، به زودی روشن می‌شود. همه باید بدانند که راه اصولی مبارزه با مصرف بی‌رویه کالاهای خارجی و مقابله صحیح با بحران‌های بی‌کاری، مصرف کالای داخلی است که اشتغال جوانان وطن و کاهش بی‌کاران جامعه را تضمین می‌کند.

چهار _ تحقق رسالت دستگاه‌های فرهنگی و رسانه‌ها

چهار _ تحقق رسالت دستگاه‌های فرهنگی و رسانه‌ها

مصرف کننده باید آگاهی‌های لازم را دریافت کند. او باید بداند مصرف کالای خارجی سلیقه‌ای شخصی نیست، بلکه به معنای بی‌کار شدن جوان ایرانی و پدید آمدن مشکلات همراه آن است. در آموزش و پرورش ایران باید برنامه ریزی شود که فراگیران، از هویت فرهنگی و منافع ملی هر چه بیشتر آگاهی یابند. متأسفانه بسیاری از لوازم التحریر دانش‌آموزان ایرانی از خارج وارد می‌شود و این یعنی ایرانی از کودکی می‌آموزد که کالای خارجی را استفاده کند.

در رادیو و تلویزیون باید محدودیت‌های بیشتری برای تبلیغات کالاهای خارجی اعمال شود تا رسانه ملی، کارکرد ضد توسعه ملی نداشته باشد. به یاد داشته باشیم قاچاق کالا یکی از موانع توسعه در ایران است. فرهنگ شهروندان باید به گونه‌ای تغییر کند که هر شهروند بداند مصرف کالای قاچاق، به معنای بی‌کاری جوان ایرانی است.

(و) سیاست‌های حمایتی جهت ترویج مصرف کالاهای داخلی

اشاره

(و) سیاست‌های حمایتی جهت ترویج مصرف کالاهای داخلی

زیر فصل‌ها

یک _ اصلاح قوانین مالیاتی و گمرکی

دو _ رسالت شخصی مسئولان

یک _ اصلاح قوانین مالیاتی و گمرکی

یک _ اصلاح قوانین مالیاتی و گمرکی

متأسفانه در برخی موارد، نظام مالیاتی کشور از تولید، مالیات می‌گیرد، اما صاحبان فعالیت‌های واسطه‌ای و دلالت مالیات نمی‌پردازند. بنابراین، برای

گرفتن مالیات از سرمایه و درآمد باید راهکاری یافت. همچنین در این زمینه، حقوق گمرکی کالاهای تجملی و کالاهایی که مشابه آن در ایران تولید می شود، باید افزایش یابد.

دو_ رسالت شخصی مسئولان

دو_ رسالت شخصی مسئولان

مسئولان کشور باید همواره به یاد داشته باشند که بر اساس حدیث شریف «الناس علی دین ملوکهم» آنها الگوی مردم هستند. بنابراین، ساده زیستی و استفاده از کالای ایرانی و پرهیز از خرید کالای خارجی و بازتاب مناسب این رفتار به افکار عمومی جامعه و پای بندی عملی به مصرف کالای داخلی، در کنار توصیه زبانی به مردم، از وظایف تک تک مسئولان است که می تواند به فرهنگ سازی در این زمینه بسیار کمک کند.

۸. اهداف حمایت از تولید ملی

اشاره

۸. اهداف حمایت از تولید ملی

زیر فصل ها

الف) تقویت روحیه خودباوری در ملت و جوانان

ب) کاهش صادرات نفت و مواد خام

ج) حمایت از کالای باکیفیت داخلی و اشتغال زا

الف) تقویت روحیه خودباوری در ملت و جوانان

الف) تقویت روحیه خودباوری در ملت و جوانان

خودباوری در میان جوانان ایرانی باید افزایش یابد و اعتقاد همه جانبه به این شعار که «ما می توانیم» و اینکه ایرانی می تواند هر کالایی را تولید کند، باید در نظام آموزشی و صنعتی کشور نهادینه شود.

ب) کاهش صادرات نفت و مواد خام

ب) کاهش صادرات نفت و مواد خام

صدور مواد خام به ویژه گاز و نفت کشور باید در یک برنامه زمان بندی شده متوقف شود یا تا حد ممکن کاهش یابد و با استفاده از این منابع، کالاهایی با ارزش افزوده، تولید گردد. از سوی دیگر، صنایع ایران را باید تا اندازه ممکن درونی کرد؛ یعنی کارخانه‌ها و شرکت‌های ایرانی، نیازهای خود را از داخل

تأمین کنند.

ج) حمایت از کالای باکیفیت داخلی و اشتغال زا

ج) حمایت از کالای باکیفیت داخلی و اشتغال زا

ایرانیان به تولید محصول با کیفیت شهره بوده اند، اما متأسفانه در روزگار ما منافع زودگذر موجب شده است برخی از تولیدکنندگان، از کیفیت کالای خود بکاهند. بدین ترتیب، به تشویق تولیدکنندگان کالای باکیفیت در کنار صادرکنندگان باید بیش از گذشته توجه نشان داد.

باید از کالاهایی، با اشتغال زایی بالا، مانند صنایع دستی حمایت کرد؛ زیرا نزدیک به ۱۰ میلیون ایرانی یا به صورت دایم یا فصلی، به ویژه در مناطق روستایی، از این صنعت روزی می برند. حمایت نشدن از صنایع دستی موجب بی کاری آنها و خالی شدن روستاها از جمعیت می شود.

به یاد داشته باشیم مصرف کالای خارجی، پی آمدهایی چون زیان دیدن کشور از ورود این کالاها، بی کاری چند میلیون نفر از جوانان کشور، بالا رفتن خطرات امنیتی در کشور، تعطیلی کارخانه‌ها و بروز ناهنجاری های اخلاقی، نارضایتی از میزان اندک حقوق و مزایا در خانواده های کارگران و رکود اقتصادی را خواهد داشت. پس بیایید همه با هم کالای ایرانی مصرف کنیم.

۹. «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، نقطه عطف توسعه اقتصادی کشور

۹. «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، نقطه عطف توسعه اقتصادی کشور

با وجود تلاش گسترده و تبلیغات دامنه دار دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و تحریم ملت ایران در عرصه های مختلف، همه آحاد مردم با

حضور چشم گیر در صحنه های ملی مانند راه پیمایی ۲۲ بهمن و انتخابات مجلس شورای اسلامی، سیلی محکمی بر چهره مستکبران زدند.

تعیین نام و شعار تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی به پیشنهاد رهبر فرزانه انقلاب در نوروز ۱۳۹۱، اهدافی همچون هدایت افکار عمومی به سوی اولویت های ایران اسلامی، توجه ویژه به ایجاد همدلی و همفکری میان مردم و مسئولان، زمینه سازی برای افزایش تولید داخلی از نظر کمی و کیفی، جذب و به کارگیری سرمایه های عظیم ملی در مسیر توسعه و عمران کشور و سرانجام، ایجاد فرصت های شغلی پایدار، بر خورداری از موهبت های زندگی برای همگان و استقلال اقتصادی در دنیای پر رقابت و تحول گرای کنونی را دنبال می کند.

در بند ۸ و ۹ از اصل سوم قانون اساسی نیز بر جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر کشور، افزایش تولیدات در بخش های صنعت و کشاورزی و رسیدن به مرحله خود کفایی تأکید شده است. تولید داخلی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، محورهای تحقق جهاد اقتصادی و بهترین راهبرد برای شکوفایی اقتصادی هستند. این سه محور مورد تأکید رهبری، به منظور رونق گرفتن اقتصادی و اتکا به تولیدات داخلی است. از این رو، باید از تولیدات داخل کشور، در بخش های مختلف استفاده کرد. این مهم سبب می شود ظرفیت واحدهای تولیدی صنعتی در داخل کشور افزایش یابد و اقتصاد رونق بگیرد. در این زمینه، توسعه اشتغالزایی در واحدهای تولیدی و کاهش مشکلات، از مهم ترین دستاوردهای تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی خواهد بود.

توسعه بخش کشاورزی و افزایش ظرفیت تولیدات، از مهم ترین رکن های

نام‌گذاری امسال به پیشنهاد رهبر فرزانه انقلاب است. در واقع، کشاورزی، محور فعالیت جامعه را تشکیل می‌دهد و جمع زیادی از مردم کشور از این راه امرار معاش می‌کنند. از این رو، باید هر چه بیشتر از این بخش استفاده و بهره‌برداری کرد. جمهوری اسلامی ایران این توان مندی را داشته است که در تولید بیشتر محصولات کشاورزی خود کفا شود. ما می‌توانیم ضمن افزودن بر افزایش ظرفیت تولیدی و تأمین نیازهای داخلی، نیازهای خارجی را هم برطرف کنیم و به اقتصاد کشور رونق دهیم.

۱۰. حمایت از سرمایه ایرانی، سرعت بخش چرخه تولید در کشور

۱۰. حمایت از سرمایه ایرانی، سرعت بخش چرخه تولید در کشور

موضوع دل‌بستگی به کشور، انگیزه به کار و اشتغال، معیارهای مشخص برای مقایسه کشورهای توسعه‌یافته با کشورهای در حال توسعه است که نام‌گذاری امسال با عنوان حمایت از کار و سرمایه ایرانی هم در همین راستاست.

در کشورهای توسعه‌نیافته، اشتغال، انگیزه کار و روحیه همکاری بسیار ضعیف است. بنابراین، زمینه توسعه در این کشورها تنها با نیروی کار فعال و با انگیزه فراهم می‌شود. در کشور در حال توسعه‌ای مانند ایران، سرمایه کافی وجود دارد، اما متناسب با سرمایه موجود، اشتغال و انگیزه کار نیست که باید با برنامه‌ریزی و ترویج فرهنگ جامع کار، این کاستی را برطرف کرد. بدین ترتیب، برای داشتن یک اقتصاد پیشرو، حمایت از کار و سرمایه ایرانی و تبدیل آن به فرهنگ غالب جامعه ضروری است.

خوشبختانه، در سال‌های گذشته، گام‌های ارزشمندی در مسیر توسعه و

رونق اقتصاد در کشور برداشته شده و اکنون ملت ایران در تولید، به رشد و توسعه‌ای مطلوب دست یافته است و توان و شرایط بودن گوی سبقت در تولیدات کیفی از دیگر کشورها را دارد.

رهبر معظم انقلاب با نام گذاری امسال، خط مشی روند توسعه اقتصاد کشور را در یک سال آینده برای رسیدن به اهداف سند چشم انداز مشخص کرده است و برنامه ریزی دولت در این مسیر برای تحقق رهنمودهای رهبری، ایران را در آینده نزدیک به کشوری توسعه یافته تبدیل خواهد کرد.

۱۱. تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، نقطه مقابل تورم

۱۱. تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، نقطه مقابل تورم

توجه به تولید، کار و سرمایه ملی، نقش محوری و انکارناپذیر در کنترل تورم و اشتغال زایی در کشور دارد. در زمان کنونی، توجه به تولیدات داخلی و کار و سرمایه ملی می‌تواند ایران را در مسیر توسعه و پیشرفت خود، موفق‌تر و سرعت این تحولات را بیشتر کند.

بدون تردید، تقویت تولید داخلی، در کاهش آثار ناشی از تحریم‌های اقتصادی تأثیر بسیار فراوانی دارد؛ چراکه توجه به این مقوله می‌تواند ضمن کاستن از نرخ تورم، بر میزان اشتغال زایی کشور بیفزاید که سرانجام، این مسائل موجب رونق و رشد اقتصادی می‌شود.

فرهنگ سازی در استفاده از تولیدات داخلی، یکی از مهم‌ترین عوامل رونق گرفتن تولیدات داخلی است و در این زمینه، رسانه‌های گروهی، دانشگاه‌ها و مدارس و دولت نقش بزرگی را بر عهده دارند تا با ایجاد دگرگونی در ساختار فرهنگی جامعه، آحاد مردم را به مصرف تولیدات

داخلی و پرهیز از کالاهای مشابه خارجی تشویق کنند.

۱۲. تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، پلی در مقابل تحریم ها

۱۲. تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، پلی در مقابل تحریم ها

خودکفایی ملی در عرصه تولید محصولات و کالاهای مختلف، مهم ترین سلاح ما در برابر تحریم های اقتصادی غرب خواهد بود. مردم ما به خوبی شرایط داخلی و خارجی کشور را درک می کنند و آگاهند که کشورهای غربی برای ضربه زدن به انقلاب اسلامی، تحریم های سختی را علیه جمهوری اسلامی اعمال کرده اند. در این شرایط باید دید که راه مقابله با تهدیدها و تحریم های دشمنان خارجی کدام است تا با انتخاب این راه، همچون دوران دفاع مقدس، با وحدت و همدلی، در برابر بدخواهی ها و دشمنی ها ایستادگی کنیم.

به یقین، رهبر معظم انقلاب اسلامی به دلیل داشتن بصیرت و اطلاع کامل و جامع از مسائل مختلف، بهتر از همه، شرایط را درک و رهنمودهای نوروژی ایشان، راه را برای مردم مشخص کرده است. برای مقابله با تحریم های غیرقانونی و ستیزه جویانه غرب، چاره ای جز خودکفایی و تولید تمام نیازهای بومی نداریم و برای دست یابی به این مهم، بنا بر تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی باید از تولیدات و محصولات داخلی حمایت کنیم و ارزش نیروی کار و سرمایه ایرانی را بدانیم.

۱۳. تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، نقطه مقابل ترفندها و توطئه های دشمنان

۱۳. تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، نقطه مقابل ترفندها و توطئه های دشمنان

تقویت حوزه اقتصاد و تولیدات ملی، موجب بی اثر شدن ترفندها و توطئه های دشمنان در تحریم های اقتصادی خواهد شد. با تدبیر رهبر معظم انقلاب، برنامه های دشمنان، در سال جدید به بن بست خواهد رسید و تلاش و کوشش همه آحاد ملت و مسئولان، به خنثی کردن توطئه های آنان کمک خواهد کرد.

جهاد اقتصادی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، یکی از سنگرهای مهم مقاومت در برابر دشمنان است که رونق اقتصادی و اشتغال زایی در جامعه را موجب خواهد شد. اصلاح ساختار بودجه، از دیگر اقدامات ضروری در جهت تحول اقتصادی است و کاهش وابستگی بودجه کشور به درآمدهای نفتی و رشد تولیدات داخلی، تحریم های نظام سلطه را بی اثر خواهد کرد.

لازمه افزایش تولید ملی، حمایت ملی است و تا زمانی که مردم از تولیدات داخلی حمایت نکنند، تولید ملی نخواهیم داشت. فرهنگ استفاده از تولیدات داخلی، در جامعه باید نهادینه شود و مردم کالاهای ایرانی را بخرند و از خرید کالاهای خارجی صرف نظر کنند. البته با این موضوع مهم، نباید شعاری برخورد کرد، بلکه باید با بسیج همه امکانات و نیروها این شعار، محقق و اجرایی شود.

۱۴. حمایت از سرمایه و نیروی کار ایرانی، محور خودکفایی

۱۴. حمایت از سرمایه و نیروی کار ایرانی، محور خودکفایی

رهنمودهای مقام معظم رهبری در آستانه سال جدید، یک حقیقت و ضرورت برای جامعه امروز ماست. بدیهی است با خوداتکایی، می توان با توطئه های پیچیده دشمنان نظام مقدس اسلامی می توان مقابله کرد. از این رو، باید در مورد تأمین تمام نیازمندی های زندگی، به سوی استقلال و خودکفایی

گام برداریم که محور آن، حمایت از سرمایه و نیروی کار ایرانی است. آنچه در وهله نخست، تولیدات ملی را تقویت می‌کند، خرید تولیدات داخلی است.

برای رسیدن بدین منظور، دولت یک برنامه ریزی صحیح و دقیق به ویژه در مورد واردات کالا داشته باشد و همان گونه که مصالح ملی اقتضا دارد، از تولیدات داخلی، سرمایه و کار ایرانی، در همه ابعاد حمایت کند.

۱۵. حمایت از کار و سرمایه ایرانی، استمرار جهاد اقتصادی

۱۵. حمایت از کار و سرمایه ایرانی، استمرار جهاد اقتصادی

با افزایش تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی دشمنان، رهبر انقلاب، سال گذشته را جهاد اقتصادی نامید تا توطئه‌های شوم دشمنان خنثی شود. نام‌گذاری امسال را نیز با محوریت تولید داخلی و حمایت از آن، در حالی بیان کرده است که اقتصاد کشور در مقام یک جهش و تغییر موقعیت خود از حالت انفعال و تدافع به وضعیت تهاجمی و جهادی قرار دارد. در این شرایط و برای تحقق بخشیدن به اهداف مورد نظر در سال گذشته، بهبود فضای کسب و کار و حمایت از تولیدات ملی، از مهم‌ترین اهدافی است که مجموعه مسئولان کشور همواره آن را دنبال می‌کنند. هدف مقام معظم رهبری از نام‌گذاری سال گذشته به جهاد اقتصادی، مقابله با انواع توطئه‌های دشمنان مانند تحریم‌ها بوده است که لازمه رسیدن به جهاد اقتصادی، خوداتکایی و تقویت تولید ملی است.

در این زمینه باید برای حمایت واقعی از تولیدات داخلی، افزون بر بازاریابی هدفمند در بازارهای جهانی، از واردات بی‌رویه کالاهای غیر ضروری به داخل کشور جلوگیری کرد. اگر از سرمایه‌گذاری‌های داخلی

حمایت شود، شاهد افزایش فرصت‌های شغلی خواهیم بود.

شاخص‌های اقتصادی، تنها با همت و کار مضاعف در زمینه‌های تعریف شده و کارشناسانه الگوی اسلامی _ ایرانی پیشرفت، رشد خواهد کرد.

در اولویت قرار گرفتن تولیدات ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان کشور، می‌تواند برطرف‌کننده این دغدغه باشد.

۱۶. تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، به منظور رهایی از وابستگی به کشورهای غربی

۱۶. تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، به منظور رهایی از وابستگی به کشورهای غربی

کشوری که به دنیای خارج وابسته باشد؛ نمی‌تواند در مقابل محدودیت‌ها، توان‌مندانه بایستد. از این رو، تولید ملی، یکی از مؤلفه‌های مهم و اثرگذار در خنثی کردن تحریم‌ها و توطئه‌های دشمنان است. دولت نمی‌تواند سهم خود را در اقتصاد افزایش دهد. بنابراین، دولت باید مکمل بخش خصوصی باشد و با تقویت و افزایش مشارکت این بخش در اقتصاد، زمینه رشد و تولید ملی را فراهم سازد.

برای محقق شدن تولید ملی، نیازمند الگوی اقتصادی هستیم. برای مثال، اقتصاد ایران به طور متوسط ۳/۵ درصد رشد داشته است که اگر بخواهیم تولیدمان تقویت شود، باید به رشد ۸ درصد برسیم. از این رو، باید زنجیره تولید را به گونه‌ای متحول کنیم که تمامی فرآیند تولید، در داخل کشورمان انجام شود و این، نیازمند تحول در صنایع داخلی است.

تقویت بخش خصوصی، مهم‌ترین عامل تقویت تولید ملی است و اقتصاد تا زمانی که دولتی باشد، در بهترین وضعیت رشد، تولید آن از ۶ درصد افزایش نمی‌یابد. بر این اساس اگر بخواهیم تولید صنعتی افزایش یابد، باید

نقش بخش خصوصی در اقتصاد را بالا برد و بر سهم مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد افزود. گفتنی است بخش خصوصی ظرفیت‌های نهفته‌ای دارد که اگر از آن استفاده شود، می‌توان شکاف رشد تولید از ۳/۵ تا ۸ درصد را از بین ببرد.

طرح هدفمندسازی یارانه‌ها نیز بدون تقویت بخش خصوصی، طرح ناتمامی خواهد بود و در این زمینه دولت نمی‌تواند سهم خود را در اقتصاد افزایش دهد، بلکه هدف اصلی دولت باید تقویت تولیدکننده در بخش خصوصی باشد. بنابراین، به نوسازی صنعت ایران، در مرحله بعدی هدفمندسازی یارانه‌ها باید توجه شود. دولت به جای اینکه خود، تولیدکننده باشد، باید به عنوان مکمل بنگاه‌های تولیدی عمل کند و با رفع نیازهای آنان، زمینه رشد و تولید ملی را فراهم سازد.

۱۷. تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، جنبشی برای پاسداری از «تولید ملی»

اشاره

۱۷. تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، جنبشی برای پاسداری از «تولید ملی»

سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، دوره‌ای پرمآجرا از تاریخ کشورمان است که نهضت ملی شدن صنعت نفت را باید قله پرافتخار دانست. آنچه موجب می‌شود این رویداد را یکی از نقاط افتخار تاریخ ملت ایران بدانیم، فقط ملی شدن صنعت نفت از نظر اقتصادی نیست که ظاهر مسئله تلقی می‌شود، بلکه واقعیت بس بزرگ‌تر و خطیرتر، در پس آن نهفته است که همانا دست‌یابی ایرانیان به پیروزی ارزشمندی در مسیر استعمارستیزی و نفی سلطه بیگانگان است.

نهضت ملی شدن صنعت نفت دو بخش داشت که یک بخش آن، شیرین بود، اما بخش دیگرش، تلخ و ناگوار. در این نهضت، یک قوس صعودی و

یک قوس نزولی مشاهده می شود که هر یک، عوامل و دلایل خاص خود را دارند. در این نوشتار، بررسی قوس صعودی این نهضت پرافتخار مورد نظر است که سرانجام در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ به بالاترین حد خود رسید.

الف) صنعت نفت ایران پیش از ملی شدن

الف) صنعت نفت ایران پیش از ملی شدن

برای رسیدن به درک درست از نهضت ملی شدن صنعت نفت __ که می توان از آن با عنوان «نهضت مبارزه با سلطه بیگانگان» به معنای گردن فزایی ایرانیان در مقابل استعمار انگلیس به منظور دفاع از منافع ملی خویش یاد کرد __ لازم است ریشه ها و پیشینه تاریخی این نهضت را بررسی کرد.

در کل پس از بستن قرارداد داری در سال ۱۲۸۰ شمسی / ۱۹۰۱ م، انگلیسی ها به منبعی عظیم از ثروت ایرانیان دست یافتند. به دلیل قدر و قیمت بی پایان این گنج، به فاصله کمی پس از یافتن آن، به منظور تضمین ثبات قرارداد، دولت انگلیس با خریداری ۵۱ درصد از سهام «شرکت بهره برداری اولیه»، که داری آن را به منظور انجام دادن مطالعات و حفاری های اکتشافی تأسیس کرده بود، «شرکت نفت انگلیس و ایران» را ایجاد کرد. به این ترتیب، ایران که نخست بر سر قرارداد یاد شده با شخصی حقیقی توافق کرده بود، ناگهان با دولت بریتانیا روبه رو شد که بزرگ ترین قدرت استعماری و نظامی آن زمان به شمار می آمد.

با آغاز جنگ اول جهانی، پالایشگاه آبادان به بزرگ ترین پایانه سوخت گیری کشتی های جنگی و باری انگلیسی تبدیل شد و ثروت و سرمایه ایرانیان با سرعتی بیشتر و در ابعادی گسترده تر به یغما رفت. با این حال، پی آمدهای منفی این چپاولگری انگلیسی برای ایرانیان سبب شد مسئله

نفت و اقدام دولت استعمارگر بریتانیا توجه مردم ایران را به خود جلب کند و آنها به فکر پس گیری حقوق خود در این زمینه بیفتند. از همین رو، گفت و گوهای میان هیئت مدیره شرکت نفت انگلیس و ایران و عبدالحسین تیمورتاش، وزیر دربار وقت ایران، برای اصلاح قرارداد داری ۱۳۰۸ آغاز شد. این مذاکرات تا سال ۱۳۱۱ ادامه یافت. در این سال ناگهان اتفاق مهمی روی داد که افزون بر نفت، بر سرنوشت سیاسی ایران نیز اثر بسزایی گذاشت؛ زیرا شرکت نفت انگلیس و ایران به وزارت دربار و وزارت دارایی ایران اطلاع داد که عایدی کشور ما از حق الامتیاز نفت برای سال ۱۳۱۰، مبلغ ۳۰۶۸۱۲ لیره است، در حالی که مبلغ یاد شده، نزدیک به یک چهارم مبلغ سال گذشته بود.

با کاهش شدید میزان حق امتیاز پرداختی به ایران، مخالفت ها علیه شرکت نفت و قرارداد داری بالا گرفت و فضا برای لغو قرارداد داری آماده بود. رضاشاه در شب ششم آذر ۱۳۱۱ در نشست هیئت دولت، لغو این قرارداد را با اقدامی عجیب و به شدت سؤال برانگیز رقم زد. او پرونده قرارداد داری را که اصل قرارداد، صورت جلسه مذاکره ها با طرف های مقابل، اسناد و نامه نگاری های انجام شده در این زمینه را در بر می گرفت، به درون بخاری انداخت و سوزاند.

در پی ملغی اعلام شدن امتیاز داری، نامه نگاری ها میان دولت ایران و شرکت نفت ادامه یافت و نامه های متعددی رد و بدل گردید. در همین حال، مردم ایران از الغای امتیاز داری به دست رضاشاه، خوشحال و در انتظار بودند تا حقوق مسلم آنها از نفت، در قرارداد بعدی تأمین شود. از سوی دیگر، دولت انگلیس شکایتی علیه ایران در جامعه ملل مطرح کرد، اما

سرانجام با توجه به اعلام آمادگی ایران برای عقد قرارداد جدید، قرار شد هیئت های ایرانی و انگلیسی بدین منظور با هم گفت و گو کنند.

در مذاکره های دو هیئت، نمایندگان ایران بر پرداخت شش شیلینگ برای هر تن و نمایندگان انگلیس بر پرداخت دو شیلینگ برای هر تن بابت حق الامتیاز ایران، اصرار می کردند و این مهم ترین موضوع مورد اختلاف آنها بود تا جایی که مذاکرات، در ظاهر به بن بست رسید. در این زمان، رضاشاه خود وارد میدان شد و دستور داد حد وسط را برای انعقاد قرارداد در نظر بگیرند. این گونه بود که حق الامتیاز ایران به چهار شیلینگ در هر تن تعیین شد و افزون بر این، مدت قرارداد نیز تمدید گردید.

به این ترتیب، انگلیس پس از بستن قرارداد داری، به دومین موفقیت بزرگ خود در تضمین استمرار چپاول منابع ملی ایرانیان دست یافت. بر اساس قراردادی که امضا شد، امتیاز نفت تا سال ۱۳۷۲ خورشیدی / ۱۹۹۳ م.، یعنی به مدت شصت سال از زمان انعقاد، در اختیار انگلیس قرار گرفت، حال آنکه قرارداد داری در سال ۱۳۴۰ به پایان می رسید.

(ب) چگونگی ملی شدن صنعت نفت ایران

(ب) چگونگی ملی شدن صنعت نفت ایران

رضاشاه پس از بستن این قرارداد تا هشت سال دیگر، یعنی سال ۱۳۲۰، به حکومت استبدادی خود در ایران ادامه داد و در این مدت، هیچ کس نتوانست علیه این قرارداد موضع گیری کند، اما پس از سقوط وی، فضای سیاسی کشور دست خوش تغییر و تحولاتی شد که امکان بحث و گفت و گو درباره این قرارداد فراهم آمد. در چنین وضعی بود که دوران استبدادی رضاشاه را سیاست مداران و مذهبی های استقلال طلب و آزادی خواه، بازبینی و نقد کردند

و در این چارچوب، اظهار نفرت از سیاست های استعماری انگلیس، که به استقرار دیکتاتوری بیست ساله بر ایران و چپاول سرمایه های ملی ایرانیان انجامیده بود، رو به فزونی گذاشت.

در روز هفتم آبان ۱۳۲۳، دکتر محمد مصدق، نماینده مردم تهران در مجلس چهاردهم، با ایراد نطقی، آشکارا بستن قرارداد ۱۳۱۲ در دوران رضاشاه را خیانتی بزرگ به ایران و ایرانیان دانست. در این نطق که خود سندی مهم در تاریخ سیاسی کشورمان به شمار می آید، گفته شد: «اگر امتیاز داری تمدید نشده بود، از سال ۱۹۶۱ به بعد دولت نه تنها به صدی ۱۶ عایدی حق داشت، بلکه صدی صد، عایدات حق دولت بود ... بنابراین، صدی ۸۴ از عایدات که در ۱۹۶۱ حق دولت می شود، بر طبق قرارداد جدید، کمپانی آن را تا ۳۲ سال دیگر می برد. ۱۲۶ میلیون لیره انگلیسی از قرار ۱۲۸ ریال، ۱۶ میلیارد و ۱۲۸ میلیون ریال می شود و تاریخ عالم نشان نمی دهد که یکی از افراد مملکت به وطن خود در یک معامله، ۱۶ میلیارد و ۱۲۸ میلیون ریال ضرر زده باشد و شاید مادر روزگار دیگر نزاید کسی را که به بیگانه چنین خدمتی کند!»

در این حال، آیت الله کاشانی که در خرداد سال ۱۳۲۳، به دلیل سابقه فعالیت های سیاسی و نظامی ضد انگلیسی خود در عراق و ایران، به دست نیروهای اشغال گر انگلیسی دستگیر و تبعید شده بود، در ۳۱ شهریور ۱۳۲۴، در میان استقبال باشکوه مردم، وارد تهران گردید. با حضور این شخصیت مهم مذهبی و سیاسی در پایتخت و همکاری چشم گیر میان ایشان و دکتر مصدق، نهضت استقلال طلبانه مردم ایران، قدرت و قوتی دوچندان یافت. مسئله نفت و ضرورت استیفای کامل حقوق ملت در این زمینه، موضوع

محوری بود که رجال سیاسی و مذهبی و مردم را در یک مسیر واحد به پیش می برد. به این ترتیب، هر روز بیش از پیش، با صدور اعلامیه ها، سخنرانی ها و درج مقاله های روشنگرانه در روزنامه ها، از خیانت بزرگی که رژیم مستبد رضاشاه در حق ملت ایران روا داشته بود، پرده برداشته می شد.

وحدت و همدلی میان رهبران و فعالان نهضت ملی شدن صنعت نفت را حاصل چنین شور و شعوری می توان خواند و چنان فضایی را فراهم آورده بود که هیچ یک از اقدامات و ترفندهای انگلیس و عوامل آن در مقابل این حرکت پر قدرت و شتابنده، کارآیی لازم را نداشت. مردمی که اینک به عمق خیانت و خسارت وارد شده بر خود با امضای امتیازنامه ۱۳۱۲ پی برده بودند، جز به الغای کامل آن و ملی شدن صنعت نفت رضایت نمی دادند.

پس از مدت کوتاهی انگلیسی ها نیز به این واقعیت پی بردند و به سرعت طرح های جدید برای مقابله با وضعیت موجود ارائه دادند. از نظر آنها، ملی شدن صنعت نفت، بدترین اتفاقی بود که می توانست بیفتد؛ زیرا آنان نیز به خوبی به این واقعیت اذعان داشتند که این واقعه، نه تنها مسئله ای اقتصادی، بلکه بیش از آن، حرکتی برای بازیابی استقلال و ترمیم روحیه آسیب خورده ایرانی و دمیده شدن روح خودباوری و اعتماد به نفس در جامعه ایرانی است. آنها سالیان بسیار به شیوه های متفاوت کوشیده بودند چنین روحیه ای را تخریب و نابود کنند.

القای این تفکر که ایرانیان، ملت عقب افتاده ای هستند که باید در تمامی شئون زندگی خود، غرب و اروپا را الگوی خود قرار دهند و به تعبیری «از فرق سر تا نوک پا فرنگی شوند»، یکی از شیوه های خرد کردن روحیه خودباوری در مردم ایران بود. از سوی دیگر، سیاست مداران مزدبگیر

انگلیس، ابزار دیگری بودند که در کنار روشن فکران غرب زده، جاده صاف کن استعمار در این آب و خاک به شمار می رفتند. صنعت و فن آوری وارادتی غرب نیز که فقط زیر نظر مهندسان و متخصصان غربی اداره می شد و از نیروهای ایرانی جز در مشاغل پایین و پست بهره گرفته نمی شد، مانع دیگری برای رشد روحیه خودباوری در مردم ایران به شمار می رفت.

بنابراین، حرکت به سوی «استیفای حقوق ملت ایران از صنعت نفت جنوب»، اقدامی نبود که پی آمدهای آن از نظر انگلیس پنهان باشد و به همین دلیل، بلافاصله پس از جدی دانستن خطر، طرح های پیش گیرانه به منظور جلوگیری از دست یابی ملت ایران به نقطه نهایی این حرکت، به صحنه آورده شد که مهم ترین آنها، موافقت نامه «گس — گلشایان» بود. بر اساس این موافقت نامه که سپس در قالب «لایحه الحاقی» برای تصویب به مجلس پانزدهم تقدیم شد، انگلیس، موافقت خود را با اندکی افزایش مزایای ایران در زمینه سهم الامتیاز بیان کرده بود تا بلکه ایرانیان را از ادامه این مسیر باز دارد، اما این ترفند نیز در آن وضعیت حساس که روح وحدت و همدلی بر تمامی شخصیت های استقلال طلب حاکم بود، راه به جایی نبرد.

با پایان یافتن عمر مجلس پانزدهم در ششم مرداد ۱۳۲۸، نهضت ملی ایرانیان فصل جدیدی از حرکت خود را آغاز کرد که ادامه آن، به تشکیل مجلس شانزدهم و سرانجام به تصویب طرح ملی شدن صنعت نفت انجامید.

در تحلیل عوامل پیروزی این نهضت نیز گذشته از ملت ایران که پشتوانه ای محکم و مصمم برای پیشبرد این حرکت ضد سلطه به شمار می آمد، می توان از سه رکن نام برد که نبود هر یک از آنها موجب بی نتیجه ماندن فعالیت ها و کوشش های دو رکن دیگر می شد. این سه رکن — بدون

قائل شدن به رتبه بندی در میان آنها __ عبارتند از: آیت الله کاشانی و نیروهای مذهبی؛ دکتر مصدق و نیروهای ملی؛ نواب صفوی و فداییان اسلام.

همان گونه که حسین مکی گفته است، مصدق پس از ارسال نامه برای مجلس پانزدهم، دوباره وارد گود سیاست شد و از آنجا که عمر این مجلس پایان یافته و مبارزات انتخاباتی برای مجلس شانزدهم آغاز شده بود، وی در رأس نیروهای ملی مخالف لایحه الحاقی قرار گرفت. در این هنگام، عبدالحسین هژیر __ عامل سرشناس و قدرتمند انگلیس که در مقام وزارت دربار قرار داشت __ انتخابات را به گونه ای برنامه ریزی کرده بود که حتی یک نفر از مخالفان لایحه الحاقی نیز وارد مجلس شانزدهم نشود و کار تصویب این لایحه با سهولت انجام شود. اعتراض های دکتر مصدق و جمعی از نیروهای ملی و تحصن آنها در دربار در ۲۲ مهر ۱۳۲۸ نیز اگرچه به تشکیل جبهه ملی انجامید، هیچ دستاوردی را در اصلاح وضعیت نداشت و چنانچه فداییان اسلام وارد عرصه نمی شدند و به اقدام انقلابی خود در برداشتن هژیر از سر راه دست نمی زدند، نهضت ملی نمی توانست راه خود را ادامه دهد.

در ادامه این مسیر نیز دوباره سد و مانع عظیم تر و سخت تری در مقابل نهضت ملی قرار گرفت و آن، سپهبد رزم آرا بود. بدون تردید، اگر فداییان اسلام، رزم آرا را از سر راه بر نمی داشتند، نه مصدق و نه کاشانی، هیچ یک قدرت به ثمر رساندن نهضت ملی شدن صنعت نفت را نداشتند و بلکه با شدت تمام سرکوب می شدند. از سویی نیز این گونه اقدامات فداییان اسلام فقط در صورت حضور کاشانی و مصدق در صحنه می توانست به یک هدف مشخص برسد و گرنه صرفاً به یک سلسله ترورهای کور تبدیل می گردید.

حضور شخصیتی همچون آیت الله کاشانی که ضمن برخورداری از دقت و درایت سیاسی در دفاع از استقلال کشور، نفوذ معنوی بسیار و قدرت بسیج کنندگی بی مانندی در جامعه داشت، قطعاً پشتوانه بسیار محکم و اطمینان بخشی برای نیروهای ملی به شمار می آمد و راه ها را برای فعالیت های سیاسی و پارلمانی مصدق و اطرافیانش می گشود.

در همین حال نباید فراموش کرد که چنانچه مصدق، در مقام شخصیت قدرتمند سیاسی و پارلمانی، محوریت حرکت استقلال طلبانه را در مجلس بر عهده نمی گرفت، این حرکت نمی توانست از انسجام و قدرت لازم برای پیشبرد اهداف خود در آن وضعیت سخت و حساس برخوردار باشد. چه بسا تمامی شور و هیجان عمومی برخاسته در این دوران، به دلیل نبود هسته مرکزی اجرایی و عملیاتی قوی، به تدریج فروکش می کرد و حتی به ناامیدی و سرخوردگی تبدیل می شد. بنابراین، آنچه نهضت ملی را به ثمر رسانید، تعامل و همکاری صمیمانه و تنگاتنگ این سه رکن بود.

بدین سان ایرانیان در آخرین روز از سال ۱۳۲۹ به این آرزوی دیرینه خود رسیدند و مهم تر از مسئله ملی شدن صنعت نفت، «جشن پیروزی بر استعمار انگلیس» را به همراه جشن های نوروزی سال ۱۳۳۰ برگزار کردند.

۱۸. خودکفایی اقتصادی

۱۸. خودکفایی اقتصادی

در شرایطی که معاندان و بدخواهان نظام اسلامی هجمه گسترده ای را علیه عرصه های اقتصادی کشورمان به راه انداخته اند، خودکفایی اقتصادی، در عزت و اقتدار ملت ایران نقش اساسی ایفا می کند. در سال های گذشته با امدادهای غیبی الهی، رهنمودهای حکیمانه رهبر انقلاب و ایستادگی و

پای مردمی مردم غیور ایران اسلامی، دشمنان همواره از شکست نظام مقدس جمهوری اسلامی ناامید بودند و توطئه‌هایشان نقش بر آب شده است.

رشد و شکوفایی تولید ملی در کشورمان و گسترش مصرف کالای داخلی، خودکفایی ایران اسلامی، رهایی از وابستگی به واردات و شکست تحریم‌های مستکبران غربی را به دنبال دارد.

ایران اسلامی در طول بیش از سه دهه تحریم و تهدید دشمنان، روز به روز در عرصه‌های مختلف رشد کرده است و وابستگی‌های او کاهش می‌یابد. دشمنان با مشاهده عزم و اراده راسخ ملت ایران، از ادامه دادن توطئه‌های شوم خود پشیمان خواهند شد و کشورمان همواره سربلند و پیروز خواهد بود.

فصل چهارم: تحقق حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی

اشاره

فصل چهارم: تحقق حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی

رسیدن به نتایج و اهداف تبیین شده، تنها در صورتی ممکن خواهد شد و لذت کامیابی در تحقق حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی را نصیب مردم و کارگزاران نظام می کند که برای رسیدن به آن، لوازم و پیش نیازها و در واقع بایدهای آن مد نظر قرار گیرد.

معاندان و بدخواهان نظام جمهوری اسلامی در طول بیش از سه دهه گذشته، تهدیدها و تحریم‌های گسترده‌ای را علیه ایران به راه انداخته‌اند که ملت ایران اسلامی در طی این سال‌ها همه توطئه‌ها و حمله‌های دشمنان را با صبر و استقامت و پایداری، پیروزمندانه پشت سر گذاشته و امروز گام‌های بلندی را برای رسیدن به قله‌های پیشرفت و تعالی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، علمی و اجتماعی برداشته است. همچنین بر ضرورت حمایت از تولید داخلی، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها و افزایش فعالیت‌ها در بخش‌های اقتصادی تأکید می‌شود و این مهم در جهت ایجاد اشتغال و ریشه کن شدن بی‌کاری، رشد اقتصادی و کاهش تورم نقش بسزایی ایفا

پای بندی عملی دولت و ملت به این بایسته‌ها، راهگشای حرکت و برطرف کننده موانعی است که در پیش روی آینده روشن ملت وجود دارد و بر همین اساس نیز رهبر انقلاب بر آن تأکید کرده است.

۱. ایجاد زمینه برای رشد و شکوفایی اقتصادی

۱. ایجاد زمینه برای رشد و شکوفایی اقتصادی

در چند سال اخیر با تدابیر خردمندانه رهبر انقلاب، همه زمینه‌ها برای رشد و شکوفایی اقتصادی کشورمان فراهم آمده و کشورمان از جهت اقتصادی، ظرفیت‌ها و توان مندی‌های گسترده‌ای را به نمایش گذاشته است.

امروز، نظام جمهوری اسلامی با همت و استقامت همه مردم و مسئولان، در عرصه‌های مختلف محکم روی پاهای خود ایستاده است. همه زمینه‌ها و ظرفیت‌ها برای رشد و شکوفایی بخش‌های اقتصادی در کشور به وجود آمده و نام‌گذاری حکیمانه و الهام دهنده رهبری می‌تواند ظرفیت‌های بالقوه ایران اسلامی را بیش از پیش شکوفا سازد.

بدون تردید، شعار امسال رهبر انقلاب مبنی بر «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» در به وجود آوردن شرایط رشد و تعالی کشور اثرگذار خواهد بود، به شرطی که برنامه‌ریزی جدی و گسترده علمی با تکیه بر توان مندی‌های بومی در این زمینه صورت پذیرد.

۲. حمایت از تولید ملی، نیازمند دغدغه عمومی

۲. حمایت از تولید ملی، نیازمند دغدغه عمومی

در سال‌های اخیر، تلاش‌های انجام شده در دولت، مجلس و سایر ارکان حکومت در موضوع‌هایی مانند هدفمند کردن یارانه‌ها، اصلاح نظام بانکی،

بازنگری قانون گمرک، سهام عدالت و... نشان داد که مجموعه اجرایی و تقنینی کشور به خوبی از اهمیت نیاز رشد اقتصادی جامعه آگاهند و با جدیت مشغول رفع کاستی ها و قانون گذاری لازم در این زمینه هستند، اما بدون شک، در این زمینه، مردم هم نقشی انکارنشدنی را ایفا می کنند. حلقه گم شده رشد اقتصادی، نیاز به حرکتی بود که رهبری انقلاب در سال گذشته آن را حرکت جهادگونه اقتصادی نام نهاد و همگان را به کاری جهادی در حوزه اقتصاد فرا خواند، ولی شاید در سالی که گذشت، آن گونه که باید و شاید، به جزییات جهاد اقتصادی توجه لازم نشد و مسایلی چون اختلاس بزرگ بانکی و درگیری های سیاسی، جای هم فکری مجموعه کشور برای تبیین خواست رهبری را گرفت. شاید به همین دلیل بود که ایشان، سال جدید را در ادامه جهاد اقتصادی و در حوزه مهمی به نام تولید ملی نام گذاری کرد.

اکنون در سال پیش رو، دغدغه عمومی کشور باید روی موضوعی متمرکز باشد که به یقین، نظام جدیدی از مدیریت تولید در کشور را رقم خواهد زد. حمایت از تولید داخلی و حمایت از سرمایه گذار و کارگر داخلی سبب خواهد شد توسعه پایدار، مقدمه ای برای تبدیل تولیدات داخلی به محصول باکیفیت، در درجه اول برای مصرف کشور و در درجه بعدی برای یک تولید صادرات محور باشد و زمینه ساز تبدیل ایران به یک قدرت اقتصادی شود. البته باید توجه داشت که انقلاب اسلامی از ابتدای شکل گیری خود به موضوع خود کفایی در عرصه های مختلف توجه زیادی داشته و بخشی از اقتدار ایران امروز، مرهون ایستادگی و پافشاری بر آرمان هایی است که هیچ گونه وابستگی را بر نمی تابد. البته شاید تحقق منسجم تر آن، به همان

فرهنگی نیاز داشته باشد که رهبری خواستار اشاعه آن در میان مردم، برای مصرف کالای داخلی و در میان تولیدکنندگان، برای تولید کالای باکیفیت شده است. حال اگر تلاش و سرمایه کشور در سال ۱۳۹۱ روی موضوع تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌داران متمرکز شود، تقویت نظام اقتصادی کشور شکست سنگینی را برای تحریم‌های غرب رقم خواهد زد. در این حالت، کشورهایی که خود درگیر بحران اقتصادی هستند، ثمره تلاش نظامی دینی برای تأکید بر مستقل بودن را خواهند دید و از سویی هم مردم ثمره اقتصادی پویا را در زندگی خود احساس خواهند کرد.

۳. توجه به موضوع بهره‌وری در کار و تولید

۳. توجه به موضوع بهره‌وری در کار و تولید

با توجه به تحریم‌های اقتصادی کشور و ظرفیت‌های کلان اقتصادی تعطیل شده در بخش‌های مختلف صنعتی و کشاورزی به دلیل برخی سیاست‌گذاری‌ها؛ وجود ظرفیت‌های متعدد بالقوه جهت بهره‌برداری از ذخایر خدادادی مانند سوخت‌های فسیلی؛ ذخایر معدنی مختلف و بسیار متنوع و نیروی انسانی کارآزموده، ایجاد فرآیندی منطقی در حمایت از صنایع مختلف و ایجاد اشتغال واقعی و پایدار به ویژه پاسداری از اشتغال موجود را می‌توان از اهداف تولید و بهره‌وری داخلی برشمرد.

این نام‌گذاری در واقع یک نشانه و سیاست خوانده می‌شود که با توجه به شرایط کنونی کشور، از اهمیت مبحث تولید و حفظ سرمایه‌های داخلی در جهت رشد و توسعه کشور خبر می‌دهد. البته رسیدن به این هدف مهم و متعالی، نیازمند توجه جدی دولتیان به عنوان مجریان اقتصاد کلان کشور و نیز قوه مقننه به عنوان سیاست‌گذار و قوه قضاییه به عنوان ضابط نظام در

عرصه حمایت از فعالیت‌های سالم اقتصادی است.

در حال حاضر، دغدغه اصلی کشور به ویژه بخش خصوصی، «حمایت نشدن بخش تولید» است. توجه به بخش تولید و افزایش بهره‌وری و نیز حفظ سرمایه‌های ملی، امروزه با چالش‌های جدی روبه روست که باید در مرحله نخست، این دغدغه‌ها شناسایی و رفع شود تا زمینه برای ایجاد بهره‌وری و اشتغال پایدار فراهم آید. اما این موانع کدامند؟

بسیاری از قوانین موجود نه در جهت تقویت تولید و سرمایه‌گذاری پایدار، بلکه ضد تولید است. تصویب قوانین مختلف بدون در نظر گرفتن شرایط و ویژگی‌های بخش تولید و وجود قوانین متناقض در این زمینه، هزاران کارگاه در کشور را به تعطیلی کشانده است. برای مثال، صدها کارخانه کوچک و متوسط در نقاط مختلف کشور با مواد اولیه صنایع پتروشیمی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و گرفتن وام‌های بانکی در دهه‌های اخیر در شهرک‌های صنعتی تأسیس و موجب ایجاد اشتغال و افزایش تولیدات مواد مختلف مصرفی شده بودند. ناگهان با یک سیاست جدید، بدون توجه به چگونگی حمایت از این کارگاه‌ها یعنی آزادسازی نرخ مواد اولیه پتروشیمی، کارخانه‌هایی که از یک سو توان رقابت با انواع محصولات مشابه خارجی را نداشتند و از سوی دیگر، با افزایش نرخ دستمزد؛ عوارض و مالیات؛ حمل و نقل؛ حامل‌های سوخت و... روبه رو شدند، یکی بعد از دیگری تعطیل و صدها نفر شاغل نیز بی‌کار گردید. کارآفرین‌هایی هم که دولت باید از آنها حمایت می‌کرد، در سطح وسیع تعطیل شدند و برای نمونه، بیش از صد کارخانه تولید کیسه‌های مورد استفاده در صنایع آرد و... از ادامه فعالیت باز ماندند.

چون در آزادسازی مواد پتروشیمی هیچ گونه بسته حمایتی برایشان تعریف نشد، بخش خصوصی فعال در این صنعت نیز سرمایه خود را از دست داد و به عنوان مدیون بانکی، به یک بدهکار با ناتوانی در پرداخت بدهی تبدیل شد و سر از زندان درآورد. کارخانه‌ها را نیز بانک‌ها مصادره کردند، بدون اینکه امکان راه اندازی دوباره آن موجود باشد و صدها میلیارد تومان از سرمایه‌های ملی تاکنون در کشور به علت سیاست‌گذاری‌های غلط اقتصادی و تصمیم‌های آبی، چنین به هدر رفته‌اند.

مسئله مهم دیگر در مسیر حفظ افزایش تولید ملی و استفاده بهینه از سرمایه‌گذاری، مسئله‌ای به نام خصوصی سازی در کشور است که اگرچه بر اساس نسخه‌های لیبرالی تنظیمی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بر اساس اقتصاد سرمایه داری برای اقتصاد بیمار ایران از دوران سازندگی پیچانده شده، همین سیاست‌های سرمایه داری هم که دارای نکاتی است: از قبیل حمایت از بخش خصوصی و ایجاد فضای رقابتی در کشور اجرا نشده است و اصولاً کشوری که اقتصاد غیر شفاف دارد، خصوصی سازی به عنوان یک رانت برای وابستگان به مراکز قدرت، موجب تنومند شدن اقتصادی افرادی در کشور شده است که قدرت را در اختیار دارند. واگذاری بخش دولتی به بخش خصوصی که به منظور کاهش تصدی‌گری بخش دولتی نیز از رهگذر ارتقای کیفیت تولیدات همراه با قیمت رقابتی، ایجاد فضای رقابتی در بخش خصوصی مورد نظر بوده، از دوران سازندگی تاکنون به دو علت ناکام مانده است:

۱. ناکامی خصوصی سازی در کشور

بسیاری از صنایع مادر، کارخانجات و کارگاه‌های بزرگ تولیدی و خدماتی،

به نام خصوصی سازی با نادیده گرفتن ماهیت واگذاری و خصوصی سازی، به افراد صاحب قدرت و مرتبط با قدرت واگذار شده است؛ واگذاری‌هایی که در هر کشور پیشرفته اگر به این شیوه انجام می‌شد، موجب برپایی اعتراض‌های وسیع و حتی استعفای چند وزیر و برخورد قاطعانه با سودجویان می‌شد. چرا ریال به ریال سرمایه گذاری انجام شده در این کارخانه‌ها و شرکت‌ها متعلق به همه ایرانیان است، اما متأسفانه فراوان می‌بینیم که کارخانه‌ها و شرکت‌های بزرگ، زیر قیمت روز، به بهای اندک و تمام قسط و... به افراد خاص واگذار می‌شوند و این افراد یک شبه به ثروت‌های میلیاردی نامشروع می‌رسند.

در این نوع خصوصی سازی، چند اتفاق مهم و البته نامبارک و ضد تولیدی رخ داده که موجب ائتلاف سرمایه‌های ملی شده است: اول اینکه کارخانه‌ها و شرکت‌ها به افراد صاحب رانت _ که با منافع قدرت مرتبطند _ با هدف کسب سودهای هنگفت و نامشروع با عنوان مؤسسه‌های خیریه و شرکت‌های حقوقی واگذار شده است.

دوم اینکه این نوع واگذاری‌ها موجب شده صنایع مختلف به بهانه خصوصی سازی بدون در نظر گرفتن توانایی‌های فرد خریدار واگذار شود، یعنی به تجربه‌های او در زمینه دانش فنی مرتبط با صنایع و شرکت‌های واگذار شده توجه نمی‌شود. همچنین سبب شده بسیاری از صنایع واگذار شده در دو دهه اخیر به علت ناتوانی فرد خریدار در راهبری واحد صنعتی و مدیریت نادرست تعطیل شوند و هزاران نفر شغل خود را از دست بدهند.

گواه اینکه در این مدت اعتراض‌های کارگری فراوانی را شاهد بوده‌ایم که یک کارخانه تولیدی بعد از واگذاری، با انباشته شدن بدهی‌ها از ادامه

فعالیت باز می ماند و کارگران خود را در نهایت با حجمی، از مطالبات و حقوق معطل مانده چند ماهه اخراج می کردند.

۲. حمایت نکردن از کارآفرین و سرمایه گذار

وجود بوروکراسی وسیع اداری و کاغذبازی‌ها برای ایجاد یک واحد تولیدی، سرمایه گذار را از ادامه انگیزه‌اش برای کارآفرینی و تولید و اشتغال پشیمان می کند. در این میان، به جرئت می توان مدعی شد که هیچ گونه حمایت قانونی از کارآفرین نمی شود. تنها کافی است سری به اداره های کل مرتبط با صدور پروانه بهره برداری و موافقت اصولی زد تا به این واقعیت پی برد که دستگاه‌های مختلف اداری، یک کارآفرین را به جای اینکه در مسیر ارزشمند کارآفرینی حمایت کنند، چگونه با بی احترامی و غضب از خود می رانند! انجام دادن انبوه استعلام ها توسط متقاضی از اداره های مختلف؛ خرید زمین؛ همکاری مناسب نداشتن بخش بانکی؛ پرداخت هزینه‌های متعدد و گزاف بابت کارشناسی؛ تهیه نقشه‌های مختلف و... موجب می شود افراد با انگیزه نیز از ادامه کار باز بمانند.

در بخش‌های مختلف تولیدی کشور اعم از صنایع، کشاورزی و... یکی از عوامل مهم موفقیت که به توسعه اقتصادی منجر می شود، توجه به نخبگان کشور است. در حال حاضر، واقعیت‌های اقتصادی کشورهای پیشرفته و توسعه یافته‌ای همچون ژاپن و کانادا، نشان دهنده موفقیت چشم گیر اقتصادی این کشورها بر اساس توجه به نیروی انسانی نخبه است. واقعیت های کشور ما نیز از خروج سالانه انبوه نیروهای نخبه و صاحب ایده خبر می دهد که کشور هر سال دست کم پنجاه میلیارد تومان فقط بابت هزینه‌های تحصیل ایشان، متحمل خسارت می شود.

همین نیروهای نخبه و صاحب فکر را کشورهای توسعه یافته با آغوش باز می پذیرند و حمایت می کنند و با اعطای امکانات مناسب معیشتی، مالی و تحقیقاتی، از رهگذر تحقق ایده‌های خلاقانه و به کارگیری در جایگاه مناسب و مورد علاقه وی منشأ تولید ثروت فراوانی در این کشورها می شوند. در اهمیت حمایت از نخبگان، همین بس که وقتی تصدی بخش های اقتصادی، صنعتی و کشاورزی کشور به دست نیروهای خلاق و نخبه باشد، به یقین می توان ضمن هدایت و مدیریت صحیح این واحدها، تحقق بخشیدن به ایده‌های خلاقانه، ایجاد تحول در ارائه خدمات و تولیداتی که توان رقابت با انواع خارجی را داشته باشد، در جهت حفظ و گسترش اشتغال و تولید کیفی تر گام برداشت.

۴. مدیریت نرخ ارز برای حمایت از تولید ملی

۴. مدیریت نرخ ارز برای حمایت از تولید ملی

مدیریت نرخ ارز همواره یکی از مسائلی بوده که سرمایه گذاران و فعالان اقتصادی بر ضرورت آن تأکید داشته اند. با توجه به نام گذاری سال گذشته به سال جهاد اقتصادی و اولویت دار بودن موضوع اقتصاد در سال جاری، فعالان اقتصادی در مدیریت نرخ ارز به عنوان یکی از شاخص های مهم حمایت از تولید ملی، اشتغال و کنترل تورم تأکید می کنند.

یکی از دغدغه‌های همیشگی در کشور، لزوم مدیریت نرخ ارز بوده است و این موضوع اهمیت خاصی دارد؛ چراکه عامل اثرگذار بر قیمت تمام شده کالاهای تولیدی، دستمزد، مواد اولیه، هزینه‌های مربوط به انرژی، مالی، استهلاک و مانند آن است، اما در بحث نفت، به دلیل استخراج از چاه نفت، سهم هزینه مواد اولیه آن صفر است. بنابراین، در قیمت تمام شده تأثیری

ندارد. در عین حال از آنجا که در ایران، نفت در اختیار دولت است و درآمد حاصل از فروش آن، بیشترین سهم را در درآمدهای ارزی کشور دارد، دولت در تعیین نرخ ارز، نقش مهمی دارد و بدین ترتیب، در ایران، سازوکار عرضه و تقاضا در تعیین نرخ ارز، نقشی ندارد.

برخی دولت‌ها برای کنترل تورم، جلوگیری از بورس بازی و پرهیز از به وجود آمدن حباب قیمت ناشی از این نوع معاملات می‌کوشند نرخ ارز را تثبیت کنند، ولی در کشور ما که با تورم دو رقمی روبه‌رو هستیم، با افزایش حامل‌های انرژی، میزان تورم افزایش خواهد یافت.

در مقابل ورود انبوه کالاهای صادراتی از مبادی گمرک، یا کم‌اظهاری و قاچاق کالا که بیشتر ارز حاصل از فروش نفت کشور را می‌بلعد، تثبیت نرخ ارز، عامل افزایش تولیدات کشور در مقابل کالاهای وارداتی خواهد شد. نتیجه این فرآیند، زیان‌دهی یا تعطیلی بخش‌های تولیدی، اعم از صنعتی، معدنی و کشاورزی و صدور اشتغال به کشورهای صادرکننده کالا به ایران است که این نتیجه، مورد نظر دولت و مجلس نیز نیست.

گرچه در برنامه‌های پنج‌ساله چهارم و پنجم، مدیریت نرخ ارز توصیه شده، اعمال این روش، با توجه به تفاوت نرخ تورم داخلی و جهانی، برای حفظ توازن قیمت تولیدات داخلی و کالاهای وارداتی مصوب شده است، و گرنه مجلس مصوبه‌ای درباره تثبیت مطلق نرخ ارز ندارد.

حامیان تثبیت نرخ ارز، یکی از دلایل عمده برای چنین تصمیمی را حمایت از سرمایه‌گذاری‌های جدید می‌دانند که به دلایل مختلف می‌توان از آن صرف نظر کرد: نخست اینکه برای سرمایه‌گذار خارجی، افزایش نرخ ارز، خرید سهام و یا سرمایه‌گذاری به دلیل ارزان شدن زمین، ساختمان، تولیدات

داخلی و... می شود؛ چون با ارز کمتری می توان سرمایه گذاری کرد. حجم سرمایه گذاری های جدید در هر سال، هیچ وقت از ۱۰ درصد سرمایه گذاری های موجود، _ حتی در سال های اخیر که با افزایش توان سرمایه گذاری حاصل از افزایش درآمدهای صادراتی کالاهای نفتی و غیر نفتی حاصل شده _ بیشتر نبوده است. پس منطق حکم می کند که کل را فدای جزء نکنیم و با امید رشد بیشتر و سرمایه گذاری با ارز ارزان تر، کل بخش تولید موجود کشور و به تبع آن، اشتغال را با مشکل روبه رو نسازیم. در چنین شرایطی، احتمال تعطیلی واحدهای موجود نسبت به سرمایه گذاری های جدید شدت می یابد .

از آنجا که در اصل، سرمایه گذاری با تکیه بر حمایت از تولید رشد می کند، چه طور می توان انتظار داشت که یک سرمایه گذار جدید با ملاحظه نامناسب بودن فضای کسب و کار، اقدام به سرمایه گذاری کند! مگر اینکه سرمایه گذاری بیشتر در بخش دولتی و نیمه دولتی انجام شود که با سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، دولت و مجلس هماهنگی ندارد. با توجه به این موارد، مدیریت نرخ ارز با در نظر گرفتن تورم داخلی منهای تورم جهانی در قیمت آن، برای احتراز از بورس بازی کاملاً منطقی است.

عرضه ارز ارزان، به نفع کسانی است که قصد انتقال سرمایه های خود را به خارج از کشور دارند و در نهایت می توانند با این عمل، در کشوری دیگر، صاحب اموال بیشتر شوند. این امر، مشوق مهاجرت نیروی انسانی تحصیل کرده کشور است که کشورمان هزینه پرورش و تحصیل ایشان را متحمل شده است. همچنین عرضه ارز ارزان و ایجاد شکاف قیمت میان کالاهای تولید شده در کشور با کالاهای مشابه وارداتی، عامل سودآوری

قاچاق کالا و در نتیجه رشد آن است، در حالی که با گران شدن ارز و از بین رفتن توجه اقتصادی قاچاق آن، بدون درگیری و مشکلات اجتماعی ناشی از آن، این پدیده ناپسند کاهش می‌یابد.

توجه به این امر که در فاصله سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰، نرخ دلار از هفتاد ریال به حدود هشت هزار ریال افزایش یافته، یعنی بیش از ۱۱۰ برابر شده است، نشان می‌دهد افزایش نرخ ارز را با خنثی سازی آثار اقتصادی آن در بودجه خانواده‌ها و فعالیت‌های اقتصادی می‌توان مدیریت کرد. به عبارت دیگر، با استفاده از ثمرات این روش و با خنثی کردن آثار منفی آن می‌توان زمینه رشد و توسعه بیشتر کشور را فراهم کرد.

در این زمینه دو مشکل اساسی را می‌توان بیان کرد: نخست، افزایش نیاز به نقدینگی واحدهای تولیدی و دوم، حفظ قدرت خرید حقوق بگیران.

درباره مشکل نخست از روش خرید مطالبات بانک‌های عامل، در نتیجه اعطای تسهیلات بانک مرکزی جهت خرید مواد اولیه، قطعات یدکی و ماشین آلات، به منظور توان مند کردن بانک‌ها برای اعطای تسهیلات با نرخ سود کمتر با توجه به دریافت کارمزد توسط بانک مرکزی به جای جذب سپرده و پرداخت سود بالا به سپرده گذار می‌توان استفاده کرد که از عوامل کاهش تورم همراه با افزایش توان تولید کشور است.

در عین حال، با عرضه ارز به صورت مدت دار که در شرایط کنونی میسر است، می‌توان امکان خرید مواد اولیه و قطعات یدکی و ماشین آلات را برای بخش تولید فراهم کرد. همچنین با تسویه بدهی ارزی بخش تولید بر مبنای نرخ ارز روز، گشایش اعتبار یا ثبت سفارش کالا به منظور حمایت از سرمایه‌گذاری و تولید، یعنی ایجاد شرایطی مشابه شرایط کنونی منهای

زیان های آن، می توان تا حدی مشکل یاد شده را رفع کرد.

درباره مشکل دوم هم می توان گفت که برای حفظ قدرت خرید حقوق بگیران که معمولاً هر سال با توجه به نرخ تورم، حقوق ها افزایش می یابد، هر دو یا سه ماه یک بار، حقوق ها به نسبت متوسط افزایش بهای ارز به تبع تورم افزایش یابد تا ضمن حفظ قدرت خرید ایشان، از انباشت تورم و اعمال آن در ابتدای سال که عامل شوک تورم و فشار روی قدرت خرید حقوق بگیران در طول سال است، جلوگیری شود.

۵. توجه به عدالت توزیعی

۵. توجه به عدالت توزیعی

در سال های گذشته، یکی از آرزوهای دل سوزان اقتصاد ایران این بوده که به موازات توجه ضروری به عدالت در توزیع درآمد و ثروت، به ویژه برای طبقات محروم، اهمیت و نقش فوق العاده تولید ملی نیز احیا شود و در مرکز تصمیم ها قرار گیرد. بر خلاف رویکردی که عدالت توزیعی را معارض تولیدگرایی می داند، در منظومه فکری ما «قدرت تولیدی» و «عدالت توزیعی» دو وجه یک اقتصاد بالنده، عادلانه و پویا به شمار می روند. مکمل بودن توان مندی تولیدی با عدالت توزیعی (جهت گیری هم زمان پیشرفت و عدالت)، هم تبلور جامع بودن اهداف اسلامی و انسانی است و هم از کمک متقابلی ناشی می شود که برای بهبود عدالت از سویی به انگیزه های تولید توده های مردم کمک می کند و از سوی دیگر تنها در سایه قدرت تولیدی است که می توان به طور مستمر فقر و محرومیت را کاهش داد. این تأثیر دوسویه، مسئله ای است که نسل قدیم اندیشمندان توسعه از آن آگاه نبودند، اما در یافته های اخیر، به تقویت متقابل کارآیی با عدالت یا تولید و توزیع پی

برده اند. حتی می توان گفت تأثیری که شعارهای سال های گذشته همچون «شکوفایی و نوآوری»، «همت و کار مضاعف» و «جهاد اقتصادی» بر توان مندی تولیدی یک کشور داشته و دارند، بیشتر از دیگر ابعاد اقتصاد است.

نکته دیگری که در مطالعات اخیر برجسته شده، این است که استفاده حداکثری از ظرفیت های تولید ملی، بدون اشتغال نیروهای انسانی و بلکه ارتقای آنها از طریق دانش و مهارت، ممکن نیست. این نیز دلیل دیگری است که تمرکز بر تولید به کاهش بی کاری و فقر، رشد دانش و مهارت ها و افزایش بهره وری نیروی کار منجر می شود. حتی می توان گفت توان مندی تولیدی، مقصدی است که بی شک از راه دانایی محوری می گذرد. تنها در یک حالت، افزایش تولید، بدون دانش محوری ممکن است و آن، بسنده کردن به خام فروشی منابع طبیعی و سرمایه های ملی است که در ظاهر، تولید اقتصادی کشور را بالا می برد، اما استفاده حداکثری از نیروی انسانی (شاخص اشتغال) و کیفیت آن (شاخص دانش و مهارت) را تغییر نمی دهد.

بر این اساس، اقتصادهای نفتی مانند ایران باید بسیار جدی به سوی تولید مستقل از منابع نفتی حرکت کنند و از وابستگی خود به درآمدهای نفتی بکاهند. اتفاقاً درآمدهای بدون زحمت نفتی، مانعی است که موجب بی نیازی مدیران اجرایی کشور از شکوفایی دیگر ظرفیت های تولید و درآمد ملی می شود. در صورت کاهش سهم نفت، انتظار می رود اهتمام مدیران برای بالفعل کردن دیگر ظرفیت های تولیدی و استفاده بهینه از منابع موجود افزایش یابد.

نتیجه مستقیم این نکته، عبارت است از پی بردن جامعه به جایگاه والای

تلاشگران عرصه تولید. متأسفانه از دیرباز نگاه جامعه به صاحبان فعالیت های تولیدی، بیشتر به سوی نکوهش تولیدکننده و سرمایه گذار گرایش داشت. به همین جهت، نه مبانی فرهنگی جامعه، مستعد پرورش چنین نیروهایی بود و نه ساختار نفتی، نیازمند درآمدهای تولیدکننده داخلی.

تولید با یک معضل فرهنگی دیگر نیز دست به گریبان بود و آن، حس حقارت و ناتوانی در برابر تولیدکنندگان خارجی بود. با ظهور انقلاب اسلامی این حس نیز به تدریج جای خود را به احساس توان مندی داد، اما همچنان مشکل بی نیازی مسئولان و اتکا به درآمد نفت موجب می شد به برطرف ساختن مشکلات اهالی تولید اهتمام جدی نکنند و حتی گاهی سیاست های ضد تولید در پیش بگیرند. این در حالی بود که اگر تولیدکنندگان و کارآفرینان به دنبال درآمدهای بی زحمت بودند، می توانستند از طریق تجارت یا سفته بازی دارایی ها به ثروت کلانی دست یابند. در چنین شرایطی، کمبود شناساندن تولیدکنندگان به عنوان قهرمانان اقتصاد ملی (و اصلاح فرهنگ و نگاه مدیران) احساس می شد.

رشد توان تولیدی، یک نقش منحصر به فرد دیگر نیز بازی می کند و آن، نقش توان تولید اقتصادی در اقتدار سیاسی بین المللی است. چندین دهه است که سیادت ظاهری نظم جهانی در دست کشورهایی است که پیش تر در عرصه تولید اقتصادی به قدرت تبدیل شده اند. البته گرفتاری این قدرت ها به ظلم ها و فسادهای بزرگ موجب شده است در آینده ای نه چندان دور شاهد زوال هیمنه آنها باشیم، اما به هر حال، رشد توان تولیدی یک کشور، در سرآمدی اقتصادی و نفوذ او در مجامع بین المللی و در امنیت بودنش تأثیری بسزا دارد. اقتصادی که بنیه تولیدی ضعیف و وابستگی های راهبردی داشته

باشد، توان پایداری بر موضع عزت و مستقل خود ندارد و به زودی در برابر فشارهای خارجی تسلیم خواهد شد.

سرآمدی به عنوان پی آمد قدرت تولیدی، هیچ اختصاصی به حوزه اقتصادی ندارد. رشد توان تولیدی در عرصه علمی و فکری و در حوزه های فرهنگی و محصولات دفاعی _ امنیتی و مانند آن، همگی موجب پویایی ظرفیت های داخلی و سرآمدی و اثرگذاری ایران اسلامی در سطح جهانی خواهد شد. در شرایطی که بسیاری از محصولات خارجی نقش سفیران فرهنگی و اقتصادی را در ذهن مردم دیگر کشورها بازی می کنند، چرا ایران اسلامی نباید از این قدرت نفوذ نرم بهره ببرد؟

یادآوری می شود که رشد تولید، همیشه وابسته به استفاده بیشتر از سرمایه، انرژی، نیروی کار و منابع طبیعی نیست، بلکه وضعیت بهینه، آن است که با استفاده بهره ور از منابع موجود، تولید بیشتری صورت دهیم، چنان که آمار رسمی کشور نیز از پایین بودن نرخ بهره وری حکایت می کند. پس با راه افتادن لوکوموتیو بهره وری، بی تردید، قطار تولید ملی نیز توان و سرعتی دوچندان خواهد گرفت.

نکته تأمل برانگیز دیگر، عبارت از پسوند معنی دار «ملی» و «داخلی» در احیای امر تولید است. بر خلاف آنچه در نسخه های اقتصاد لیبرال توصیه می کنند، بسیاری از صاحب نظران معتقدند حتی فرآیند جهانی شدن هم نتوانسته اهمیت عنصر ملی در اقتصاد را از بین ببرد، بلکه در صحنه عمل حتی اقتصادهای سرمایه داری نیز از ضوابط حمایت گرایی از تولید داخلی دست نکشیده اند و تنها پس از رسیدن به سطح بالای رقابت پذیری است که دیگران را از حمایت گرایی زنده می دهند. نتیجه چنین توصیه ای، آزادی

جریان واردات از کشورهای با توان تولید بالا به اقتصادهای نحیف و مصرف کننده و از این رو، وابستگی بیشتر آنهاست، چنان که پیش تر گفتیم، این مسئله، استقلال سیاسی اقتصادهای وابسته را تباه می کند.

دست کشیدن از حمایت گرایی، دامی بود که ما با درایت مسئولان کشور اسیر آن نشده ایم و ثمره مبارک آن را اکنون در شرایط فشارهای خارجی شاهد هستیم و بر این اساس، امکان برآوردن نیازهای اصلی خود را داریم. البته بلند کردن پرچم تولید ملی، مترادف با حمایت بدون هدف گذاری از تولیدکننده داخلی نیست؛ زیرا اگر حمایت های غیر معقول به رقابت نکردن در قیمت و کیفیت تولیدکننده ایرانی بینجامد، در واقع، موجب از دست رفتن توان رقابت خارجی و بدبختی جامعه می شود که در بلندمدت به زیان تولید ملی است.

شکی نیست که یکی از کام یابی های انقلاب اسلامی، زنده کردن نگاه ملی و استقلال طلبی و خودباوری در عرصه های اقتصاد و دانش است. این روحیه و دیدگاه اگرچه در دوره های مختلف فراز و فرودهایی داشته، بر همان صراط مستقیم استوار مانده است. هدف گذاری امسال نیز فرصتی بس مغتنم برای تقویت سرمایه و نیروی کار داخلی به ویژه کشاورزی و صنعت و در یک کلمه، تولید ایرانی می گردد؛ تولیدی که سفیر هویت و توان اقتصادی کشور و نشان قوت علمی و مدیریتی این سرزمین و کمک کار استقلال و عزت سیاسی ملت ماست.

۶. توجه کردن به سیاست های مکمل کنترل واردات

۶. توجه کردن به سیاست های مکمل کنترل واردات

به دنبال نام گذاری سال ۱۳۹۰ با عنوان جهاد اقتصادی، سال ۱۳۹۱ نیز سال

حمایت از تولید ملی نام گرفت که به نظر می‌رسد پیرو نام‌گذاری سال‌های قبل با عنوان‌های اصلاح الگوی مصرف، جهاد اقتصادی و اجرای سیاست‌های طرح تحول و هدفمندی یارانه‌ها و... اکنون در شرایطی هستیم که کشور به دلیل افزایش تحریم‌های بانکی و نفتی، رشد نرخ ارز، ضرورت کاهش بی‌کاری سیزده تا چهارده درصدی اقتصاد ایران و... نیازمند توجه به تولید ملی است.

از آنجا که هزینه تولید بر اثر هدفمندی یارانه‌ها و رشد هزینه سوخت، رشد تورم سال‌های اخیر و رشد هزینه‌های سرمایه‌گذاری برای ایجاد هر واحد تولیدی، افزایش یافته و متوسط هزینه احداث هر واحد صنعتی، از هشتصد میلیون تومان در سال ۱۳۸۳ نزدیک پنج میلیارد تومان در سال جاری افزایش یافته و چند برابر شده است. بنابراین، ضروری است که اقتصاد ایران و مسئولان دولتی و بانکی و دیگر دستگاه‌های اجرایی، توجه خود را به تولید کشور افزایش دهند.

خوشبختانه، اقتصاد ایران با رشد نرخ ارز روبه‌رو شده و در سال ۱۳۹۰، نرخ دلار بازار آزاد از هزار تومان تا ۱۹۰۰ تومان افزایش یافت و در نتیجه، توجه به تولید داخلی به جای واردات بیشتر شد و میزان صادرات غیر نفتی نیز به مرز پنجاه میلیارد دلار رسید. این درخواستی بود که کارشناسان اقتصادی در ۱۰ سال اخیر بارها مطرح کرده‌اند، اما به دلیل رشد درآمد نفت و وابستگی بودجه دولت به نفت و در نتیجه، نیاز به واردات بیشتر، نرخ ارز همواره ثابت بوده و در مقایسه با تورم، رشد بسیار کمی داشته است.

در سال ۱۳۹۰ بر اثر رشد نرخ ارز و دو برابر شدن آن در مقابل ریال، شاهد رشد صادرات غیر نفتی، کاهش مسافرت‌های خارجی و خرید کالاهای

خارجی بودیم و بسیاری از شرکت‌ها و واردکنندگان کالای خارجی، برای مدتی از عرضه کالای خود پرهیز می‌کردند تا آن را با نرخ بالاتر بفروشند.

واقعیت این است که تولید ایرانی، سال‌ها به علت ثابت ماندن نرخ ارز، در معرض تهدید واردات بوده و در شرایطی که تولید ایرانی بر اثر تورم، با رشد هزینه روبه‌رو بوده، کالای خارجی به طور مستمر به دلیل نرخ دلار ثابت تشویق شده است. بدین ترتیب، اکنون فرصتی فراهم شده است که تولید داخلی بتواند خود را در برابر کالای خارجی نشان دهد و در شرایط تحریم بانکی و نفتی و رشد نرخ ارز، این تولید داخلی است که اقتصاد کشور را در شرایط تحریم به پیش خواهد برد.

البته بخشی از مسئولان کشور، سال‌هاست که از ضرورت حمایت از تولید داخلی سخن گفته و از واردات بی‌رویه انتقاد کرده‌اند. آنها تأکید دارند در شرایطی که کالای مشابه ایرانی با کیفیت و قیمت مناسب وجود دارد، نباید به مصرف کالای خارجی عادت کنیم؛ زیرا خرید کالای داخلی، به معنای حمایت از اشتغال جوانان و فرزندان ایران است و از سرمایه‌گذار ایرانی حمایت کرده‌ایم، اما وقتی از کالای خارجی استفاده می‌کنیم، در واقع، از سرمایه‌گذار و کارگر خارجی و واردکننده حمایت کرده‌ایم.

۷. ایجاد احساس امنیت و باور در تولیدکننده و سرمایه‌گذار ایرانی از حمایت مردم و دولت

۷. ایجاد احساس امنیت و باور در تولیدکننده و سرمایه‌گذار ایرانی از حمایت مردم و دولت

اگرچه مردم به کیفیت و قیمت توجه دارند و اداره نظارت بر استاندارد، باید کار نظارتی خود را هم بر تولید داخلی و هم بر واردات، درست انجام دهند تا مردم کالای با کیفیت و قیمت مناسب را خریداری کنند، باید توجه داشت

که بدون شبکه توزیع مناسب و بدون تداوم سیاست های حمایتی، سرمایه گذار و تولیدکننده نمی توانند به تولید کالای با کیفیت و قیمت مناسب تشویق شوند و در بازار نخواهند ماند.

سرمایه گذار و تولیدکننده، زمانی در بازار تولید و توزیع حضور می یابند که احساس کنند سیاست های نرخ ارز، قیمت گذاری کالا، وام بانکی، نرخ سود و دیگر هزینه های مالی و تولید، قوانین کار و مالیات و سرمایه بهتر شده اند و هر چهار بازار کالا، پول، کار و سرمایه، با شفافیت و کارآیی مناسب همراه باشند.

رشد نرخ ارز و هدفمندی یارانه ها برای آنکه بخشی از تولید کشور حمایت شود، به نرخ کافی رسیده است و مردم به سمت تولید داخلی تشویق شده اند و تولید داخلی تا حدی حمایت شده و شاهد توجه بیشتر مردم به جنس داخلی به جای جنس خارجی هستیم. با این حال، سرمایه گذار و تولیدکنندگان نمی توانند سرمایه گذاری و آینده خود را بر مبنای یک اتفاق یعنی افزایش نرخ ارز و هدفمندی یارانه ها به پیش ببرند. از این رو، لازم است که مسئولان کشور، بلافاصله نرخ تعرفه، نرخ مالیات بر ارزش افزوده و دیگر مالیات ها و عوارض، نرخ سود بانکی، نرخ دستمزد و تشویق تولیدکننده به استفاده از کارگر بیشتر را با هدف کاهش بی کاری در نظر داشته باشند.

۸. توجه کردن به برنامه ریزی میان مدت و بلندمدت

۸. توجه کردن به برنامه ریزی میان مدت و بلندمدت

حمایت از تولید ملی تنها برنامه ای یک ساله نیست و به زیرساخت ها و زیربناسازی نیاز دارد ولی بایست با یک استراتژی بلندمدت حداقل بیست ساله تبدیل شود تا عواید آن به تدریج نصیب تولید و اشتغال و

سرمایه گذاری داخلی شود. در این خصوص باید سیاست ها اصلاح شود، نرخ ارز و تورم، نرخ بهره، تعرفه ها، قوانین کار و مالیات، اصلاح شبکه توزیع، بسته بندی و بازاریابی نمانام (برند) سازی و معرفی نام های تجاری معتبر ایرانی و جلب نظر مشتریان باید در دستور کار باشد. هر یک از این سیاست ها تنها بخشی از بازار را حمایت می کند و حداقل باید برای چند سال مورد توجه باشد تا اطمینان و اعتماد تولیدکننده و سرمایه گذار را جلب کند و تولیدکننده از حمایت مردم در مصرف کالای داخلی مطمئن شود.

قیمت گذاری ها، کنترل ها و متناسب بودن واردات کالا با میزان واقعی کمبود داخلی نیز بسیار نقش دارد و اگر تولیدکننده احساس کند با یک رقابت نابرابر از سوی واردات کالای خارجی و دولت ایران مواجه شود، قادر به تداوم کار خود نیست. به عبارت دیگر، اگر در فصل برداشت مواد غذایی یا عرضه کالای یک کارخانه یا یک صنعت، با واردات کالای خارجی با نرخ ارز ارزان و با حمایت یک سازمان دولتی مثلاً وزارت صنعت، معدن و تجارت همراه شویم، در آن صورت، تولیدکننده یا از بازار خارج می شود یا به تولید فکر نخواهد کرد.

بسیاری از تولیدکنندگان در سال های اخیر به واردکننده کالا تبدیل شده اند و با ارسال نمانام (برند) یا نام تجاری خود و تولید کالا در چین، وانمود کرده اند که تولیدکننده ایرانی هستند و با این کار دردسر تولید، کارگر و... را نداشته و با نرخ دلار ارزان به واردات دست زده اند.

در شرایط فعلی، رشد نرخ ارز باعث می شود تولیدکننده به تولید داخلی توجه کند، اما باید دیگر سیاست های مکمل مانند تعرفه ها، زمان برداشت و عرضه کالا، میزان واردات، قیمت و کیفیت کالای داخلی و خارجی و... نیز

درست شود تا قدرت رقابتی تولیدکننده داخلی افزایش یابد.

فصل پنجم: راهکارها و اقدامات تحقق بخشیدن به شعار سال حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی

اشاره

فصل پنجم: راهکارها و اقدامات تحقق بخشیدن به شعار سال حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی

برای هر هدف و مقصدی، تنظیم نقشه عملیاتی و راهکارهای عملی آن هدف لازم است. به سخن دیگر، هدف و غایتی که راهکار عملیاتی نداشته باشد، چیزی جز یک شعار نخواهد بود. هر چند پیدا کردن این راهکارها بر عهده مسئولان و دست اندرکاران نظام است، عملی کردن آن، وظیفه‌ای همگانی و بر دوش ملت و کارگزاران حکومتی است. در این میان، جایگاه رهبری، نشان دادن مسیر و جهت حرکت است که ایشان نیز به تبیین راهکارهای معنوی و علمی و نیز وظیفه دولت و ملت پرداخته است.

طبق گفته مقام معظم رهبری، استکبار می خواهد با تحریم اقتصادی بین مردم و مسئولان جدایی اندازد و این بهترین حربه و سلاح است که مردم را از مسئولان و نظام و مسئولان و نظام را از مردم جدا سازد.

امام جامعه اسلامی به عنوان چراغ فروزان برای امت اسلامی باید این

تحریم‌ها را با تدبیر و درایت خود به فرصت تبدیل کند. پس امسال را به نام تولید ملی در حمایت از کار و سرمایه ایرانی نام‌گذاری کرد.

۱. عجین کردن کار و سرمایه ایرانی برای رونق اقتصادی کشور

۱. عجین کردن کار و سرمایه ایرانی برای رونق اقتصادی کشور

هر کشوری بنیه اقتصادی خود را بر یک اساس بنا نهاده است و کشورهای مختلف جهان بنیه خود را بر اساس صنعت، کشاورزی، دام‌داری یا خدمات بنا می‌نهند و کار خدماتی به معنای جهان سوم و به عبارت بهتر، ایران قبل از انقلاب است.

کارهای خدماتی گاهی منجر به دلالتی می‌شود و جریانی انحرافی است که هیچ‌گاه به اقتصاد پویا راه نمی‌برد. با اشاره به اینکه کارهای خدماتی ملت و دولتی با قوام اقتصادی نمی‌سازد، در ایران، فرهنگ استفاده از کالای ایرانی بین مردم کشور جا نیفتاده و این کار از دستگاه‌های صنعتی بر نمی‌آید، بلکه کار دستگاه‌های فرهنگی است. باید کاری کنیم که مردم ما به کالاهای خارجی روی نیاورند و فرهنگ کار و فرهنگ حمایت از سرمایه ملی باید در کشور اجرا شود.

ما در تاریخ خود، جوانانی را داشتیم که نخست وزیر و وزیر بوده‌اند، در حالی که جوانان امروز شهامت راه‌اندازی کار و اشتغال برای خود را ندارند و این نیازمند آن است که مدیریت اداری و اجرایی کشور و این منطقه، هنر خود را در مدیریت و جذب این نیروهای فعال و خروشان نشان دهد و در زمینه‌های گوناگون به خدمت بگیرد.

اگرچه در زمینه‌های فن‌آوری، صنعت، علوم هسته‌ای، علوم فضایی،

فن آوری نانو و غیره پیشرفت های شایانی داشته ایم، باید بکوشیم تا در کنار این پیشرفت ها، سرمایه و کار ایرانی را با یکدیگر عجین کنیم و رونق اقتصادی کشور را رقم بزنیم.

۲. حمایت از کار و سرمایه ایرانی نیازمند عزم جهادی

۲. حمایت از کار و سرمایه ایرانی نیازمند عزم جهادی

تحقق تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، نیازمند عزم و انگیزه ای جهادی است.

دست یابی به خودکفایی در تولید محصول باکیفیت و تجاری یکی از نیازهای اساسی کشور است. نامی که رهبر فرزانه انقلاب تحت عنوان «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» برای سال جاری انتخاب کرده است، مسیری مناسب برای دست یابی به خودکفایی در تولید و اقتصاد است.

باید فرهنگ استفاده از کالاهای ایرانی در میان مردم نهادینه شود، حمایت از تولیدات کالاهای داخلی به فضا سازی وسیع فرهنگی در سطح جامعه نیازمند است.

نهادینه سازی فرهنگ استفاده از کالاهای داخلی، مستلزم تولید محصولات باکیفیت است؛ در صورت تولید چنین کالاهایی مردم به ارزش محصولات ایرانی پی می برند و عرصه تولید نیز فعال تر از گذشته و در نهایت نظام اقتصادی کشور پویاتر خواهد شد.

نهادینه سازی فرهنگ استفاده از کالاهای داخلی و ارتقاء کیفیت محصولات ایرانی در گرو تعهد و تلاش تولیدکنندگان و درک صحیح نیاز مصرف کنندگان است و تولیدکننده باید به کیفیت تولید توجه کند و تولیدات به صورت مستمر افزایش یابد.

برای شکل گیری تولیدات داخلی باید موضوع مبارزه با قاچاق کالا، مانند گذشته به صورت جدی در دستور کار قرار گیرد.

۳. تبدیل تهدیدها به فرصت ها

۳. تبدیل تهدیدها به فرصت ها

یکی از زیباترین و پراستقبال ترین اقداماتی که همه مردم در طبقات مختلف جامعه، برای شنیدن آن لحظه شماری و بی تابی می کنند، نام گذاری اجتماعی سالانه رهبری معظم انقلاب در پیام های نوروزی است. نقش آفرینی تأثیرگذار و تعیین کننده رهبر معظم انقلاب در جریان مدیریت عالی نظام، گره گشایی از مشکلات و امور جاریه، حل و فصل اختلافات و مرتفع نمودن غفلت ها و غرورها، در خلال رهنمودها و مشکل گشایی های موضوعی، آنچنان روشن است که کسی نمی تواند به انکار و کتمان آن مبادرت ورزد و یا به اغماض از کنار آنها بگذرد.

جامعه بشری که تا چند سال پیش منتظر نام گذاری حیوانی برای سال خود بود، حالا با فرهنگ سازی جدیدی که از سوی معظم له انجام پذیرفت، برای استماع یک نام گذاری مفید و مؤثر اجتماعی با گرایش های فرهنگی و سیاسی و اقتصادی بی قراری نشان داده و به محض اعلام آن در تکاپوی تحقق اهدافی است که در آن نام گذاری مستتر است!

نام گذاری های سالانه که از دهه ۷۰ آغاز شده است، از ضرورت هایی که در جامعه داخلی یا جهانی احساس می شود اثر پذیرفته است. از این رو، جهت گیری های ملت ایران برای تغییر وضعیت و بهبود اوضاع و یا مقابله با چالش ها و تنش های ناشی از سؤگیری نظام سلطه جهانی امری اضطراری است. به عبارتی دیگر، رهبر معظم همچون آنالیزورهای حرفه ای با

بازی خوانی و ترفندشناسی از دشمن، بهترین شیوه مقابله را در نهضت نام گذاری سالانه طراحی کرده است و با همکاری همه مسئولان و مردم آن را اجرا می کند تا ملت ایران بتواند با پشت سر گذاشتن موانع دشمنان، راه روشن خود را ادامه دهد و به سوی هدف متعالی خود رهنمون شود.

نکته مهم در فهم نگرش اقتصادی رهبری معظم انقلاب، اولویت توجه به تولید، به جای رویکرد افراطی به فعالیت های خدماتی در عرصه اقتصاد ملی است؛ ما باید در حوزه و موضوع فعالیت های اقتصادی افراد، به نکته تولیدی بودن تلاش های اقتصادی توجه ویژه ای داشته باشیم، به طوری که حمایت نظام از فعالان بخش اقتصادی، باید تجلی حمایت از تولیدکنندگان داخلی باشد، نه آنکه خدای نکرده، دلالت و واسطه ها میدان داری کنند و با اولویت اول از تسهیلات بانکی و سازمانی بهره مند شوند.

بنابراین، حمایت نظام از کار و سرمایه ایرانی، متجلی در حمایت های حقوقی، مالی، امنیتی، فنی و تخصصی و نیز حمایت های تمهیداتی و تسهیلاتی و کمک به رفع موانع و بسط انگیزه و شوق فعالیت های مفید و مؤثر و مولد در راستای انجام و توسعه کمی و کیفی تولیدات ملی با جذب و به کارگیری سرمایه گذاران ایرانی و اشتغال توان مندان ایرانی در سنگر تولید ملی است. افزون بر این، حمایت مردم هم، حمایت رویکردی و فرهنگی و نیز استقبال از تولیدات ملی است که به تغییر ذایقه های مصرفی بر اساس فرهنگ سازی های جدید و ارائه الگوهای عملی و عینی در جامعه، مبتنی بر اولویت مصرف تولیدات ایرانی در رقابت با واردات خارجی نیازمند است.

۴. تشویق مصرف کنندگان به استفاده از کالای داخلی

۴. تشویق مصرف کنندگان به استفاده از کالای داخلی

درایت و هوشمندی رهبر فرزانه انقلاب، توطئه های دشمنان را آشکار و برای تحقق اهداف آنها مانعی بزرگ ایجاد کرد. تلاش های جهاد گونه در سال جاری اقدامی مناسب برای تحقق فرمان رهبری است و باید فرهنگ استفاده از کالاهای ایرانی در میان مردم نهادینه شود.

نهادینه سازی فرهنگ استفاده از کالاهای داخلی، به تولید محصولات با کیفیت وابسته است. در صورت تولید چنین کالاهایی مردم به ارزش کالاهای ایرانی پی می برند، عرصه تولید نیز فعال تر از گذشته و در نهایت اقتصاد نظام اسلامی پویاتر خواهد شد.

نهادینه سازی فرهنگ استفاده از کالاهای داخلی و افزایش کیفیت محصولات ایرانی، سبب دست یابی به اهداف عالی مد نظر رهبری می شود. مرغوبیت کالای ایرانی، باید موجب تبلیغ آن در تمام بازارها شده و در نهایت به توان رقابت با کالاهای خارجی دست یابد. از این رو، مردم همواره در برابر تحریم ها و فشارهای غرب علیه ایران استقامت و برای تحقق فرمان های رهبری تلاش می کنند.

۵. تحریم کالای خارجی

اشاره

۵. تحریم کالای خارجی

آماج گذاری برای هم سو کردن انرژی اعضای یک نظام، برای رسیدن به هدفی خاص با کمترین اتلاف انرژی، مهم ترین وظیفه یک رهبر است که مقام معظم رهبری در طول ۲۳ سال رهبری خود به مدبرانه ترین شکل ممکن این مسئله را مدیریت کرد. هر چند همواره بودند و هستند افراد کوتاه نظری که بر خلاف جریان آب شنا می کنند و نتیجه ای جز گوشه نشینی برای ایشان نداشته و نخواهد داشت.

امسال نیز رهبر انقلاب با پیروی از این سنت حسنه «تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی» را محور حرکت خواص و عوام تعریف کرد. اینکه حکمت این انتخاب چیست، دقیق و علمی در مورد آن بحث خواهد شد، اما هدف اصلی شعار امسال، بالا بردن ضمانت تحقق «جهاد اقتصادی» است.

یکی از مهم ترین مفاهیمی که می تواند شاخصی باشد برای تشخیص میزان عملی شدن جهاد اقتصادی، «رشد اقتصادی» است. رشد اقتصادی، یعنی افزایش تولید یک کشور در یک سال خاص، در مقایسه با مقدار آن در سال گذشته یا پایه. البته مفهوم «رشد» در این مورد یک غلط رایج است؛ زیرا در مفاهیم قرآنی، رشد به معنای «توسعه به سمت تعالی» تعبیر می شود، در حالی که در علم اقتصاد امروز «رشد اقتصادی» جهت خاصی را دنبال نمی کند و فقط توسعه در کمیت و کیفیت محصول و افزایش عرضه و تقاضا را مبنای پیشرفت می داند.

گرفتن بازار داخلی و یا خارجی تنها در گروی کیفیت متناسب با قیمت کالا است. در این مسیر، «کیفیت بهتر + قیمت کمتر» از کالاهای موجود در بازار، به یقین می تواند قبضه کردن بازار را تسریع بخشد.

کیفیت بالا = اثبات محصول در بازار = افزایش نسبی تقاضا = افزایش تولید = کاهش قیمت = افزایش مطلق تقاضا = تثبیت در بازار

اینکه ورود کالای خارجی چه پی آمدهای منفی بر اقتصاد کشور خواهد داشت و اینکه با تحریم کالای خارجی و با افزایش تولید داخل به چه میزان می توان در روند مثبت رشد اقتصادی و اشتغال زایی و... اثرگذار بود، بر هیچ کس پوشیده نیست. پاسخ به این پرسش که چرا دولت نمی خواهد یا نمی داند که باید از ورود بی رویه کالاهای خارجی جلوگیری کند، در این

فرصت نمی گنجد، اما تأمین پیش نیازهای اجرای تحریم کالای خارجی، به عهده دولت مردان است. البته الزامات آن فقط وظیفه دولت نیست و می توان از دیگر ظرفیت های موجود در کشور نیز در این امر کمک گرفت.

راه های تحریم کالای خارجی، به دو صورت کلی تقسیم می شود:

الف) رسمی (وضع قوانین)

اشاره

الف) رسمی (وضع قوانین)

در این حالت، مجلس و دولت به طور رسمی وارد گود می شود و با استفاده از اهرم ها و اختیارات خود، یعنی وضع قوانین مربوط و اجرای قاطعانه آن می تواند از ورود کالاهای خارجی جلوگیری کند.

یک _ ممنوع کردن

یک _ ممنوع کردن

وضع قوانین مربوطه در مجلس برای جلوگیری از ورود کالاهایی که مشابه آن در ایران وجود دارد یا امکان تولید آنها در ایران هست و البته دولت نیز باید با اجرای دقیق و سریع آن قوانین، مانع از ورود کالاهای خارجی شود.

دو_ افزایش تعرفه

دو_ افزایش تعرفه

افزایش چند برابری تعرفه واردات کالاهایی که با کارکرد مشابه آن در ایران وجود دارد. در حال حاضر، برخی شرکت های وارداتی، کالاهایی مانند اتو و جاروبرقی را با تعرفه ای کمتر از ۳۰ درصد وارد می کنند که این مقدار تعرفه، به طور قطع با خیانتی بزرگ همراه است که باید با عاملان آن برخورد شود.

سه _ مجوز واردات مشروط

سه _ مجوز واردات مشروط

دولت باید برای کالاهایی که مشابه آن در ایران وجود ندارد، به شرطی مجوز ورود صادر کند که شرکت واردکننده با راه اندازی قسمت تحقیقات و توسعه

(RD) و جمع آوری متخصصان، هزینه‌های تقلید کورکورانه و سپس تقلید هوشمندانه و در نهایت، تولید بومی آن کالا را در دوره‌ای مشخص، متحمل شود.

(ب) غیر رسمی (عرصه سازی)

اشاره

(ب) غیر رسمی (عرصه سازی)

در این حالت، افراد صاحب نفوذ و اصحاب رسانه، مردم را در جهت خرید و استفاده از کالای داخلی تشویق یا از پی آمدهای خرید و استفاده از کالای خارجی هشدار می‌دهند.

یک _ عرصه سازی رسانه‌ها

یک _ عرصه سازی رسانه‌ها

رسانه‌ای چون صدا و سیما که از بالاترین ضریب نفوذ به نسبت تمام رسانه‌ها برخوردار است، باید در تحقق بخشیدن به اهداف «جهاد اقتصادی» در فیلم و سریال‌های ساخته شده، به صورت ارضایی یا اقناعی، به ترویج خرید کالای داخلی پردازد. حتی در صورت لزوم، استفاده از کالاهای خارجی را که نمونه داخلی آن وجود دارد، رفتاری دور از شأن یک ایرانی مسلمان جلوه دهد.

دو _ حکم تحریم به دستور مراجع

دو _ حکم تحریم به دستور مراجع

اگر «جهاد اقتصادی» به رهبری مدبرانه ولی امر مسلمین، مسئله‌ای واجب به نظر رسید که آن را معیار حرکت امسال برگزید، باید این مهم برای دیگر مراجع و علما نیز دارای اهمیت باشد. بنابراین، از اعتبار مقام خود، در جهت تحقق «جهاد اقتصادی» خرج کنند و بعد از کارشناسی‌های فراوان، حکم به تحریم کالا یا کالاهایی دهند که رشد اقتصادی کشور را به طور چشم‌گیری کاهش می‌دهد. البته افتای تحریم به کار بردن یک کالای خاص توسط

مراجع، مسبق به سابقه نیز هست.

امید است به کمک تک تک مردم جامعه، شرکت‌های خصوصی و دولتی، وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های دولتی، با مشخص کردن حیطه کاری و حوزه عملیاتی خود در جهاد اقتصادی و با برنامه‌ریزی سریع و دقیق، ثابت کنیم که لیاقت بهترین نعمت‌ها را _ که به گفته امام صادق(ع) همان «رهبری شایسته» است _ داریم.

۶. توزیع عادلانه درآمد

۶. توزیع عادلانه درآمد

در طول سال‌های گذشته، یکی از آرزوهای دل‌سوزان اقتصاد ایران، این بوده که به موازات توجه به عدالت در توزیع درآمد و ثروت، به ویژه برای طبقات محروم، اهمیت و نقش فوق‌العاده تولید ملی نیز احیا شود و در مرکز تصمیم‌ها قرار گیرد. بر خلاف رویکردی که عدالت توزیعی را معارض تولیدگرایی می‌داند، در منظومه فکری ما «قدرت تولیدی» و «عدالت توزیعی» دو وجه یک اقتصاد بالنده، عادلانه و پویا به شمار می‌رود. مکمل بودن توان مندی تولیدی با عدالت توزیعی (به بیان دیگر جهت‌گیری هم‌زمان پیشرفت و عدالت)، هم تبلور جامعیت اهداف اسلامی و انسانی است و هم ناشی از کمک متقابلی است که بهبود عدالت از سویی به انگیزه‌های تولید توده‌های مردم می‌کند و از سوی دیگر تنها در سایه قدرت تولید است که می‌توان به طور مستمر فقر را کاهش داد. این تأثیر دوسویه مسئله‌ای است که نسل قدیم اندیشمندان توسعه به آن توجه نداشتند، ولی در یافته‌های اخیر به تقویت متقابل کارآیی با عدالت یا تولید و توزیع پی‌برده‌اند. حتی می‌توان گفت تأثیری که شعارهای سال‌های گذشته همچون «شکوفایی و نوآوری»،

«همت و کار مضاعف» و «جهاد اقتصادی» بر توان مندی تولیدی یک کشور داشته و دارند، از دیگر ابعاد اقتصاد بیشتر است.

۷. ایجاد و ارتقای روح خودباوری در مردم

اشاره

۷. ایجاد و ارتقای روح خودباوری در مردم

این امر به این معناست که اعتقاد داشته باشیم ایرانی می‌تواند کالای برتر را با حفظ کیفیت قابل رقابت با نمونه خارجی تولید کند و ایرانی باید کالای ایرانی مصرف کند. بدیهی است اولین گام در زمینه تولید ملی و اشتغال، فرهنگ سازی است.

برای تحقق اهداف بلند حمایت از تولید ملی شرط نخست آن است که باور عمومی در تولیدکنندگان، صاحبان صنایع، فعالان بخش تولید و... ایجاد شود که کشور می‌تواند با ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه خود همه نیازهای خود را پاسخ گوید.

چنان چه این ظرفیت‌ها به درستی شناسانده شده و از طرفی به توانایی ذهنی و خلاقیت و نوآوری جوانان مستعد ایرانی ایمان داشته و زمینه‌های لازم را برای شکوفایی و فعالیت آنها فراهم کنیم. به یقین باور عمومی نسبت به شعار «ما می‌توانیم» تحقق خواهد یافت.

این نکته بسیار مهم خواهد بود که تا این باور عمومی ایجاد نشود زمینه برای فعالیت و حرکت‌های شناسه دار اقتصادی فراهم نخواهد بود.

یک _ تجدید نظر در قوانین مرتبط با تولید و سرمایه گذاری

یک _ تجدید نظر در قوانین مرتبط با تولید و سرمایه گذاری

در این زمینه نیز باید تلاش کرد در روند سرمایه گذاری، از بوروکراسی کاست. از این رو، لازم است کارگروهی متشکل از مدیران دستگاه‌های دولتی و نمایندگان بخش خصوصی تعریف و قوانینی که به نوعی مانع بخش تولید

و سرمایه‌گذاری هستند، شناسایی کردند و با ارائه پیشنهادهای جدید به دستگاه‌های مسئول، حذف شوند.

دو _ حمایت دولت از بخش صنعت و کشاورزی

دو _ حمایت دولت از بخش صنعت و کشاورزی

در این راستا دولت باید با اختصاص یارانه و سیاست‌های تشویقی از هزینه‌های تولیدی بکاهد. از اشتغال و سرمایه‌گذاری حمایت کند و بر امکان رقابت در بازار بیفزاید.

سه _ ایجاد محدودیت در تعرفه‌های گمرکی

سه _ ایجاد محدودیت در تعرفه‌های گمرکی

بدین منظور، جهت جلوگیری از ورشکستگی صنایع داخلی، تعرفه‌های گمرکی اقلام و کالاهایی را که نمونه مشابه داخلی دارند، افزایش دهند.

چهار _ جلوگیری از تولید اقلام نامطلوب

چهار _ جلوگیری از تولید اقلام نامطلوب

اداره استاندارد و دستگاه‌های مسئول نیز باید از تولید اقلام نامطلوب که موجب بی‌اعتمادی خریداران در بازارهای داخلی و خارجی به تولیدات وطنی می‌شوند، جلوگیری کنند.

پنج _ اعمال سیاست‌های اقتصادی در بخش صادرات

پنج _ اعمال سیاست‌های اقتصادی در بخش صادرات

در بخش صادرات اقلام تولیدی به کشورهای خارجی که موجب ارزآوری، حمایت از صنایع داخلی و حفظ اشتغال می‌گردد، درست مانند سیاستی که در حال حاضر چین در حمایت از کارآفرینان و صادرکنندگان اجرا می‌کند، سیاست‌هایی باید در نظر گرفت که صادرات به کشورهای مختلف رونق یابد.

شش _ تشکیل صندوق ملی سرمایه‌گذاری با امکان هرگونه برداشت توسط دولت با مصوبه مجلس

شش _ تشکیل صندوق ملی سرمایه‌گذاری با امکان هرگونه برداشت توسط دولت با مصوبه مجلس

در این باره، مجلس که در دوره هشتم از اهرم نظارتی خود چندان بهره نبرده، لازم است با تعریف سازوکارهایی در زمینه چگونگی واریز وجوه، برداشت و تخصیص اعتبارات برای ایجاد اشتغال، نظارتی قوی داشته باشد.

هفت _ تشکیل کمیته ملی بهره وری

هفت _ تشکیل کمیته ملی بهره وری

تشکیل این کمیته با هدف افزایش بهره وری و کار مفید کارکنان، ایجاد روحیه منتهی به تعهد شغلی، شناسایی موانع موجود در مسیر افزایش بهره وری، فعال سازی کمیته‌های نظام پیشنهادها و ایده‌ها در اداره ها و اعمال سیاست‌های تشویقی بر افراد صاحب فکر و ایده است.

هشت _ تشکیل کمیته ملی ابداعات و اختراعات

هشت _ تشکیل کمیته ملی ابداعات و اختراعات

این کمیته به منظور شناسایی اختراعات، ابداعات و اکتشافات برتر، با حضور اعضای هیئت علمی مراکز تحقیقاتی و با هدف اعمال سیاست‌های تشویق و حمایت از مخترعان و مکتشفان و... تشکیل می‌شود. البته تعریف راهکارهایی برای عملیاتی شدن اختراعات و نیز طراحی جشنواره‌های ابداعات، اکتشافات و ایده‌های برتر در همه سطوح از دبستان تا دانشگاه و مراکز تحقیقاتی، با هدف تقویت روحیه خلاقانه و پرورش استعدادها از اقدامات مؤثر در این زمینه است.

شرایط کنونی تحریم کشور را می‌توان به دور از شعارزدگی‌های رایج، به یک فرصت تبدیل کرد و در این میان، ایجاد مؤسسه‌های ملی پرورش خلاقیت؛ سرمایه گذاری بخش‌های دولتی در اجرای طرح‌های تحقیقاتی مختلف؛ تشکیل کمیته ملی حمایت از اختراعات، اکتشافات و نوآوری‌ها؛ تشکیل نظام‌های پیشنهادی، طرح‌ها و ایده‌ها در دستگاه‌های اجرایی جهت

شناسایی ایده‌های برتر و با هدف افزایش بهره‌وری و تولید و کاهش هزینه‌ها؛ قدردانی شایسته از صاحبان ایده‌ها و... از اهمیت خاصی برخوردار است.

نه _ تشکیل کمیته‌های بررسی مشکلات صنایع در استان ها

نه _ تشکیل کمیته‌های بررسی مشکلات صنایع در استان ها

این کمیته‌ها با حضور استانداران و مدیران دستگاه‌های مختلف و صاحبان صنایع، جهت بررسی دلایل تعطیلی صنایع و حمایت از صنایع ورشکسته یا در آستانه تعطیلی تشکیل می‌شود. گفتنی است در صورت حمایت مدیران دولتی، می‌توان بسیاری از این صنایع را دوباره فعال کرد.

ده _ اجرای درست اصل ۴۴

ده _ اجرای درست اصل ۴۴

اجرای این اصل با نظارت مجلس و سازمان بازرسی و نهادهای مسئول، به منظور جلوگیری از واگذاری‌های خارج از ضابطه و برخورد قاطعانه دستگاه قضا با افراد سودجو و متصل به رانت‌های غیر قانونی قدرت، ضرورت دارد.

یازده _ به کارگیری شیوه‌های نوین در بخش‌های صنعتی و کشاورزی

یازده _ به کارگیری شیوه‌های نوین در بخش‌های صنعتی و کشاورزی

این شاخص جهت افزایش میزان بهره‌وری و تولید به کار می‌رود. برای مثال، اجرای طرح‌های نوین آبیاری قطره‌ای در بخش کشاورزی، با هدف کاهش استفاده از ذخایر آبی و افزایش حداقل دو برابری تولید است.

دوازده _ اجرای دوره‌های آموزشی

دوازده _ اجرای دوره‌های آموزشی

اجرای دوره‌های آموزشی برای ایجاد مشاغل جدید در زمینه‌های مختلف علمی، فن آوری و نانو، با هدف گسترش بازار کار مشاغل جدید در همین زمینه، لازم است. سازمان فنی و حرفه‌ای باید با شناسایی مشاغل جدید و مورد نیاز کشور و برگزاری دوره‌های آموزشی و حمایت‌های مالی، زمینه را

در بازار کار برای ایجاد اشتغال فراهم آورد.

سیزده _ هدفمند کردن پرداخت تسهیلات اشتغال

سیزده _ هدفمند کردن پرداخت تسهیلات اشتغال

هدفمندی این امر و نیز حذف روند پرداخت برخی تسهیلات که موجب انحراف از هدف ایجاد اشتغال می شود، بسیار اهمیت دارد. در این زمینه با راستی آزمایی میزان اشتغال ادعایی دستگاه‌های مختلف، می توان میزان انحراف یا درستی نمودارهای اشتغال را بر اساس نوع تسهیلات پرداختی مشخص کرد و تسهیلات را به بخش‌هایی سوق داد که اشتغال واقعی ایجاد می کنند.

۸. مدیریت واردات برای حمایت از تولیدات داخلی

۸. مدیریت واردات برای حمایت از تولیدات داخلی

یکی از نیازهای اساسی امسال، مدیریت واردات برای حمایت بیشتر از تولیدات بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی داخلی است. دولت در سال‌های اخیر با هدف حمایت از محصولات داخلی، اقدام به مدیریت و اصلاح تعرفه‌ها کرده است. بدین منظور، نرخ تعرفه واردات کالاهایی که نمونه مشابه آن در داخل کشور تولید می شود، بسته به نوع آن، از ۴۰ تا ۱۲۰ درصد تعیین شده است.

بدون تردید، دولت، برنامه‌های خود را در سال جاری، بر پایه حمایت از تولیدکنندگان داخلی، به شکل جدی تر از قبل قرار خواهد داد، اما بنگاه‌های صنعتی و تولیدی کشور هم باید با تن دادن به فضای رقابتی در داخل، خود را برای رقابت‌های بزرگ تر در خارج از کشور آماده کنند. نباید از یاد ببریم که اولویت اهداف اقتصادی و توسعه‌ای ما تحقق برنامه‌های سند چشم انداز است که باید بر اساس آن، رتبه‌های برتر منطقه‌ای را از آن خود کنیم.

از این رو، اصلاح نظام تعرفه ای، راهکاری مناسب و کارآ در جهت بسترسازی برای خودنمایی بنگاه های داخلی است و باید گفت، اگر تعرفه ها را بدون کارشناسی تنظیم کنیم و فقط بخواهیم اعداد تعرفه ها را بالا ببریم، نه تنها نتیجه مثبتی نخواهیم دید، بلکه خطر قاچاق نیز ممکن است کشور را تهدید کند.

می توان ادعا کرد که کشور ما در حال حاضر، بالاترین تعرفه ها را با هدف حمایت از تولیدات داخلی در میان کشورهای همسایه و بسیاری از کشورهای جهان داراست، اما در کنار بحث مدیریت تعرفه باید موضوع مدیریت واردات نیز مورد نظر باشد تا در جریان این تغییر سیاست ها، خطاها به کمترین حد برسد و نتایج مثبتی برای تجارت کشور حاصل شود.

محدودسازی بسیاری از مجوزهای ورود به کشور و مکانیزه کردن نظام گمرکی، از مهم ترین رهاوردهای سال های اخیر در حوزه تجارت است و بخش خصوصی و بخش دولتی در این حوزه ها وظایف و منافع مشترک دارند. به همین دلیل، باید توجه کنیم که حرکت در مسیر اجرای سیاست های حمایتی و پرهیز از به کارگیری راه هایی که حمایت از تولیدات داخلی را با مشکل روبه رو کند، وظیفه همه بخش هاست.

۹. تأکید بر تولید داخلی، وظیفه ملی

اشاره

۹. تأکید بر تولید داخلی، وظیفه ملی

در دنیای امروز، ایجاد زنجیره یک پارچه محصولات که بر سیاست های هم بسته و منسجم مبتنی باشد اهمیت بالایی دارد؛ زیرا تنها بر اساس این بسته سیاستی است که می توان انتظار به هم پیوستن حلقه ها و ایجاد زنجیره کامل تولید تا مصرف را داشت.

به طور مثال، در کشورمان از جمله بخش های سیاست گذاری که به تصمیم گیری واحد نیازمند است، تنظیم بازار و به ویژه بازار کالاهای کشاورزی است. چنان که متولی سیاست گذاری امر تولید، وزارت جهاد کشاورزی، و متولی سیاست های تنظیم بازار وزارت بازرگانی است. این رویه در مورد تنظیم بازار بسیاری از کالاهای صنعتی نیز وجود دارد.

با بحث ادغام، اتفاق مهمی در بخش سیاست گذاری صنعت، معدن و بازرگانی روی داد. همان طور که رییس جمهوری نیز بر آن تأکید داشت ادغام دو وزارت خانه سبب اتخاذ سیاست های واحد و در نتیجه موجب افزایش سرعت تولید و همچنین مانع ورود کالاهای غیر کیفی می شود که به رشد تولید در کشور ضربه می زند.

بر این مبنای، وزارت خانه جدید، متولی سیاست گذاری امر تولید است؛ زیرا پایه و اساس ساختار اقتصادی ایران تولید است. البته این مطلب به معنای بی ارزش بودن تجارت و خدمات نیست؛ چراکه منظور از تولید آن تولیدی است که برای بازارهای هدف صورت می گیرد و پایه پیشرفت ایران می شود. بنابراین، در شرایطی که مهم ترین مأموریت ما ساختن ایران و مقدس ترین کار و مجاهدت، تلاش برای پیشرفت و آبادانی کشورمان ایران است، به تولید کیفی و صادراتی به صورت جدی توجه باشد.

از این رو، در وزارت خانه جدید ادغامی، سیاست هایی اتخاذ خواهد شد که به رشد و شکوفایی بخش تولید کمک کند، ولی این به تنهایی کافی نیست و باید برای حلقه بعدی، یعنی «بازار» که شامل دو بخش بازار داخلی و خارجی (صادرات کالا) است سیاست گذاری مناسبی نیز صورت گیرد. علاوه بر آن، می باید این مهم را در نظر داشت که امروزه بخش مهمی از سیاست

دنیا را مناسبات اقتصادی، به خصوص مناسبات تولیدی رقم می زند. از این رو، علاوه بر توصیف نیازهای خودمان، باید بتوانیم در بازارهای جهانی جایگاه ممتازی را به خود اختصاص دهیم؛ چراکه این امر شایستگی یک ملت را گواهی می دهد. فضای ادغام کنونی، گام مهم و اساسی صیانت از تولید داخلی با رویکرد حضور در بازارهای جهانی است.

دیگر آنکه ارتقای تولید و حضور در بازارهای جهانی، علاوه بر کسب موفقیت اقتصادی، سبب بالا-رفتن جایگاه و مرتبه سیاسی کشورمان، آن هم در زمان فشارهای بین المللی و فضای تحریمی می شود.

بر اساس آمار ارائه شده، میزان صادرات غیر نفتی در سال ۱۳۸۳ حدود ۲/۷ میلیارد دلار بود که کمتر از نیمی از آن صادرات صنعتی بود. در حالی که این میزان، در سال ۱۳۸۹ از مرز ۳۲ میلیارد دلار گذشت که سهم صادرات محصولات صنعتی و معدنی در این زمان بیش از ۶۰ درصد بوده است. این میزان صادرات در رشد و شکوفایی تولیدات صنعتی و معدنی ریشه دارد؛ چنانکه شاهد رشد ۴ برابری سرمایه گذاری در بخش تولید، و رشدهای ۴۵ درصدی در تولید سیمان، ۳۶ درصدی در تولید محصولات فولادی، ۳۳ درصدی در تولید مس، ۸۲ درصدی در تولید سنگ آهن و... در طی برنامه چهارم، در مقایسه با برنامه سوم توسعه، آن هم در سخت ترین شرایط تحریمی و بحران اقتصادی جهان بوده ایم.

نکته مهم دیگر، هم خوانی سیاست حمایت از تولید داخلی، با سیاست های بازرگانی و تجاری کشور است. اکنون باید هم نوایی دقیقی بین این سیاست ها برقرار باشد که در مرحله نخست، حمایت از تولید داخلی را به همراه داشته باشد و از سوی دیگر رضایت مصرف کننده را موجب شود.

از این رو، اتفاق بعدی که در وزارت خانه ادغامی روی خواهد داد، تهیه و تدوین سیاست های جامع برای حمایت دایم از تولیدکننده و مصرف کننده است.

با وجود ادغام وزارت خانه های صنایع و معادن و بازرگانی و تمرکز سیاست های تولید، تمام اهرم های صیانت از تولید داخلی (از جمله ابزار پولی، مالی و ارزی) در اختیار این وزارت خانه قرار ندارد. به نظر می رسد در شرایط فعلی هم راستا بودن این سیاست ها برای حمایت از تولید داخلی ضروری است. بنابراین، تحقق این مهم، ضرورت وجود پرننگ تر وزارت خانه جدید را در نهادهای تصمیم گیر ایجاب می کند که با همکاری ریاست جمهوری، رویکرد موافق مجلس و در سایه تلاش جمعی همکاران وزارت خانه جدید دست یافتنی است.

تأکید بر تولید و قرار گرفتن سیاست های وارداتی در خدمت این بخش، بر اساس رهنمودهای مقام معظم رهبری است. ایشان بر این اصل تأکید کرد که مدیریت واردات باید در خدمت تولید و صادرات باشد و از ورود هرگونه کالای غیر ضرور و غیر مفید به کشور جلوگیری شود.

وظیفه سیاست گذاران در سطح ملی، برای حمایت از تولید داخلی در بردارنده سیاست های زیر است:

۱. هم نظری و فراهم آوردن امکان تدوین و تصویب مجموعه راهبردی منسجم و هم بسته در حوزه های مختلف اقتصادی _ سیاسی، در قالب سندی ملی، برای تعمیق و تسریع رونق توسعه صنعتی کشور به عنوان متنی پایه؛

۲. اتخاذ سیاست های مناسب تجاری در بعد تعرفه، تعیین ضوابط و استانداردهای مناسب برای مقابله با کالاهای غیر کیفی و تسهیل ورود مواد

اولیه، ماشین آلات و کالاهای سرمایه ای مورد نیاز بخش تولید؛

۳. اتخاذ سیاست ارزی مناسب و هماهنگی آن با سیاست های تولیدی کشور از جمله بهره گیری از راهکارهای تدوین شده در قانون برنامه پنجم توسعه؛

۴. بهبود فضای کسب و کار بنگاه های تولیدی.

فضای کسب و کار یکی از مؤلفه های تعیین کننده میزان و چگونگی فعالیت اقتصادی به شمار می رود. ایجاد فضای رقابتی سبب بهبود مؤلفه هایی همچون سرمایه گذاری، اشتغال، محرومیت زدایی و... می شود. روشن است بهبود فضای کسب و کار، نیازمند همراهی و مشارکت مجموعه فعالان و دست اندرکاران تولید و تجارت کشور است. از این رو، ضرورت دارد این همکاری در قالب نهادی تصمیم ساز، با ارتباط ارگانیک مجموعه دولت و بخش خصوصی و تشکل های برآمده از آن هر چه بیشتر محقق شود. این امر نیز به عوامل مختلفی چون دسترسی به بانک جامع اطلاعات بازار (اعم از اطلاعات بنگاه ها و کالاها)، تسهیل دسترسی به منابع مالی، توان منساز، ایجاد انسجام در بازار، سازگاری در قوانین و رفع قوانین مزاحم و همچنین بهبود فضای کارآفرینی و نوآوری بستگی دارد تا با ایجاد بسترها در سند راهبردی صنعتی _ تجاری در نظر قرار گیرد.

سیاست های پولی متناسب و هماهنگ با بخش تولید

سیاست های پولی متناسب و هماهنگ با بخش تولید

اهمیت این امر به عنوان نیازی بالفعل، به قدری است که حتی رییس جمهوری، مقرر کرد یک سوم منابع صندوق توسعه ملی مستقیم به بخش صنعت اختصاص یابد. از طرفی، بررسی نحوه تخصیص منابع صندوق نشان

می دهد از دو سوم دیگر منابع این صندوق، بخش عمده آن در نهایت به بخش صنعت هدایت خواهد شد؛ چراکه بخش های کشاورزی و خدمات نیز، برای گردش چرخ خود به پشتیبانی صنعت، احتیاج دارند. علاوه بر این، در هیئت امنای صندوق توسعه ملی، سیاست هایی به تصویب رسیده که به واسطه آن از طریق نحوه تخصیص اعتبارات این صندوق، بخشی از اعتبارات بانک ها نیز مدیریت شده و بعد از تلفیق با منابع صندوق توسعه ملی با سود پایین تر در اختیار تولیدکنندگان قرار گیرد.

۱۰. در پیش گرفتن سیاست های مناسب بازار کار در جهت تولید پایدار

۱۰. در پیش گرفتن سیاست های مناسب بازار کار در جهت تولید پایدار

ضرورت تدوین سیاست هایی در حوزه اشتغال، علاوه بر تأمین نیازهای معمول، به جذب نیروهای انسانی متخصص منجر می شود که قادر به بهره گیری از فن آوری های نوین باشد؛ چراکه در چارچوب این نگرش می توان انتظار داشت صنعت به عنوان موتور محرکه اقتصادی کشور با ایجاد ارزش افزوده بالا و افزایش درآمد ملی، رونق اشتغال را در عرصه های مختلف موجب شود و تحقق مهم ترین محور سند چشم انداز را که قرار گرفتن ایران در جایگاه اول اقتصادی، علمی و فن آوری در سطح منطقه است، به ارمغان آورد.

۱۱. حمایت از پرداخت مطالبات بانک ها و تسهیلات اعطایی

اشاره

۱۱. حمایت از پرداخت مطالبات بانک ها و تسهیلات اعطایی

در طول سال های گذشته، به تدریج مصوباتی برای حمایت از وصول مطالبات بانک ها و تسهیلات اعطایی وضع شده است که اعمال هر یک از آنها در

شرایط خاص پذیرفتنی است، ولی اجرای کل آنها در شرایط جنگ، تحریم، بحران جهانی اقتصاد، تورم دو رقمی، حذف یارانه های انرژی پیش رو و افزایش هزینه های تولید و نقدینگی مورد نیاز و... عامل هدایت تولید و کارآفرینی به سمت زیان دهی تولید، بحران واحدهای تولیدی و در نهایت تعطیلی تولید است که به ویژه در شرایط تحریم های خارجی با هدف ضربه زدن به تولید کشور رفع عوامل یاد شده می تواند حرکتی در جهت خنثی سازی تحریم ها با توان مهندسازی بخش تولید در این جنگ اقتصادی باشد.

به طور مثال، پس از بروز بحران جهانی اقتصاد، کشورهای صنعتی با اعطای تسهیلات، کاهش نرخ سود و رفع موانع تولیدکنندگان به شرط ارائه برنامه ای که توجیه اقتصادی ارائه کمک ها را فراهم نماید از بخش تولید و حتی مالی خود حمایت لازم را به عمل آوردند، در حالی که قوانین حاکم بر ضوابط تأمین مالی بخش تولید در کشورمان با کوچک ترین مشکلی حتی خارج از اراده مدیریت واحدها، بلکه به دلیل وضع بعضی مقررات بازدارنده، بحران جهانی اقتصاد، تحریم ها، نوسان های حاصل از هدفمند کردن بهای حامل های انرژی برای واحدی پیش آید، ادامه و دوام قوانین و مقررات ذیل، واحد را به تعطیلی خواهد کشاند:

۱. داشتن چک برگشتی که بعضی به دلیل اختلاف حساب، زیان دهی واحد تولید و... حاصل می شود یا اینکه مشکل مالی عامل تعویق پرداخت ها می گردد.

۲. چنانچه فردی در چند واحد تولیدی، سهام دار و عضو هیئت مدیره باشد، اگر هر یک از واحدها مشکلی پیدا کنند، بانک ها از اعطای تسهیلات

به واحدهای دیگری که ایشان در آنجا عضو هیئت مدیره یا مدیر و سهام دار باشد خودداری می کنند.

۳. کمک نکردن مالی بانک ها به علت داشتن بدهی معوق، حتی در شرایطی که ارزش دارایی های وثیقه گذاری شده بیش از میزان بدهی و کمک مالی دارای توجیه اقتصادی است.

۴. حمایت نکردن لازم و به موقع بانک ها برای جلوگیری از بروز بحران در واحدهای تولیدی گیرنده تسهیلات.

۵. بعضی محدودیت های مربوط به سقف تسهیلات قابل اعطا که کمتر از تسهیلات مورد نیاز است، عملاً باعث مشکلات مالی واحدها می شود.

۶. ممنوع بودن خروج مدیران واحدهای تولیدی، عامل محدود کردن سفرهای ایشان به خارج از کشور برای خرید مواد اولیه، قطعات یدکی و ماشین آلات مورد نیاز برای تداوم تولید و بهبود کیفیت کالای تولیدی، قطع رابطه با مشتریان و حل و فصل اختلافات و مشکلات مختلف دیگری است که خود، عامل کاهش توان پرداخت بدهی و هدایت واحد به سوی تعطیلی است. این امر به ویژه در شرایط تحریم اقتصادی، عامل تشدید اثر منفی آن است.

سپس برای حمایت از تولید ملی و به منظور جبران اثرهای تحریم ها، ایجاد انسجام ملی برای مقابله با فشارهای خارجی و حفاظت از اشتغال که آمارهای جاری بر خلاف تلاش دولت، حکایت از رشد بی کاری دارد، تصویب ماده واحده ای به شرح ذیل، ضمن حل مشکلات موصوف با باز کردن دست بانک ها در رفع مشکل واحدهایی که حمایت از ایشان عامل رفع بحران آنها و توان مند شدن برای پرداخت بدهی هایشان خواهد بود، یکی از

راه های منطقی برای کاهش تدریجی دیرپرداخت های بانکی به جای رشد فزاینده آنها خواهد بود، پیشنهاد می شود.

ماده واحده مورد نیاز به شرح ذیل است:

چنانچه اعطای تسهیلات به واحد تولیدی، توجیه اقتصادی داشته باشد، هر گونه قوانین و مقررات موجود بازدارنده و منع کننده حمایت و اعطای تسهیلات جدید و استفاده از خدمات بانکی، نافذ نبوده و بانک ها مجاز به اعطای تسهیلات لازم برای حمایت از تولید، اشتغال و کاهش قیمت تمام شده هستند.

با تصویب این ماده واحده، مصوبات بازدارنده اعطای تسهیلات، از یک حکم کلی خارج شده، در عین حال که از اعطای تسهیلات به طرح های بدون توجیه اقتصادی جلوگیری می کنند، برعکس راه را برای حمایت از واحدهایی باز می کند که اعطای تسهیلات به آنها توجیه اقتصادی دارد و عامل پایداری تولید، اشتغال و کاهش قیمت تمام شده تولیدات ایشان است. علاوه بر این، چنین حمایتی، از عامل تشویق سرمایه گذاری و تولید خواهد بود. به ویژه در شرایط فعلی، از نیازمندی های اصلی بخش اقتصادی کشور و حرکتی در جهت خنثی سازی حرکات ایدایی و تحریمی وضع شده بر ضد ایران جهت توفیق تولید کشور است.

به کارگیری ابزارهای تنظیم بازار

اشاره

به کارگیری ابزارهای تنظیم بازار

بازار از چند مؤلفه تشکیل شده است که عبارتند از: عرضه و تقاضا (توابع بازار)، مقدار و قیمت محصول (متغیرهای اصلی بازار)، تولیدکنندگان و مصرف کنندگان (عامل های اصلی بازار)، عوامل مؤثر بر عرضه (از قبیل

تکنولوژی، قیمت عوامل تولید، قیمت سایر کالاها، مالیات، یارانه‌ها و...) و تقاضا (مانند رجحان یا سلیقه مصرف کنندگان، درآمد، قیمت دیگر کالاها، انتظار مصرف کنندگان از سطح قیمت و درآمد در آینده و یارانه و...) از سوی دیگر مهم ترین و اولین هدف هر نظام اقتصادی، برقراری تعادل پایدار در آن است. تعادل در یک نظام، به کنترل یا کاهش نوسان های متغیرهای اصلی (قیمت و مقدار) در محدوده های تعیین شده مربوط می شود.

این تعادل در تمام کشورها و نظام های اقتصادی دنبال می شود. حتی در نظام های اقتصاد آزاد نیز دولت در بعضی مواقع، برای جلوگیری از نوسان متغیرهای اصلی اقدام به دخالت در بازار و اجرای سیاست های تنظیمی می کند.

در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، نبود تعادل در اقتصاد، و به دنبال آن دخالت دولت در بازار و برقراری تعادل عرضه و تقاضا و ثبات قیمت ها نیز بیشتر است. از این رو، بحث تنظیم بازار و سیاست های اعمال شده در جهت توازن بازار و تأمین منابع مصرف کنندگان و به تبع آن، تولیدکنندگان در این کشورها اهمیت ویژه ای دارد.

تنظیم بازار مجموعه ای از مقررات، سیاست ها و استراتژی هایی است که جهت حمایت از مصرف کنندگان و تولیدکنندگان (عاملین اصلی بازار) با توجه به ابزار مناسب اقتصادی بین متغیرهای اصلی بازار (قیمت و مقدار) اعمال می شود. برای این منظور تغییراتی در عوامل مؤثر بر توابع عرضه و تقاضا ایجاد می شود. بنابراین، تنظیم بازار تعریف گسترده ای دارد و به روش های متفاوتی متعددی قابل انجام است یا به نظر برخی از کارشناسان اقتصاد، تنظیم بازار به معنای دخالت دولت در بازار، از راه ابزارهای غیر

قیمتی مثل سهمیه بندی، کنترل های انحصاری، اطلاعات مورد نیاز جهت آگاهی مشتریان (مثل برچسب قیمت) و استانداردهای کیفی است. در مجموع تنظیم بازار، شامل ایجاد تعادل یا کنترل مقدار عرضه و تقاضا، قیمت گذاری، حفظ یا تثبیت در آمد تولیدکنندگان، حمایت از مصرف کنندگان و نیز دخالت در تجارت محصولات است. در بحث تنظیم بازار، بررسی سیاست های کلان (شامل سیاست های پولی و مالی) که رفتار متغیرهای اقتصادی را در سطح کلان کشور تحت تأثیر قرار می دهند، اجتناب ناپذیر است.

سیاست های تنظیم بازار دامنه متنوعی دارد، ولی به طور کلی می توان آنها را در دو دسته سیاست های داخلی و مرزی تقسیم نمود.

سیاست های داخلی تنظیم بازار عبارتند از:

۱. سیاست های کنترل عرضه

۱. سیاست های کنترل عرضه

بر اساس این سیاست، زمانی که عرضه محصول افزایش پیدا می کند، دولت به عنوان خریدار، وارد بازار می شود و اقدام به خرید محصول می کند. به این سیاست، ذخیره احتیاطی نیز می گویند. به عنوان نمونه در داخل کشور می توان از خرید شکر کارخانه ها، یا خرید برخی محصولات کشاورزی نام برد.

۲. سیاست قیمتی

۲. سیاست قیمتی

سیاست های قیمتی بیشتر به کالاهای خاص، اختصاص دارد و در اغلب موارد برای اثرگذاری یا ثبات قیمت ها استفاده می شود. این شیوه حمایت در بسیاری از کشورها برای تسلط دولت بر ساختار بازار محصول یا محصولات

مورد نظر به کار می رود و موفقیت سیاست قیمت گذاری، به تشخیص دولت و میزان حمایت از قیمت، منابع مالی کافی برای مداخله، ظرفیت ذخیره سازی و مدیریت کار بستگی دارد. این سیاست‌ها به شکل اعمال قیمت تضمینی، قیمت حداقل (قیمت کف) و قیمت حداکثر (قیمت تثبیتی) می باشند. به طور کلی سیاست قیمت گذاری با هدف حفظ و افزایش محصول تولیدی، ایجاد ثبات در قیمت بازار، ایجاد و حفظ درآمد قابل قبول برای تولیدکنندگان و عرضه مناسب کالاها برای حفظ رفاه مصرف کنندگان اجرا می شود. روش های تثبیت قیمت به شرایط بازار بستگی دارد و دربرگیرنده سه روش کلی: تثبیت قیمت از راه کنترل عرضه محصول، تثبیت قیمت محصول از طریق پرداخت یارانه یا دریافت مالیات و تثبیت قیمت از طریق سیاست پرداخت جبرانی است.

به کارگیری سیاست قیمتی در ایران در مورد بسیاری از اقلام اساسی و ضروری که دولت، دخالت در تنظیم بازار آنها را ضرورت می داند، به وسیله وزارت بازرگانی (سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان) اعمال می شود.

۳. پرداخت یارانه

۳. پرداخت یارانه

مطابق این سیاست، دولت، ما به التفاوت قیمت تعیین شده و قیمت دریافتی از سوی تولیدکننده را پرداخت می کند و با تغییر قیمت‌های بازاری، پرداخت جبرانی نیز کم یا زیاد خواهد شد.

۴. سیاست صندوق تثبیت قیمت

۴. سیاست صندوق تثبیت قیمت

بر اساس این سیاست، دولت بخشی از ضرر و زیان تولیدکنندگان را زمانی

که قیمت بازار قیمت هدف، کمتر باشد، از محل وجوهی که قبلاً دولت و تولیدکنندگان ذخیره کرده اند، پرداخت می کند. در این سیاست، زمانی که قیمت دریافتی کشاورزان بیشتر از قیمت هدف باشد، کشاورزان باید درصدی از این قیمت را به صندوق واریز کنند. دولت نیز سالانه رقمی را به این صندوق کمک خواهد کرد. در سالی که قیمت دریافتی کشاورزان از قیمت هدف کمتر باشد، کشاورزان به صندوق کمکی نخواهند کرد و دولت ضمن کمک به صندوق به کشاورزان اجازه می دهد از صندوق مورد نظر به میزان مشخصی برداشت کنند. این امر موجب خواهد شد، زیان تولیدکنندگان در سال هایی که قیمت ها دچار نوسان می شوند، جبران گردد. با وجود مؤثر بودن و کارآیی این سیاست و با اینکه کشاورزان کشور هر ساله به نوسان های شدید قیمتی محصولات تولیدی دچار می شوند که زیان هنگفتی را به جان می خرنند، از به کارگیری این سیاست، گزارشی منتشر نشده است.

۵. یارانه مصرف کننده

۵. یارانه مصرف کننده

یارانه مصرفی شامل پرداخت هایی است که جهت ایجاد و تعدیل در توزیع درآمدها، تعدیل آثار ناشی از فشار بازار، تصحیح الگوی مصرف کشور به سمت تشویق مصرف کالاهای تولید داخل به مصرف کنندگان پرداخت می گردد. پرداخت مابه التفاوت قیمت خرید و فروش کالاهای اساسی و ضروری مورد نیاز جامعه و جبران زیان کرد کالاهای مورد حمایت دولت در این گروه قرار دارند.

۶. یارانه تولید

۶. یارانه تولید

یکی از مواردی که دولت ها برای آن یارانه پرداخت می کنند، زمانی است که

فایده خارجی (تأثیر مثبت) کالاهایی که بخش خصوصی آنها را تولید می کند، زیاد باشد؛ زیرا در این هنگام، سطح تولید این کالاها توسط بخش خصوصی همواره از میزان بهینه آنها کمتر است.

۷. بیمه محصولات

۷. بیمه محصولات

سیاست بیمه به منظور حمایت از تولیدکنندگانی که تولیدات آنها بر اثر حوادث پیش بینی نشده دچار خسارت و آسیب می شوند و برای کمک به ادامه فعالیت های تولیدی آنها اجرا می شود.

۸. سیاست ضد کارتل

۸. سیاست ضد کارتل

هرگاه چند شرکت تولیدی عظیم که کالای مشابهی تولید می کنند، برای حذف رقابت بین خودشان در مواردی خاص به توافق برسند، یک کارتل را تشکیل می دهند. آنها در این هنگام می توانند با تبانی بازار، قیمت های آن را تحت تأثیر قرار دهند. در این حالت، دولت برای کاهش قدرت انحصاری این بنگاه ها با اجرای سیاست های ضد کارتل، از ادغام آنها جلوگیری می کند.

۹. انتقال تولید از نواحی مازاد به نواحی دارای کمبود

اشاره

۹. انتقال تولید از نواحی مازاد به نواحی دارای کمبود

دولت در این سیاست، نواحی عمده تولید را شناسایی می کند و با تعیین میزان مصرف آن نواحی، مازاد محصول را به مناطق دیگری انتقال می دهد که با کمبود مواجه هستند. این سیاست برای ایران به ویژه در نواحی عمده تولید سیب زمینی و پیاز که هر ساله با مازاد تولید یکی از آنها مواجه هستند، مناسب است.

سیاست های مرزی تنظیم بازار عبارتند از:

یک_ یارانه صادرات

یارانه صادراتی یکی دیگر از سیاست‌هایی است که دولت به منظور تنظیم بازار، افزایش صادرات و تشویق صادرکنندگان پرداخت می‌کند. این یارانه شامل پرداخت‌های غیر نقدی، پرداخت یارانه برای کاهش هزینه بازاریابی و هزینه حمل و نقل داخلی کالاهای صادراتی است.

دو _ تعرفه

دو _ تعرفه

تعرفه یکی دیگر از سیاست‌های حمایتی دولت‌ها در سیاست تجاری قلمداد می‌شود. این سیاست‌ها با هدف حمایت از تولیدکنندگان داخلی در مقابل کالاهای خارجی اعمال می‌گردد و برای دولت نیز جنبه درآمدزایی دارند.

سه _ محدودیت‌های غیر تعرفه‌ای

سه _ محدودیت‌های غیر تعرفه‌ای

هر کشوری بنا به مقتضیات طبیعی و اقتصادی خود، موانع غیر تعرفه‌ای مختلف و متعددی را بر واردات وضع می‌کند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: تعیین و دریافت عوارض متغیر، محدودیت‌های مقداری (سه‌میه بندی) وارداتی، حداقل قیمت‌های وارداتی، مجوزهای اجباری، اقدامات تجاری دولتی و توافق‌های محدودسازی داوطلبانه صادرات.

چهار _ سیاست ضد دامپینگ

چهار _ سیاست ضد دامپینگ

دامپینگ به مفهوم تبعیض قیمت در تجارت خارجی است که خسارات سنگینی به اقتصاد داخل یا صنایع خاص کشورهای واردکننده می‌زند. در این حالت، بهای کالای صادراتی در حد هزینه‌های متغیر تعیین می‌شود و با حفظ قیمت‌ها در بازار داخلی (از طریق کنترل عرضه) بخشی از محصول با قیمتی کمتر از قیمت نهایی به بازار خارجی صادر می‌گردد. اقدام به دامپینگ در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) ممنوع اعلام می‌شود و

کشورهای عضو می‌توانند علیه دامپینگ با اقدامات جبرانی (عوارض) و حتی لغو مناسبات تجاری اقدام کنند.

۱۲. سهم سرمایه انسانی در تولید ملی

۱۲. سهم سرمایه انسانی در تولید ملی

زمانی نه چندان دور، کشور پهناور ایران نه تنها در مسیر جاده ابریشم، بلکه در طول سواحل طولانی خود، یکی از بزرگ‌ترین مراکز تجاری جهان برای تبادل انواع کالاهای آن روزگار به شمار می‌رفت. علاوه بر آن، به عنوان یکی از کشورهای برتر در عرصه تولید، نقش عمده‌ای را در تجارت جهانی بر عهده داشت و به صورت خودکفا بسیاری از محصولات کشاورزی و صنعتی عهد خود را نیز تأمین می‌کرد.

علاوه بر محصولات مانند نفت خام، خاویار، زعفران و فرش ایران که همچنان شهرت جهانی خود را حفظ کرده‌اند، کالاهای دیگری مانند خرما، چای و حتی ابریشم ایران از جایگاه نسبتاً خوبی در مبادلات تجاری داخل و خارج از کشور برخوردار بودند. صنایع دستی ایران نیز با تنوع و کمیت و کیفیت برتر در زمینه‌های مختلف، عرصه رقابت را در اختیار خود داشتند. حتی کشورهایی مانند چین و ژاپن با وجود تمام قدمت تاریخی خود نتوانستند جایگاه صنایع دستی ایران را تهدید کنند.

با این حال، دیری نپایید که تحت تأثیر نفوذ بیگانگان و القاء عجز و ناتوانی در وجود مردم این سرزمین، نه تنها زمینه اضمحلال تولیدات ایرانی فراهم شد، بلکه به تدریج، خودباوری به ناامیدی تبدیل و تمام ظرفیت‌ها و فرصت‌ها برای هم گام شدن با روند رو به رشد قافله تولید به کلی نابود شد.

اینکه ایران تولیدکننده با اعمال سیاست‌های مزورانه دشمنان این سرزمین

و اعمال روش های نادرست و کوتاه بینانه حکام نالایق قبل از انقلاب، به کشوری مصرف کننده و مصرف گرا و بازاری برای عرضه کالاهای خارجی تبدیل شد که از ساده ترین تا پیچیده ترین محصولاتی که همواره در ردیف قدیمی ترین محصولات خارجی قرار داشتند، به طور کامل در سیطره کمپانی های مختلف شرقی و غربی قرار گرفته بود.

پس از ظهور انقلاب اسلامی که به حق معجزه قرن نام گرفت، تحت رهبری های داهیمانه حضرت امام رحمه الله و مقام معظم رهبری که پیوسته تحت عناوین مختلف مانند: طرح موضوع خود کفایی در عرصه های مختلف، به تدریج، شرایط برای احیای مجدد موقعیت از دست رفته فراهم شد و بار دیگر پرچم عزت و اقتدار کشور در مسیر توسعه و تعالی، در ابعاد مختلف مادی و معنوی به اهتزاز در آمد.

این تحول در حدی بوده که هم اکنون بخش قابل توجهی از دستاوردهای علمی دانشمندان و متخصصان ایرانی در عرصه های مختلف به محصولات صنعتی تبدیل شده و افزایش میزان تولیدات و صادرات در بخش های گوناگون را به همراه داشته است این همه بیانگر آن است که به تعبیر حضرت امام رحمه الله ، ما می توانیم و خواستن، توانستن است.

با وجود تمام پیشرفت های کسب شده در این زمینه ما هنوز نمی توانیم بگوییم که اکنون در عرصه تولید به تمام آرمان ها و اهداف مورد نظر دست یافته ایم؛ چرا که همچنان تا رسیدن به وضع مطلوب راه زیادی باقی مانده است. ما تا دست یابی به مرحله ای از دانش که بتوانیم در مواجهه با تحریم ها و در رقابت با بازارهای بین المللی، نه همه محصولات (که امکان پذیر و منطقی نیست)، بلکه در حد رفع وابستگی در تأمین نیازهای اساسی، بخش

عمده آنها را خود تولید کنیم، فاصله داریم. کافی است به طور گذرا به وسایل و امکانات متنوع و مدرن محیط کار یا محل زندگی خودمان نگاهی بیندازیم و سهم دانشمندان و نخبگان ایرانی از اختراع، ابداع یا حتی تولید داخلی این امکانات را بررسی کنیم. هنوز بخش زیادی از نیازهای اساسی ما وارداتی است و بخش قابل توجهی از حاصل فعالیت های تولیدی ما به شکل مواد اولیه خام و بدون فرآوری و در نظر گرفتن ارزش افزوده آن صادر می شود.

با اینکه سال ها، تولیدکننده نفت بوده ایم، اما همچنان خام فروشی نفت دغدغه اصلی مسئولان به شمار می رود. هنوز نتوانسته ایم حداقل در این زمینه به طور کامل نیازهای داخلی کشور را تأمین کنیم.

در دیگر بخش ها، با وجود پیشرفت های شگرف و ارتقای قابل ملاحظه جایگاه علمی کشور و با وجود اینکه در حد قابل توجهی به دانش بومی و تکنولوژی های روز دنیا دست یافته ایم، اما اولاً هنوز به حدی از خودباوری و بلوغ علمی نرسیده ایم که همه دستاوردهای علمی را به محصول تبدیل کنیم و به یک تولیدکننده واقعی دانش و صادرکننده متکی به فن آوری بومی تبدیل شویم. ثانیاً همچنان در بخش های زیادی از فعالیت های عمرانی، صنعتی و خدماتی، بیش از حد متعارف، نیازمند واردات و استفاده از دانش، تجهیزات و ماشین آلات خارجی هستیم.

گفته می شود ژاپنی ها در گذر از مرحله عقب ماندگی و ورود به مرحله توسعه یافتگی، در اقدامی فراگیر و ملی و با عزم و اراده ای جدی، به عنوان یک شعار راهبردی اعلام کردند که دیگر هیچ کالای غیر ضروری را وارد نخواهند کرد، مگر اینکه خودشان آن را تولید کنند. این در شرایطی است که

در این کشور، منابع طبیعی به عنوان یکی از سه عامل اصلی تولید ثروت، فقط ۲ درصد از منابع را به خود اختصاص داده است. این مشکل مانع کار نشد و آنها توانستند با تقویت دو عامل دیگر یعنی امکانات فیزیکی با ۱۸ درصد سهم به ویژه منابع انسانی (علم و دانش نیروهای متخصص و ماهر) با ۸۰ درصد سهم، نه تنها شکاف موجود را برطرف کنند، بلکه با اتکا به تولید علم و فن آوری عمدتاً بومی، ژاپن را به یکی از بزرگ ترین صادرکنندگان و صاحبان سرمایه در دنیا تبدیل کنند.

چینی‌ها نیز با برخورداری از کمترین منابع طبیعی در اقدامی مشابه اعلام کردند هر کالایی را فقط یک بار وارد و در مراحل بعد، خود آن کالا را تولید می کنند. در حال حاضر نیز با وارد کردن مواد اولیه ارزان قیمت و تبدیل آن به محصولات جدید و صدور آن به سراسر دنیا، بیشترین ارزش افزوده را نصیب خود می سازند. به این مقدار هم بسنده نکرده و با سرمایه گذاری در دیگر کشورها، به آن سطح از رشد دست یافته اند که هم اکنون تنها در کشورهای آفریقایی، بیش از ۷۰۰ پروژه عمرانی و صنعتی در بخش ها و موضوعات مختلف را در دست اجرا دارند. این موضوعی است که در مورد دیگر کشورهای پیشرفته مانند آلمان با سهم ۴ درصدی و اسپانیا با سهم ۱۰ درصدی از منابع طبیعی (نسبت به سایر عوامل تولید ثروت در یک کشور) مصداق دارد.

شرایط کسب و کار و ارزش های اجتماعی در کشور ما تابع شرایط خاص خود است و با دیگر کشورها تفاوت دارد، اما نباید فراموش کنیم که از دیرباز در سایه برخی سیاست گذاری ها و اقدامات غیر اصولی دستگاه ها، به جای آنکه موانع موجود را شناسایی و مرتفع کنیم و برای کاهش نرخ

رشد بی‌کاری، هزینه‌های سرمایه‌گذاری در تولید و حتی پرداخت یارانه به این موضوع را پذیرا باشیم، نه تنها کالاهای غیر تولیدی را وارد می‌کنیم، بلکه بدون ایجاد محدودیت‌های منطقی و متعادل، به قدری سازوکار ورود محصولات خارجی را تسهیل می‌کنیم که بخش قابل توجهی از داشته‌های خود در بخش صنعت را نیز به طور کامل از دست می‌دهیم. متأسفانه این روند به گونه‌ای در حال گذر است که از دست دادن بخش‌های دیگر نیز دور از انتظار نیست.

مشکل در این زمینه، از این میزان هم فراتر رفته است. امروزه خودمان به تبلیغ کالاهای خارجی دامن می‌زنیم که بخش قابل ملاحظه‌ای از وقت تبلیغاتی رسانه ملی، مطبوعات و حاشیه خیابان‌ها و معابر عمومی شهرها و حتی جاده‌های بین‌شهری را به مانند اختاپوسی غول‌پیکر در سیطره خود گرفته‌اند و آن‌گاه غافل از نتایج کار، در جست‌وجوی راهکارهای جدید برای اشتغال‌زایی و توسعه صنایع، به این و آن متوسل می‌شویم.

بررسی‌های کلی نیز گویای آن است که با وجود تمام تلاش‌های صورت گرفته از سوی کشورهای در حال توسعه، در مجموع، سهم سرمایه‌های انسانی و اجتماعی در تولید ملی کشورهایی مانند کشور ما بسیار اندک است، به گونه‌ای که مجموع ۶۳ کشور صادرکننده مواد خام (عمدتاً جهان سومی) با برخورداری از ۳۶ درصد منابع انسانی، ۲۰ درصد امکانات فیزیکی و ۴۴ درصد از منابع طبیعی، فقط ۶/۴ درصد از تولید ثروت جهانی و ۱۰۰ کشور در حال توسعه از جمله ایران نیز با ۵۶ درصد منابع انسانی، ۱۶ درصد امکانات فیزیکی و ۲۸ درصد از منابع طبیعی حدود ۹/۱۵ درصد از تولید ثروت جهانی را به خود اختصاص داده‌اند و متقابلاً ۲۹ کشور صنعتی

(توسعه یافته) با ۶۷ درصد منابع انسانی، ۱۶ درصد امکانات فیزیکی و ۱۷ درصد منابع طبیعی، بیش از ۶/۷۹ درصد تولید ثروت جهانی را از آن خود ساخته اند و این نکته، بیانگر عمق فاجعه است.

نتایج این بررسی ها نشان می دهد کشورهای صنعتی با وجود برخورداری از کمترین میزان منابع طبیعی و عمدتاً با اتکا به منابع انسانی متخصص و در اختیار گرفتن امکانات فیزیکی و ابزار نوین و از طریق تولید علم و فن آوری نوین توانسته اند بیشترین درآمد را به دست آورند.

بدیهی است ریشه این مسائل را می توان در عوامل مختلفی مانند: درگیر بودن کشور در جنگی تحمیلی، توطئه ها و دسیسه های مستمر بیگانگان و تأثیر منفی آن در روند توسعه، غفلت برخی مسئولان سابق برای اقدام به موقع نسبت به انجام برخی اقدامات بنیادی و زیربنایی، گرفتار شدن بخش قابل توجهی از افراد اثرگذار جامعه در کشمکش های سیاسی و مسائل حاشیه ای، ضعف در تدوین استراتژی ها و هدف گذاری های سازمانی، به روز نبودن سیستم ها و روش ها و مهم تر از همه فراموش شدن نقشی که هر یک از ما می توانیم در این زمینه بر عهده داشته باشیم، جست و جو کرد.

شاید هیچ گاه از خود نپرسیده باشیم چه عواملی مانع از دست یابی کامل ما به اهداف مورد نظر در این زمینه شده است؟ نقش و مسئولیت هر یک از نهادهای اجتماعی مانند: دولت، مراجع قانون گذاری، مجریان قانون و یا وارد کننده، تولید کننده، صادر کننده، مصرف کننده و به ویژه رسانه ها در نابسامانی های مورد اشاره و اصلاح و بهبود آن چیست؟ چه عاملی باعث شده تا ما در تولید علم فقط مراحل اولیه را ببیمیم و به ارائه چند مقاله و دریافت تعدادی مدال و دیپلم افتخار بسنده و دل خوش کنیم؟ چه عاملی

سبب شده تا محصولات صنعتی ما در رقابت با محصولات خارجی خیلی زود از گردونه تولید خارج شوند؟ اصولاً آیا ما می‌توانیم عملکرد خود را صرفاً با معیارها و شاخصه‌های خارجی تطبیق دهیم یا بسنجیم؟ چرا در برخی از موضوعات مانند تولید محصولات کشاورزی، تعادل منطقی و حساب شده بین عرضه و تقاضا وجود ندارد و گاهی با مازاد بدون برنامه تولید و گاهی با کمبود تولید مواجه می‌شویم؟ چرا بخش قابل توجهی از محصولات تولیدی ما در صنایعی مانند خودروسازی هیچ‌گاه نمی‌تواند حتی رضایت نسبی مشتری را فراهم کند؟ چرا دیگر اثر چندانی از دانش مفید و ارزشمند معماری ایرانی و نمادهای اسلامی در صنعت ساخت و ساز ما به چشم نمی‌خورد؟ چه عواملی باعث می‌شوند که مثلاً عمر مفید یک ساختمان در کشور ما بیست سال تعیین شود و پس از آن به تدریج شمارش معکوس برای فرسودگی زود هنگام و فرو ریختن خود به خود آن آغاز شود، در حالی که دیگران ساختمان‌هایی می‌سازند که پس از صد سال به زور دینامیت و ابزار ویژه قابل انهدام است؟

آیا هنگام آن نرسیده است تا در مسیر توسعه و تعالی ایران اسلامی، هر کدام از ما نسبت به موقعیت و مسئولیت خود در جامعه، با نگاه به فرصت‌های از دست رفته و شرایط پیش‌رو، در اقدامی فراخور شأن و منزلت مردم کشوری انقلابی و اسلامی، دست در دست یکدیگر نهیم و به ضرورت افزایش کیفیت و تحول در موضوع تولید و احیاء موقعیت قبلی خود بیندیشیم؟

۱۳. حمایت خاص از تولید با حمایت تعرفه ای

۱۳. حمایت خاص از تولید با حمایت تعرفه ای

در خصوص این موضوع نمونه موفق این سیاست ها در سال های اخیر، پیش روی مردم و مسئولان است و حمایت خاص از خودروسازان از طریق تعرفه ۹۰ درصدی، تأمین اعتبار مالی و... نشان می دهد خودروسازان تولید سالی ۵/۱۰ میلیون خودرو با ۲۰ هزار میلیارد تومان گردش مالی و ۲ میلیون شغل مستقیم و غیر مستقیم را ایجاد کرده اند. به دیگر سخن، سیاست مؤثر تعرفه ۹۰ درصدی، این همه مواهب و عواید برای کشور داشته و خودروساز ایرانی از سال ۱۳۷۲ تاکنون با همین چند سیاست، به خودروساز جهانی و صادرکننده موفق در منطقه تبدیل شده است.

اگر این نگاه به خودروسازان به چند صنعت بومی و تاریخی ایران، یعنی صنعت نساجی، کیف و کفش و... نیز تعمیم داده شود یا حداقل با تعرفه ۴۰ تا ۵۰ درصدی از این صنایع قدیمی و ریشه دار و صنایع غذایی حمایت کنیم، متوجه خواهیم شد که نه تنها ایرانی، کالا- و خودرو و پارچه و کفش و مواد غذایی ایرانی مصرف می کند، بلکه کشورهای دیگر را نیز به واردات کالا از ایران تشویق خواهد کرد.

همان طور که در گذشته، ایران، صادر کننده غلات به دنیا بوده و استان سیستان و بلوچستان، انبار غله ایران نام گرفته بود و از پنبه گرفته تا رب گوجه و کفش و چرم و فرش و... از ایران صادر می شد، اکنون نیز می توانیم با سیاست های ارزی، بانکی، گمرکی و تعرفه ای مناسب، شاهد رشد دوباره صنایع و کالای ایرانی در بازار داخلی و خارجی باشیم.

۱۴. وظایف دولت و شکل های صنفی

۱۴. وظایف دولت و شکل های صنفی

مسئول تدبیر و تنظیم سیاست های بازار کالا و ایجاد شفافیت در بازارهای

کار، پول، سرمایه و کالا، دولت و تشکل های صنفی و صنعتی هستند و اگر به سیاست های نرخ ارز، سیاست های مالی و پولی و بانکی، نرخ تعرفه، مالیات و قوانین کار و... به عنوان سیاست های مکمل توجه شود، قطعاً قدرت رقابتی تولید داخلی افزایش خواهد یافت و شاهد حضور کالای با کیفیت و قیمت مناسب ایرانی و حمایت مردم از تولید و کارگر و سرمایه گذار ایرانی خواهیم بود.

توسعه اقتصادی، نیازمند یک روند چند ساله و حداقل یک دهه است و برنامه حمایت از تولید ملی به دنبال توجه به اصلاح الگوی مصرف، جهاد اقتصادی و طرح های تحول و هدفمندی یارانه ها، اقتصاد کشور را در جهت توسعه به پیش می برد و در دوران تشدید تحریم های کشورهای متعارف، حمایت از تولید ملی می تواند کشور را از شرایط تحریم عبور دهد.

از آنجا که دهه پیش رو، به نام دهه عدالت و توسعه و پیشرفت مورد توجه قرار گرفته است، در نتیجه با هر خط و مشی و مسیری که سیاست داخلی و خارجی ایران در پیش بگیرد، ملت ایران و مسئولان تأکید دارند که شاخص های اقتصادی ایران باید متناسب با شأن ملت ایران در منطقه رشد کند و شاهد پیشرفت اقتصاد و قدرت ایران باشیم. از آنجا که ایران به عنوان یک کشور مقتدر و با فرهنگ و پیشینه تاریخی در منطقه مطرح است، از نظر شاخص های قدرت اقتصادی نیز ایران نباید از کشورهای منطقه عقب بیفتد. همان طور که قبلاً تأکید شده است، ایران باید در چشم انداز ۱۴۰۴ به کشور اول منطقه تبدیل شود؛ زیرا از جهت مزیت های اقتصادی مانند معادن نفت و گاز و فلزات و... نیز از کشورهای منطقه قوی تر است.

در سال های بعد از جنگ، اقتصاد ایران در تأمین مایحتاج اولیه و معیشتی،

خود قادر به راه اندازی انواع تولیدات مواد اولیه، رشد محصولات کشاورزی و انواع کارخانه های صنعتی بوده و امروز نه تنها نیازهای خود از قبیل خودرو، صنایع غذایی و... را تأمین می کند، بلکه روند صادرات کالاهای صنعتی رشد فزاینده داشته و در سال ۱۳۹۰ شاهد صادرات غیر نفتی به میزان نزدیک به ۵۰ میلیارد دلار بوده ایم. پس وقت آن رسیده است که با حمایت از تولید ملی، از دیگر کالاهای تولید داخلی مانند روندی که در خودروسازی شاهد بودیم، حمایت شود.

جامعه ایران متناسب با شأن تاریخ کهن و جایگاه امروز خود در جهان و متناسب با مزیت های گسترده طبیعی و جغرافیایی، باید شاخص های اقتصادی و تولیدی خود را ارتقا دهد تا شاخص های رفاهی، تولیدی، خدماتی و سایر شاخص های اقتصادی را متناسب با مزیت های معدنی، صنعتی، آب و هوایی، گردشگری و... خود ارتقا دهد.

در شرایطی که بسیاری از کشورهای اسلامی و کشورهای همسایه در منطقه خاورمیانه و آسیا، در سال های اخیر پا به عرصه کشورهای در حال توسعه و نوظهور گذاشته اند و با رشد شاخص های اقتصادی و ثروت فردی و اجتماعی همراه بوده اند، شایسته است ایران نیز متناسب با جایگاه فرهنگی و سیاسی خود و به عنوان پیش تاز کشورهای منطقه، به موضوع افزایش قدرت رقابت اقتصادی و تجاری خود توجه کند. تجربه تاریخ اقتصاد جهان نیز نشان می دهد هیچ کشوری بدون توجه به اصلاح ساختار اقتصاد و حمایت از تولید ملی خود قادر به رشد شاخص های اقتصادی و توان تجاری خود نبوده است و همان طور که ژاپن و کره جنوبی و مالزی، با حمایت از تولید داخلی خود، روند توسعه را پیموده اند، اقتصاد ایران نیز باید به این

توجه کند و مسیر توسعه را با حمایت از کالا و کارگر و سرمایه گذار داخلی خود به پیش ببرد و باور کند که ایرانی باید جنس ایرانی مصرف کند....

۱۵. افزایش قدرت رقابتی تولید داخلی

۱۵. افزایش قدرت رقابتی تولید داخلی

در سال های اخیر، برخی سیاست های اصلاح ساختار و تحول اقتصادی نظیر سیاست های کلی اصل ۴۴، خصوصی سازی، طرح های عمرانی، هدفمندی یارانه ها و... اجرا شده و تا حدودی اثرگذار بوده است، اما برای اثرگذاری بر شاخص های اقتصادی و رشد سرمایه گذاری بخش خصوصی، بهبود بانک داری، صنعت، توسعه صنعت نفت و گاز و... باید جدی تر و شفاف تر عمل شود تا خصوصی سازی واقعی را شاهد باشیم و کارآیی مدیریت بهتر شود. تا زمانی که بخش خصوصی، دولت و بخش های دولتی را رقیب خود می بیند، نمی توان انتظار داشت که تولید ملی با قدرت رقابتی بالاتری نسبت به کالای خارجی همراه باشد.

سال گذشته یعنی سال ۱۳۹۰ به عنوان آغازگر دهه ۱۳۹۰ با نام گذاری سال جهاد اقتصادی همراه شد. در این سال، اقداماتی از سوی دولت و بخش خصوصی در راستای بهبود شاخص های اقتصادی صورت گرفت، اما این سیاست ها کافی نبود و با یک سال نیز نمی توان انتظار بهبود زیاد را داشت. پس باید استراتژی حمایت از تولید ملی و جهاد اقتصادی را از خود دولت شروع کنیم و دولت تاحد ممکن راه را برای تولید داخلی و کاهش واردات کالا باز کند. اگر تولیدکننده احساس کند که دولت همچنان به واردات کالای خارجی تمایل دارد، نمی تواند به رقابت پردازد. پس دولت نباید به بهانه های مختلف به واردات کالا به ویژه در فصل برداشت و عرضه کالای

داخلی اجازه بدهد.

طبیعی است این جهاد بزرگ اقتصادی، تنها با برنامه های یک ساله تحقق نمی یابد و باید حداقل یک دهه با اولویت دادن به برنامه های متعدد در بخش های مختلف اقتصادی، شاهد این جهاد و تحول بزرگ اقتصادی در کشور باشیم.

پیشرفت و توسعه اقتصادی یک کشور، فرآیندی است که در یک برنامه بیست ساله و در چند برنامه پنج ساله باید در اولویت های یک کشور باشد و به تدریج، با شکل گیری باورها و طراحی برنامه های متناسب با مزیت های اقتصادی و اجتماعی شکل بگیرد.

به عبارت دیگر، برای آنکه صنایع بومی و خودکفا و متکی بر توانایی های داخلی داشته باشیم، باید از تربیت نیروی انسانی و دانشگاه ها، مراکز فنی و حرفه ای و هنرستان ها و حتی از آموزش ابتدایی باید کار را آغاز کنیم تا نیروی انسانی مورد نیاز در دهه آینده و حتی دو دهه آینده را از حالا تربیت کنیم.

بر این اساس، لازم است یادآور شویم که حمایت از تولید ملی، نیازمند بسترسازی و سازوکارها و سیاست هایی است که بدون آنها نمی توان تولید ملی را حمایت کرد.

برخی از این سیاست ها، نیازمند اصلاح روند چند سال اخیر و اشتباه هایی است که متناسب با ماهیت و شرایط اقتصاد، به آن دچار شده ایم و ساختار اقتصاد ایران با برخی خلاف قاعده ها و بی نظمی ها و بی انضباطی ها مواجه بوده است که باید برطرف شود. به عنوان مثال، با وجود آنکه در سال های اول انقلاب، مصرف گرایی را نادرست ارزیابی کردیم و واردات بی رویه را

نادرست می خواندیم، اما به دلیل وابستگی بودجه دولت به نفت، در سال های اخیر شاهد رشد بی رویه واردات کالا از خارج بوده ایم و نرخ ارز نفتی نیز به حدی پایین بوده که باعث تشویق واردات کالای خارجی به جای مصرف تولید داخلی شده است.

مجموعه دیگری از سیاست ها که باید جهت افزایش قدرت رقابتی تولید داخلی استفاده شود، ساده سازی قوانین کار و بیمه و مالیات است تا تولیدکننده از کارگر ایرانی بیشتر استفاده کند و بی کاری کاهش یابد. علاوه بر این قوانین باید هزینه تولید و راه اندازی کارخانه ها کم شود.

۱۶. حمایت های خاص و تعرفه ای

۱۶. حمایت های خاص و تعرفه ای

نوع دیگری از حمایت ها باید از طریق افزایش تعرفه واردات کالاهای خارجی انجام شود. خوشبختانه به دلیل رشد نسبی نرخ ارز تا حدودی، واردات کالای خارجی نسبت به قبل گران تر شده و تولید داخلی و کالای ایرانی قدرت رقابت بیشتری یافته، اما واقعیت این است که نرخ پایین تعرفه ها و واردات بی موقع محصولات خارجی به ویژه مواد غذایی در فصل برداشت محصولات کشاورزی باعث شده است تولید داخلی آسیب ببیند.

نکته دیگری که لازم است به آن توجه شود، تجربه حمایت های خاص از صنایع کشور مانند خودروسازی است. خوشبختانه از طریق تعرفه ۱۰۰ درصدی و ۹۰ درصدی در سال های اخیر و با وجود قانون خودرو، تولید خودرو کشور، سالی ۵/۱۰ میلیون دستگاه از نیاز داخلی را تأمین می کند و میلیون ها کارگر به صورت مستقیم و غیر مستقیم در عرصه خودروسازی و خدمات آن مشغول به کار هستند و هزاران میلیارد تومان گردش مالی دارد.

همچنین امروز به یکی از صادرکنندگان موفق خودرو به کشورهای همسایه مانند عراق و قاره آفریقا و بلاروس و سوریه و... تبدیل شده ایم.

شایسته است به حمایت تعرفه ای از برخی صنایع مانند نساجی و کفش و صنایع چرم توجه شود؛ زیرا ایران در گذشته که موج واردات کالای خارجی را شاهد نبود، نه تنها نیاز خود را تأمین می کرد، بلکه صادرات نیز داشته و به جای اجناس بنجل و بی کیفیت وارداتی، از اجناس زیبا و باکیفیت داخلی مانند پارچه ها و کفش های عالی ایرانی بهره مند می شد.

بر این اساس، باید توجه داشته باشیم که حمایت از برخی صنایع نه تنها باید از طریق تعرفه در کوتاه مدت انجام شود، بلکه امید است با حمایت های دیگر از طریق رشد نرخ ارز متناسب با تورم اجازه ندهیم واردات، تولید داخلی را تضعیف کند.

اگر سیاست های تعرفه ای، نرخ ارز و... تنظیم شود، حتی اجناس قاچاق نیز قادر نخواهد بود که تولید داخلی را تضعیف کند.

۱۷. بسته بندی تولیدات و بازاریابی مناسب

۱۷. بسته بندی تولیدات و بازاریابی مناسب

نکته دیگر، ضرورت توجه به بسته بندی و بازاریابی مناسب است؛ زیرا در حال حاضر بسیاری از تولیدات ایرانی، مانند چای باکیفیت شمال ایران، به دلیل بسته بندی و معرفی نکردن نامانام (برند) مناسب، بازار کوچکی دارند، در حالی که چای خارجی به صورت رسمی و قاچاق، نامانام (برند) های مختلف و با کیفیت پایین و همراه با انواع اسانس نامناسب وارد کشور می شود.

متخصصان می دانند که چای ایران بسیار بهتر از چای خارجی است. ذائقه

بازار تغییر کرده و به سمت چای خارجی متمایل شده، ولی تبلیغات و بسته بندی مناسب می تواند سلامت مردم و حمایت از تولید داخلی را به همراه داشته باشد.

۱۸. انضباط مالی دولت و کاهش وابستگی به دلار نفتی

۱۸. انضباط مالی دولت و کاهش وابستگی به دلار نفتی

تنظیم سیاست های پولی و مالی دولت باید به گونه ای باشد که به رشد واردات برای تأمین ریالی بودجه خود نیاز نداشته باشد. این مهم باید در سال های آینده از طریق تأمین ریال بودجه و رشد مالیات ها و رشد درآمد حاصل از فروش فرآورده نفتی، تأمین شود، نه از طریق واردات کالا- و خروج ارز نفتی بابت کالای خارجی و فروش کالای خارجی در داخل، به ریال و ...

اگر بودجه دولت درست تنظیم شود، نقش کنترل واردات در حمایت از تولید ملی می تواند اثرگذارتر از اکنون باشد.

دولت پیش بینی کرده است که با رشد مالیات ها، رشد درآمد هدفمندی یارانه ها و...، نیاز به نفت و واردات با ارز نفتی کمتر خواهد شد، ولی لازم است در شرایط کنونی، دست کم از میزان وابستگی بودجه به نفت کمتر شود.

همچنین برای آنکه رقابت در بخش خصوصی شکل بگیرد و قدرت رقابتی افراد و شرکت های شایسته ارتقا یابد، باید شرایطی فراهم شود که دولت در مقام رقیب بخش خصوصی در بسیاری از عرصه ها، جای خود را به بخش خصوصی بدهد و با خصوصی سازی و واگذاری شرکت ها و از همه مهم تر با هدایت بودجه دولتی به سمت عمران و وظایف حاکمیتی، زمینه

حضور بخش خصوصی تقویت شود.

۱. نهادسازی قانونی و مدنی

۱. نهادسازی قانونی و مدنی

مهم ترین حرکت در جهت حمایت از تولید ملی و جهاد اقتصادی، نهادسازی قانونی و مدنی و ایجاد تشکل های متناسب با این حرکت بزرگ در جامعه است و مهم ترین قانون و نهاد در اقتصاد، آزادسازی قیمت ها و به کارگیری تدبیر دولت در بازارهای مختلف است تا از این طریق شاخص ها و نرخ ها و عملکرد اقتصادگردانان به ویژه بخش خصوصی و سرمایه گذاران، به درستی تنظیم و انگیزه لازم برای رشد پس انداز جامعه و سرمایه گذاری فراهم شود. اما کارگر بی کار داریم، پس باید قوانین کار را ساده تر کنیم. برای نمونه، در جامعه ای که سه میلیون نفر بی کارند و امتیازهای بسیاری، مانند نفت و گاز و گردشگری وجود دارد، سازوکار به کارگیری نیروی کار باید سبب افزایش کارگر در کارگاه ها و کارخانه ها شود. اولاً صنایع و کارخانه ها و هتل ها و خدمات در جهت به کارگیری امتیازهای نفت و گاز و گردشگری گسترش یابد و ثانیاً، نرخ دستمزد و قوانین کار نباید به شکلی باشد که کارگر کمتر استخدام شود و در عوض ماشین آلات بیشتر به کار بگیریم.

به عبارت دیگر، در جامعه ای که بی کاری دارد، باید کارگر بیشتر به کار بگیریم و سرمایه کمتر مصرف کنیم، در حالی که این روند در سال های اخیر برعکس بوده و نرخ دستمزد و قوانین کار را سخت گیرانه تنظیم کرده و نرخ سرمایه یا نرخ بهره و ارز را کاهش داده ایم تا از پول و واردات و ماشین آلات بیشتر استفاده کنند..

در نتیجه، تمایل به استفاده از وام بانکی، ماشین آلات، ارز، واردات کالا و

مواد اولیه و ماشین آلات وارداتی بیشتر شده است و تمایل به استفاده از نیروی کار و کارگر را کم کرده ایم.

به عبارت دیگر، در سرزمینی که نیروی کار و زمین فراوان و آب و سرمایه کم داریم، باید نرخ ها به سمتی برود که از زمین و نیروی کار بیشتر و از آب و سرمایه کمتر استفاده کنیم تا تولید با بهره وری بیشتر همراه شود.

برای نمونه، در امور خدماتی شهری، باید مانند گذشته از نیروی کارگر ایرانی استفاده کنیم و نیروی انسانی از خیابان های شهر نگه داری کند و از ماشین آلات کمتر بهره ببریم. همچنین وقتی آب کم داریم، باید به جای کاشت چمن که آب زیاد نیاز دارد، درخت بکاریم و درختان ایرانی، مانند توت و انار و... که آب کمتری نسبت به چمن نیاز دارد، در خیابان ها و کوچه ها بکاریم و درختان فعلی را حفظ کنیم و اجازه شکستن آنها را ندهیم.

دفاع از تولید ملی، از کاشتن درخت و حفظ درخت به عنوان سمبل زندگی اقتصادی ایرانیان شروع و تا تنظیم نرخ ارز و تعرفه و بودجه و واردات را شامل می شود.

نکته دیگر مهم تر این است که امسال برای حمایت از تولید ملی، هر سیاست و توصیه و برنامه ای که دولت و کارشناسان و مردم دنبال می کنند، نباید سال یا سال های بعد فراموش شود و نباید به طور تصادفی، از شانس رشد قیمت نفت و هزینه سوخت و رشد نرخ ارز که منجر به کاهش واردات و افزایش صادرات غیر نفتی شده است، استفاده کنیم و بلافاصله در سال های بعد، حمایت از تولید ملی را فراموش کنیم.

اگر اقتصاد ایران با شانس رشد نرخ ارز و قیمت نفت مواجه و باعث رشد صادرات غیر نفتی و کاهش واردات و به نفع تولید ملی تمام شده

است، باید در سال های بعد نیز نرخ ارز متناسب با تورم افزایش یابد تا تولید ملی بتواند با واردات کالای خارجی رقابت کند یا از طریق تنظیم تعرفه و سیاست های دیگر، قدرت رقابتی تولید داخلی تقویت شود.

سخنان مقام معظم رهبری و سخن گفتن از ضرورت حمایت از تولید ملی، تنها به یک سال محدود نمی شود و نباید الگوی مصرف، جهاد اقتصادی و حمایت از تولید ملی در سال های بعد فراموش شود، بلکه باید الگوی اقتصادی ایران و مبنای برنامه ریزی ها باشد و باید به خاطر داشته باشیم حمایت از تولید ملی به چند سال کار پی در پی نیاز دارد؛ زیرا امسال که دولت برنامه هایی برای حمایت از تولید اجرا می کند، سرمایه گذار یک سال بعد، آن را باور می کند و سرمایه گذار داخلی و خارجی، سرمایه اش را به کار می گیرد تا چند سال بعد با به کارگیری متخصصان و نیروی کار و... شاهد رشد تولید ملی باشیم.

اگر امسال سیب زمینی و پیاز و دیگر محصولات، بازار مناسب و قیمت مناسب و انبارداری خوبی داشته باشند، به طور طبیعی کشاورز تشویق به تولید می شود. لذا برای آنکه عوامل تولید و پس انداز کننده و سرمایه گذار ایرانی و خارجی، در جهت حمایت از تولید ملی گام بردارند، لازم است از رسانه ها و صدا و سیما گرفته تا مسئولان کشور، سیاست ها و قانون و اجرا را به گونه ای سامان دهند که عوامل بازار از کارگر گرفته تا تولید کننده و مصرف کننده در جهت حمایت از تولید قدم بردارند و در این جهت، توجه به ادبیات و توصیه های علم اقتصاد، ضرورتی انکارناپذیر است. این وظیفه مسئولان اجرایی کشور است که سخن و تدبیر مقام معظم رهبری را با سازوکار های اجرایی و قانونی تحقق ببخشند.

بدون شك ملت ايران علاقه مند به توليد ملي و اشتغال فرزندان خود هستند، اما اگر كيفيت کالا و قيمت و ساير سياست هاي دولت و مجلس، بهبود نيابد، تمايل به مصرف كالاي خارجي ادامه خواهد يافت.

البته لازم است يادآور شويم كه در بسياري از موارد كالاي ايراني برتر از كالاي خارجي است، اما نبود بسته بندي مناسب و شبكه توزيع كالاي مناسب سبب شد كالاي نامرغوب خارجي با سود خوب براي فروشنده جاي كالاي با كيفيت و زيباي ايراني را بگيرد.

فصل ششم: آسیب های تولید ملی

اشاره

فصل ششم: آسیب های تولید ملی

در کشورهایی که دولت، متکی به کار ملی است، ارزش پول ملی تابعی از نسبت درآمدهای ارزی حاصل از فروش کالا و خدمات به دنیا به مخارج ارزی، ناشی از خرید کالا و خدمات از دنیاست.

به عبارت ساده تر، هر چقدر توان کشور در تولید و فروش کالا- و خدمات بالاتر از تقاضای کشور برای کالا- و خدمات وارداتی باشد، پول ملی بیشتر تقویت می شود و نرخ ارز کاهش می یابد، در صورتی که کشور وضعیت خوبی در تولید و صادرات نداشته باشد، پول ملی تضعیف و نرخ ارز افزایش می یابد و این افزایش سبب گرانی کالاهای وارداتی و به صرفه شدن تولید داخل می شود و در نتیجه، به رقابت پذیری تولید ملی کمک می کند و منجر به بازتوانی تولید تضعیف شده می شود. پس در دولت متکی به کار ملی، ارزش پول ملی، آینه ای از قدرت تولید ملی خواهد بود.

۱. رقابت‌پذیری تولید ملی

۱. رقابت‌پذیری تولید ملی

در کشورهایایی که دولت‌های متکی به ثروت ملی بر سر کارند، ورود ارز حاصل از فروش ثروت ملی به چرخه ارزی کشور موجب مخدوش شدن ارتباط ارزش پول ملی با نسبت درآمدهای ارزی حاصل از تولید ملی به مخارج ارزی ناشی از مصرف ملی می‌شود. بنابراین، ضعف و قوت تولید ملی، اثر واقعی خود را بر ارزش پول ملی از دست می‌دهد. به عبارت دیگر، هر چقدر درآمدهای ناشی از فروش نفت و گاز _ البته درآمدهای که مستقیماً با تبدیل به پول ملی وارد اقتصاد کشور می‌شود _ بالاتر باشد، بر تقویت پول ملی اثر بیشتری می‌گذارد و این اثر مستقل از اثر درآمدهای ناشی از کار ملی است. بنابراین، در شرایطی مانند امروز در کشور ما که تولید در مقابل واردات به شدت ناتوان و آسیب‌پذیر شده است _ و در شرایط نبود اثر درآمدهای نفتی بر پول ملی، قطعاً حفظ ارزش ریال در سطح فعلی امکان‌پذیر نمی‌بود _ می‌بینیم ارزش واقعی ریال با تکیه به دلارهای نفتی کماکان در حال تقویت است. بی‌کاری نیروهای فعال و فقدان درآمد کافی سرمایه‌گذاران در عرصه فعالیت‌های تولیدی است که مانع از گسترش به‌کارگیری این نیروها می‌شود. از این رو باید گفت علت رویکرد سرمایه‌گذاران ایرانی به سرمایه‌گذاری در عرصه‌های خدماتی و رفاهی زودبازده، عمدتاً در فقدان درآمد کافی در عرصه تولید ملی و دردهای خاص آن ریشه دارد که یکی از آنها، افسارگسیختگی و بی‌مبالاتی در واردات بسیار سودآور و وسوسه‌کننده کالاهای خارجی، اعم از با کیفیت و بی کیفیت، با اذعان به تولید گسترده و مکفی همان کالاها با کیفیت مشابه یا حتی برتر در کشور است که

متأسفانه با پشتوانه تبلیغات رسانه ای و خیابانی در بیلبوردها و بنرهای جذاب و فریبنده انجام می پذیرد!

مازندران یکی از قربانیان واردات بی رویه و توأم با سیاست های غلط است که در زمینه محصولات باغی و کشاورزی، مثل برنج و مرکبات با قیمت های پایین تر انجام می پذیرد و همواره به خاطر همین به صرفه نبودن، موجب گریزانی بخشی از کشاورزان و باغداران فعال از عرصه تولید به عرصه های خدماتی می شود.

۲. ارزش پول ملی در اقتصاد متکی به ثروت ملی

۲. ارزش پول ملی در اقتصاد متکی به ثروت ملی

همواره تراز بازرگانی خارجی کشور ما بدون احتساب نفت در سال های گذشته منفی و تراز بازرگانی خارجی با احتساب نفت مثبت بوده است. همچنین به دلیل قیمت های بالای نفت در پنج سال گذشته، تراز حساب جاری کشور نیز مثبت بوده است. بنابراین، مثبت بودن تراز حساب جاری، به خودی خود نقطه قوت یک اقتصاد تلقی می شود، اما در شرایطی که تراز بازرگانی خارجی بدون احتساب نفت منفی است، مثبت بودن تراز حساب جاری موجب نرسیدن صدای خرد شدن استخوان های تولید ملی به گوش اقتصاد کشور شده است، یعنی در حالی که از توان تولید ملی دائماً کاسته می شود، اما ارزش واقعی پول ملی بی توجه به آن دائماً تقویت شده است.

با توجه به این توضیحات، اکنون می توان دریافت که تثبیت نرخ ارز و به عبارت صحیح تر، کاهش نرخ واقعی ارز، یک سیاست ارزی مدیریت شده نیست، بلکه ریشه در خرج و تزیق دلارهای نفتی به بودجه های دولت طی چند سال گذشته دارد. به عبارت دیگر، دولت با وجود تجربه آثار بیماری

هلندی بر اقتصاد کشور در دهه های قبل، به تشدید این بیماری توجهی نکرده و صدها میلیارد دلار درآمد نفتی را صرف بودجه های خود کرد. بنابراین، بر خلاف قاعده متداول در کشورهای دیگر که تنظیم یا حفظ ارزش پول ملی از وظایف بانک های مرکزی کشورها است، در کشور ما بانک مرکزی صرفاً از نقطه ای که دیگر فروش دلارهای نفتی در بازار ارز کشور به قیمت های مقرر در بودجه سالانه میسر نیست، دست به مدیریت بازار ارز می زند، آن هم با چاپ اسکناس بی پشتوانه و ارائه آن به دولت و افزایش ذخایر ارزی خود، که این روش بلای تورم را به جان اقتصاد می اندازد و اگرچه نرخ ارز در ظاهر ثابت نگه داشته می شود، اما با لحاظ کردن اثر تورم بالا، به نوبه خود موجب کاهش نرخ واقعی ارز در کشور می شود. بنابراین، به سادگی می توان دریافت که درمان این بیماری صرفاً با دستکاری نرخ ارز میسر نیست. دستکاری نرخ ارز و افزایش آن مانند مسکن موقتی برای کاهش درد این اقتصاد بیمار است و علاج بیماری فقط و فقط «تبدیل دولت ثروت ملی به دولت کار ملی است.» به عبارت دیگر، اگر درآمدهای نفتی وارد بودجه دولت و از آنجا به بازار ارز کشور سر ریز نشود، تنظیم نرخ ارز در بازار به توان تولید ملی گره می خورد و نتیجه آن خواهد شد که اگر تولید از واردات ضعیف تر باشد، نرخ ارز افزایش می یابد و اگر تولید توان مندتر از واردات شود، نرخ ارز کاهش می یابد و این مهم در صورتی حاصل می شود که اولاً دولت مقید به انضباط مالی و بودجه ای بیشتری شود و ثانیاً اندازه دولت کاهش جدی پیدا کند؛ یعنی به اندازه ای کوچک شود که توان اداره کشور را با درآمدهای ناشی از کار ملی (مالیات و عوارض ماخوذه از شهروندان و فعالیت های اقتصادی کشور) بیابد. دست اندرکاران اداره کشور باید بپذیرند هیچ راه دومی برای

نجات اقتصاد کشور وجود ندارد. بنابراین، به جد در پی تحقق دولت کوچک و متکی به کار ملی باشند. فعالان اقتصادی هم با درک اهمیت این موضوع باید به جای اینکه فقط خواستار افزایش دستوری نرخ ارز باشند، تمام هم و غم خود را به اصلاح ریشه های این معضل بدهند؛ زیرا قطعاً دولت بزرگ و پرخرج محتاج فروش دلارهای نفتی در بازار ارز خواهد بود و در نتیجه آن چرخه معیوب تصویر و در نوشتار فوق اجتناب ناپذیر می شود. پس نتیجه می گیریم نمی توان به افزایش دستوری نرخ ارز دل خوش کرد؛ چراکه هرگاه دولت خود را در آستانه کسری بودجه بیابد، همه قول و قرارهای ارزی را به بوته فراموشی می سپارد. پس تا زمانی که در بر همین پاشنه می چرخد، منافع دولت با منافع تولید ملی هم راستا نیست و چون هم راستا نیست، هر اقدام و تصمیمی هم درباره نرخ ارز پایدار نخواهد بود.

۳. شرایط اقتصاد ملی و مشکلات تولید داخلی

۳. شرایط اقتصاد ملی و مشکلات تولید داخلی

برای تفهیم هر چه بیشتر شرایط اقتصاد ملی و مشکلات تولید داخلی لازم است تا به رئوس اهم آنها اشاراتی داشته باشیم:

۱. نبود اراده ملی برای مصرف کالاهای تولید داخل در بین اقشار مختلف مردم و نیز سازمان‌های حکومتی و مردمی و مهم تر از همه در جلوه های تبلیغاتی و دکوراسیون و لوگوسازی های فیلم ها و برنامه ها و مستندسازی ها در رسانه ملی و رسانه های دیداری و شنیداری؛

۲. نبود نظارت تضمینی دولت بر کیفیت و تعیین قیمت مناسب برای کالاهای تولید داخل و تجربه مردم از مصرف کالاهای دارای کیفیت پایین و قیمت بالا؛

۳. نبود الگوی مصرف و بی توجهی به اسراف ها و تبذیرها؛

۴. تفاوت اجرا با محتوای مصوبات و سیاست گذاری ها؛

۵. وجود پدیده تسلط فرد بر سیستم یا همان امکان انحصار قدرت برای یک مدیر اجرایی یا حتی یک سازمان اجرایی در برابر سیستم پشتیبان و ناظر؛

۶. تزریق درآمدهای منابع زیربنایی در مصارف روبنایی و نقش تخریبی درآمدهای نفتی در هزینه کردن برای خرید کالاهای مصرفی از اقتصاد جهانی؛

۷. تصمیم گیری های مقطعی و مصوبه های توجیه ناپذیر در عرصه اقتصاد ملی؛

۸. بزرگ بودن دولت در تصدی گری های اقتصادی؛

۹. اجرای نامناسب طرح ها، پروژه ها و مصوبات اقتصادی و نیمه رها شدن آنها.

نتیجه گیری

نتیجه گیری

متأسفانه از دیرباز، نگاه جامعه به صاحبان فعالیت های تولیدی، بیشتر به سوی نکوهش تولیدکننده و سرمایه گذار گرایش داشت. به همین جهت، نه مبانی فرهنگی جامعه مستعد پرورش چنین نیروهایی بود و نه ساختار نفتی، نیازمند درآمدهای تولیدکننده داخلی.

استفاده حداکثری از ظرفیت های تولید ملی بدون اشتغال نیروهای انسانی و بلکه ارتقای آنها از طریق دانش و مهارت، ممکن نیست. این نیز جهت دیگری است که تمرکز بر تولید به کاهش بی کاری و فقر، رشد دانش و

مهارت ها و افزایش بهره وری نیروی کار منجر می شود، بلکه می توان گفت توان مندی تولیدی، مقصدی است که بی شک از راه دانایی محوری می گذرد. تنها در یک حالت، افزایش تولید بدون دانش محوری، ممکن است و آن، بسنده کردن به خام فروشی منابع طبیعی و سرمایه های ملی است که در ظاهر، تولید اقتصادی کشور را بالا می برد، اما استفاده حداکثری از نیروی انسانی (شاخص اشتغال) و کیفیت آن (شاخص دانش و مهارت) را تغییر نمی دهد.

تسهیل امر تولید در شرایط کنونی از اهمیت مضاعفی برخوردار است؛ زیرا اولاً تولیدکنندگان در صف نخست جهاد اقتصادی در برابر تحریم های بین المللی، دشواری مبادلات بین المللی و نوسان های ارزی قرار دارند. ثانیاً اصلاحات اقتصادی داخلی به ویژه طرح هدفمند کردن یارانه ها نیز فشارهایی را متوجه تولیدکنندگان کرده است.

بر این اساس، اقتصادهای نفتی مانند ایران باید به سوی تولید مستقل از منابع نفتی حرکت کنند و از وابستگی خود به درآمدهای نفتی بکاهند. اتفاقاً درآمدهای بدون زحمت نفتی مانعی است که موجب استغنائی مدیران اجرایی کشور از شکوفایی دیگر ظرفیت های تولید و درآمد ملی می شود. در صورت کاهش سهم نفت، انتظار می رود اهتمام مدیران برای بالفعل کردن دیگر ظرفیت های تولیدی و استفاده ی بهینه از منابع موجود افزایش یابد.

تولید با یک معضل فرهنگی دیگر نیز دست به گریبان بود و آن، حس حقارت ناتوانی در برابر تولیدکنندگان خارجی بود. بحمدالله با ظهور انقلاب اسلامی این حس به تدریج، جای خود را به احساس توان مندی داد، اما همچنان مشکل استغنائی مسئولان و اتکا به درآمد نفت موجب می شد به بسیاری از مشکلات اهالی تولید اهتمام جدی صورت نگیرد و حتی گاهی

سیاست های ضد تولید درباره آنها تنظیم شود. این در حالی بود که اگر تولیدکنندگان و کارآفرینان به دنبال درآمدهای بی زحمت بودند، می توانستند از طریق تجارت یا سفته بازی دارایی ها به ثروت کلانی دست یابند. در چنین شرایطی، خلأ شناساندن تولیدکنندگان به عنوان قهرمانان اقتصاد ملی (و اصلاح فرهنگ و نگاه مدیران) احساس می شد.

نام گذاری سال تولید ملی، محمل بسیار خوبی برای تشویق تولید و کارآفرینی به عنوان حسنه اجتماعی و اخلاقی و همچنین یادآوری به مدیران اجرایی در مورد لزوم رفع موانع تولید است؛ موانعی که ناشناخته نیستند و امید می رود با عزم مسئولان کاهش یابند. برای نمونه، دو مانع مورد اشاره در سخنان پیشین رهبر معظم انقلاب، بی ثباتی برخی قوانین و نیز فساد اقتصادی است که موجب آسیب دیدن انگیزه اهل تولید و افزایش هزینه های پنهان آن می شود.

رشد توان تولیدی نقش منحصر به فردی نیز بازی می کند و آن، نقش آفرینی در اقتدار سیاسی بین المللی است. چندین دهه است که سیادت ظاهری نظم جهانی در دست کشورهایی است که پیش تر در عرصه تولید اقتصادی به قدرت تبدیل شده اند. البته گرفتاری این قدرت ها به ظلم ها و فسادهای بزرگ موجب شده است در آینده ای نه چندان دور شاهد زوال هیمنه آنها باشیم، اما به هر حال، رشد توان تولیدی یک کشور در سرآمدی اقتصادی و نفوذش در مجامع بین المللی و مصونیت آن در امنیت تأثیری بسزا دارد. اقتصادی که بنیه تولیدی، ضعیف و وابستگی های راهبردی داشته باشد، توان پایداری بر موضع عزت و استقلال خود ندارد و به زودی در برابر فشارهای خارجی تسلیم خواهد شد.

سرآمدی به عنوان پی آمد قدرت تولیدی، هیچ اختصاصی به حوزه اقتصادی ندارد. رشد توان تولیدی در عرصه علمی و فکری و در حوزه های فرهنگی و محصولات دفاعی _ امنیتی و مانند آن، همگی موجب پویایی ظرفیت های داخلی و سرآمدی و اثرگذاری ایران اسلامی در سطح جهانی خواهد شد. در شرایطی که بسیاری از محصولات خارجی نقش سفیران فرهنگی و اقتصادی را در ذهن مردم دیگر کشورها بازی می کنند، چرا ایران اسلامی نباید از این قدرت نفوذ نرم بهره برد؟

رشد تولید همیشه به استفاده بیشتر از سرمایه، انرژی، نیروی کار و منابع طبیعی وابسته نیست، بلکه وضعیت بهینه آن است که با استفاده بهره ورانه از منابع موجود، تولید بیشتری صورت دهیم؛ چنان که آمار رسمی کشور نیز از پایین بودن نرخ بهره وری حکایت می کند.

نکته قابل تأمل دیگر، پسوند معنی دار «ملی» و «داخلی» در احیای امر تولید است. بر خلاف آنچه در نسخه های اقتصاد لیبرال توصیه می کنند، بسیاری از صاحب نظران معتقدند حتی فرآیند جهانی شدن هم نتوانسته است اهمیت عنصر ملی در اقتصاد را از بین برد، بلکه در صحنه عمل حتی اقتصادهای سرمایه داری نیز از ضوابط حمایت گرایی از تولید داخلی دست نکشیده اند و تنها پس از رسیدن به سطح بالای رقابت پذیری است که دیگران را از حمایت گرایی زنده می دهند. نتیجه ی چنین توصیه ای، آزادی جریان واردات از کشورهای با توان تولید بالا به اقتصادهای نحیف و مصرف کننده و وابستگی بیشتر آنها است. چنان که پیش تر گفتیم، این مسئله، استقلال سیاسی اقتصادهای وابسته را تباہ می کند.

دست کشیدن از حمایت گرایی، دامی بود که ما با درایت مقامات کشور

اسیر آن نشده ایم و ثمره مبارک آن را اکنون در شرایط وجود فشارهای خارجی شاهد هستیم و امکان برآوردن نیازهای اصلی خود را داریم. البته بلند کردن پرچم تولید ملی، با حمایت بدون هدف گذاری از تولیدکننده داخلی مترادف نیست؛ زیرا اگر حمایت های نامعقول به نبود رقابت تولیدکنندگان ایرانی در قیمت و کیفیت بینجامد، موجب از دست رفتن توان رقابت خارجی جامعه می شود که در بلندمدت به زیان تولید ملی است.

شکی نیست که یکی از کامیابی های انقلاب اسلامی، زنده کردن نگاه ملی و استقلال طلبی و خودباوری در عرصه های اقتصاد و دانش است. این روحیه و دیدگاه در دوره های مختلف، فراز و فرودهایی داشته، اما بر همان صراط مستقیم استوار مانده است. هدف گذاری امسال نیز فرصتی بس مغتنم برای تقویت سرمایه و نیروی کار داخلی و نهایتاً کشاورزی و صنعت و در یک کلمه، تولید ایرانی است؛ تولیدی که سفیر هویت و توان اقتصادی کشور و نشان دهنده قوت علمی و مدیریتی این سرزمین و کمک کار استقلال و عزت سیاسی ملت ماست.

امید است با ایجاد ستادهای فعال در سراسر کشور، زمینه های شکل گیری نهضت تولید ملی با گرایش اولویت استعدادها و قابلیت های بومی در روند حمایت از کار و سرمایه ایرانی فراهم آید. همانا این امر، عملی ترین پاسخ برای پایان بخشیدن به همه تحریم ها و تهدیدهایی است که در یکی دو سال اخیر از سوی نظام سلطه جهانی علیه کشور ما تبلیغ و تحمیل شده است.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹